

اللَّهُمَّ  
إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

سرشناسه	ناظم زاده، علی، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	آفت‌های بهره‌وری در خانواده، سازمان و دولت: گفتارهای حسن آقاچانی / به کوشش سیدعلی ناظم‌زاده؛ ویراستار ابوالفضل طریقه‌دار.
مشخصات نشر	قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۹۹ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۸۵-۱۴۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۸۷-۱۸۸.
موضوع	بهره‌وری
	*Productivity:
	غفلت
	Negligence (Ethics:)
شناسه افزوده :	طریقه‌دار، ابوالفضل، ۱۳۳۷-، ویراستار
رده بندی کنگره	۵۵/BP۲۵۰:
رده بندی دیویی	۶۳۹/۲۹۷:
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۶۹۷۶۲:
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبیا	
تاریخ درخواست	۱۴۰۰/۰۹/۱۴:
کد پیگیری	۸۶۶۹۳۳۲:



## آفت‌های بهره‌وری

- به کوشش: سیدعلی ناظم‌زاده
- ناشر: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)
- ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار
- صفحه‌آرا: محمود هدایی
- چاپخانه: گلها
- چاپ اول: اول، زمستان ۱۴۰۰
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۵-۱۴۱-۲
- قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

- قم بلوار معلم، مجتمع ناشران، واحد ۵۱۳
- تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۱۵۷۵
- [www.hasanaghajani.com](http://www.hasanaghajani.com)

# آفت‌های بهره‌ور

در خانواده، سازمان و دولت

گفتارهای حاج حسن آقاجانی

به کوشش:

ابوالفضل طریقه‌دار

سیدعلی ناظم‌زاده



تقدیم بہ:

ہمہ می کسانی کہ ارزش و اہمیت نعمت ہا را  
می دانند و با عقل و درایت، معیارها بهره وری را پاس می دارند و خود،  
خانوادہ و سازمان شان را از آفت ہا  
آن دور می سازند.





## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۳

### بخش اول:

### آفت های بهره‌وری در عرصه های

### خانوادگی و خصوصی

نداشتن پشتکار ..... ۱۷

داستان «سگاکي» ..... ۱۷

داستانی از ادیسون ..... ۱۹

خودرأیی ..... ۲۱

ضررهای خودرأیی ..... ۲۳

عجله و شتاب ..... ۲۹

آسیب‌های جدی عجله ..... ۳۲

پراکنده‌کاری ..... ۳۴

راه‌کارهای دور شدن از پراکنده‌کاری ..... ۳۷

تنبلی و تن‌پروری ..... ۴۰

نتایج ناگواری تنبلی ..... ۴۳

عوامل تنبلی ..... ۴۵

راه‌کارهای مبارزه با تنبلی ..... ۴۶

ارزش ندادن به وقت ..... ۴۸

داستانی از اسکندر مقدونی ..... ۴۹

عوامل هدر رفت وقت ..... ۵۱

۱. بی‌برنامگی: ..... ۵۱

توصیه‌ای به جوانان ..... ۵۴

## بخش دوم: آفت‌های بهره‌وری در عرصه‌مدیریتی و تولیدی

ضعف در تولید ..... ۵۷

۱. کم‌رنگ بودن نقش خانواده در تولید ..... ۵۷

۲. وجود ظرفیت‌های خالی در تولید ..... ۵۸

۳. فراوانی ضایعات ..... ۵۸

۴. اهمال‌کاری در تولید ..... ۵۹

۵. بی‌مبالاتی در تولید مواد اولیه ساختمان ..... ۵۹

۴. بی‌توجهی در تولید نان ..... ۶۱

ضعف ارتباط میان صنعت و دانشگاه ..... ۶۲

راه کار و پیشنهادها: ..... ۶۶

بی‌برنامگی ..... ۶۷

ویژگی‌های یک برنامه‌ریزی خوب ..... ۶۷

محاسن برنامه‌ریزی ..... ۶۸

عصر حاضر، عصر طلایی برای موفقیت ..... ۶۹

رموز موفقیت ..... ۷۱

هدف‌گذاری در برنامه‌ریزی ..... ۷۲

بی‌توجهی به اتاق فکر ..... ۷۴

ضرورت وجود اتاق فکر ..... ۷۴

ویژگی‌های اتاق‌های فکر ..... ۷۵

اتاق فکر و توفان مغزی ..... ۷۶

نمونه‌ای از توفان ذهنی در بهره‌وری ..... ۷۷

ضعف در نظام آموزش و پرورش ..... ۷۹

اهمیت جذب نخبه‌ها در آموزش و پرورش ..... ۷۹





۸۰	.....	خلا پژوهش در آموزش و پرورش
۸۴	.....	از مدرسه تا دانشگاه
۸۴	.....	آفت‌های حافظه محوری
۸۵	.....	ضرورت جذب مدیران قوی و با استعداد
۸۷	.....	ارتباط دانش‌آموزان با صنایع و کارخانه‌جات
۸۹	.....	غفلت از منابع طبیعی
۸۹	.....	۱. آب
۹۰	.....	۲. خاک
۹۱	.....	۳. جنگل و مرتع
۹۲	.....	راه حل:
۹۵	.....	ضعف در توزیع و خدمات
۹۵	.....	الف) عرضه نامناسب و فله‌ای مواد غذایی
۹۵	.....	ب) عرضه نامناسب آب بهداشتی
۹۶	.....	ج) شیوه نامناسب عرضه خدمات
۹۷	.....	د) عرضه نامناسب سوخت
۹۸	.....	ه) شیوه نامناسب حمل و نقل
۹۹	.....	بی‌نظمی
۱۰۱	.....	نظم چیست؟
۱۰۱	.....	عوامل مؤثر در نظم
۱۰۲	.....	فایده‌های نظم:
۱۰۴	.....	بی‌مبالاتی در مصرف
۱۰۴	.....	۱. خرید فله‌ای و انبوه مواد غذایی
۱۰۴	.....	۲. اسراف در پذیرایی‌ها و پخت و پز
۱۰۶	.....	۳. استفاده نادرست از پوشاک
۱۰۷	.....	۴. مدگرایی
۱۰۸	.....	۵. مصرف بی‌رویه کالاهای بیگانه
۱۰۹	.....	۶. تولید نامتعارف زباله
۱۰۹	.....	۷. مصرف بی‌رویه دارو



۸. بی‌مبالاتی در بهره‌گیری از امکانات و اموال عمومی ..... ۱۱۰
۹. مدیران مُشْرِف ..... ۱۱۱
- اسراف در سازمان‌ها! ..... ۱۱۲
- بی‌توجهی به منابع انسانی ..... ۱۱۳
۱. پایین بودن کارآیی کارکنان اداره‌ها ..... ۱۱۳
۲. بی‌توجهی به سالمندان و بازنشستگان ..... ۱۱۴
۳. بانوان ..... ۱۱۶
۴. کودکان و نوجوانان ..... ۱۱۷
۵. جوانان و افراد تحصیل کرده ..... ۱۱۷
۶. ضعف کاردانی ..... ۱۱۸
۷. کیفیت اشتغال ..... ۱۱۹
۸. آفت تعطیلات ..... ۱۱۹
۹. فقر فرهنگ مطالعه ..... ۱۲۰
۱۰. ضعف در تکریم ارباب رجوع ..... ۱۲۱
- راه کارهای کلی برای حفظ سرمایه‌ها و استعدادها ..... ۱۲۳
- اول: فرد و خانواده ..... ۱۲۳
- دوم: نهادهای اجتماعی و خصوصی ..... ۱۲۸
- سوم: دولت ..... ۱۳۵

### بخش سوم

### آفت‌های اخلاقی بهره‌وری

۱. برداشت نادرست از مفاهیم دینی ..... ۱۴۸
۲. ندانستن احکام شرعی ..... ۱۵۰
۳. رباخواری ..... ۱۵۱
- منطق رباخواران ..... ۱۵۲
- علت حرمت ربا ..... ۱۵۳
- زیان‌های ربا ..... ۱۵۴
۴. لقمه حرام ..... ۱۵۴
۵. بهره‌کشی و استثمار ..... ۱۵۶



۱۵۶	راه‌های استثمار و بهره‌کشی
۱۵۷	۶. ویژه‌خواری (رانت‌خواری)
۱۵۸	۷. دروغ
۱۶۵	۸. رشوه‌خواری و اختلاس
۱۶۶	نکوهش و مذمت رشوه
۱۶۷	۹. گناه
۱۶۹	۱۰. آزمندی و حرص
۱۷۱	۱۱. بداخلاقی
۱۷۲	۱۲. مال‌پرستی
۱۷۴	۱۳. غش در معامله
۱۷۴	۱۴. تدلیس و فریب‌کاری
۱۷۵	۱۵. کم‌فروشی
۱۷۸	۱۶. احتکار
۱۸۰	۱۷. انحصار ثروت
۱۸۳	۱۸. بازار سیاه
۱۸۴	۱۹. سخت‌گیری در معامله
۱۸۵	۲۰. مصرف‌گرایی (اسراف)
۱۸۹	کتاب‌نامه





## مقدمه

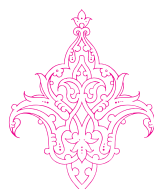
در عرصه‌های خانوادگی، خصوصی و دولتی، آفت‌ها و روزنه‌هایی وجود دارد که اگر شناسایی و اصلاح نشوند به کیان خانواده و مُلک و ملت، لطمه‌های جبران‌ناپذیری می‌زند. خانواده‌ها و دولت‌ها و فعالان اقتصادی و تولیدی و تلاش‌گران در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، چاره‌ای جز شناخت صحیح این آفت‌ها و روزنه‌ها و تلاش برای مسدود کردن آن ندارند. مدیر و اعضای هر خانواده باید با عقل و تدبیر، مسیر درستی را برای رونق سرمایه اقتصادی و انسانی پیدا کنند. دولت هم با اهمیت دادن به سیاست‌گذاری صحیح، سرمایه‌های انسانی، تجاری و اقتصادی را حفاظت و از آن‌ها در جهت توسعه و آبادانی کشور استفاده کند.

بعد از انتشار سه کتاب قبلی خود با نام‌های «درس‌هایی از یک کارآفرین موفق»، «کارآفرینی برای جوانان» و «مدیریت منابع انسانی» که با همکاری و همفکری آقایان: ابوالفضل طریقه‌دار و سید علی ناظم‌زاده، منتشر شد. در این گفت‌وگوها و بحث‌های جدید خود را درباره آفت‌های بهره‌وری، در زندگی فردی و اجتماعی را بررسی می‌کنیم و آن‌ها را در خانواده‌ها و افراد فعال در کسب و کارهای کوچک و بزرگ و تولیدگران، پی‌گیری می‌نماییم. علت این که من به فکر این بحث افتادم این بود که می‌دیدم در اثر غفلت یا بی‌توجهی یا تخصص نداشتن آفت‌هایی در بدنه خانواده و دولت به وجود می‌آید و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی ضایع می‌شود و بهره‌وری را دچار مشکل می‌کند. روال این گفت‌وگوها به سبک سه کتاب‌های قبلی است، امیدوارم که مورد قبول واقع شود.

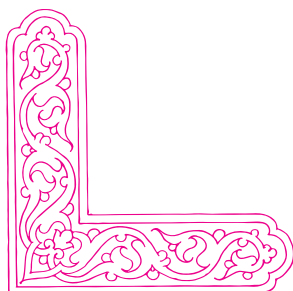
حسن آقاجانی / پاییز ۱۴۰۰



بخش اول



# آفت‌های بهره‌وری در عرصه‌های خانوادگی و خصوصی









## نداشتن پشتکار

یکی از آفت‌ها در خانواده و دولت و نیز در کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ، نداشتن پشتکار است.

ما شاهد بوده‌ایم که افرادی با داشتن استعداد و امکانات، وارد کار ورشته‌ای شده‌اند، ولی چون پشت کار نداشته‌اند نتوانسته‌اند موفق شوند. برعکس، افرادی با داشتن کمترین استعداد و سرمایه، به قله‌های موفقیت رسیده‌اند. در این جا داستانی را نقل می‌کنم تا بحث، روشن‌تر و شیرین‌تر شود.

### داستان «سگاکي»



«سگاکي مرد آهنگري بود. زماني با آهن، صند و قچه‌اي بسيار كوچك و ظريف ساخت و آن را به دربار پادشاه وقت برد و منتظر دريافت پاداش و انعام از سوي شاه شد. در همين وقت، يكي از دانشمندان وارد مجلس شد و شاه و تمامي حاضران به احترام او از جاي برخاستند. سگاکي به شدت تحت تأثير قرار گرفت و پرسيد اين شخص كيست؟ در جواب وي گفتند: يكي از علماي معروف است. سگاکي به فكر فرو رفت و از اين كه عمر خود را در مسيري غير از كسب علم تلف کرده بود، اندوهگين شد. به همين خاطر، پس از خروج از دربار، مستقيماً به



سوی مدرسه شهر شتافت تا درس فقه بیاموزد، ولی به او گفتند که سن و سالش اجازه تحصیل را به او نمی‌دهد. سکاکی دست بردار نبود. معلم ناچار شد، حفظ کردن يك مسئله بسیار ساده فقهی را به او تکلیف کند تا فردا در مدرسه درس را پس بدهد. با وجودی که سکاکی تلاش فراوانی کرد، ولی موفق نشد و مورد تمسخر دیگران قرار گرفت. ده سال از این ماجرا گذشت. روزی از شدت اندوه و دل‌تنگی سر به کوه و صحرا نهاد و گذرش به جایی افتاد که قطره‌های آب از بلندی بر روی تخته سنگی می‌چکید و بر اثر مداومت، سوراخی در دل سنگ ایجاد شده بود. سکاکی با مشاهده آن منظره، با خود گفت: «نه ذهن و حافظه تو از این سنگ سخت‌تر است و نه علم از این آب نرم‌تر. اگر مداومت و پشتکار داشته باشی، سرانجام موفق خواهی شد».

این را گفت و به شهر بازگشت و با اینکه حدود چهل سال داشت، به کسب علم پرداخت و با توکل به خدا و جدیت در کار، به عنوان یکی از دانشمندان و فضیلاي روزگار خود شناخته شد. حاصل تلاش‌های او در کتاب‌های گوناگونی جمع آوری شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «مفتاح العلوم» او اشاره کرد.



اگر شما می‌خواهید به هدفی برسید باید تمام توان خود را برای رسیدن به آن هدف به کار بگیرید و نمی‌توانید با کمی تلاش به هدف خود برسید باید تمام تلاش خود را به کار بگیرید و در این راه، پشت کار فراوان داشته باشید.

اگر می‌خواهید کسب و کاری راه بیندازید نمی‌توانید پیش خود بگویید فعلاً با صرف کمی وقت و هزینه به این کار می‌پردازم تا اگر نتیجه داد زمان و هزینه بیشتری را به کار اختصاص دهم.

باید به هدف خود ایمان داشته باشید و بعد از آن است که اصل مهم موفقیت به کار می‌افتد و باید تمام تلاش خود را بکنید تا به هدف برسید.

اگر در درس‌های مدرسه و دانشگاه مشکل دارید یا اگر هدفتان تربیت فرزند خوب است یا اگر کسب و کار موفق و رونق تولید خود را می‌خواهید باید در راه رسیدن به آن پشتکار داشته باشید. در یک کلام مهم نیست می‌خواهید در چه زمینه‌ای پیشرفت کنید،



باید تمام توان خود را به کار بگیرید و با تمام قوا کار کنید تا بتوانید به موفقیت برسید، پشتکار یکی از مهم‌ترین اصل‌های موفقیت است. مبارزه شما هر چه باشد، هر چقدر سخت باشد در هر شرایطی که هستید باید سختی را تحمل کنید اما دست از سخت کوشی و پشت کار، برندارید. اگر رقیب شما باهوش‌تر، توانمندتر، و باتجربه‌تر است باید سه تا چهار برابر او تلاش کنید و با مداومت بتوانید به اهداف خود برسید. فراموش نکنید خداوند در قرآن می‌فرماید:

«ما آسمان‌ها و زمین را به تسخیر شما در آورديم ...»<sup>۱</sup>

## داستانی از ادیسون



مدت‌ها بود که توماس ادیسون مخترع معروف، در حال آزمایش و تلاش این بود که بتواند از برق روشنایی بگیرد. روزی خبرنگاری از او پرسید: آقای ادیسون، تا کنون تلاش‌های بسیاری برای این منظور کرده‌اید و تا آنجا که می‌دانم حدود ۹۰۰ آزمایش انجام داده‌اید اما همه آن‌ها با شکست مواجه شده است. همان‌طور که می‌دانید همه دانشمندان امروز به این معتقد هستند که بشر هرگز قادر نخواهد بود که از برق روشنایی بسازد و این سرنوشت انسان است که تا ابد با سوخت طبیعی تاریکی‌ها را روشن کند. اما با این وجود شما باز هم دست از تلاشتان برنمی‌دارید؟

ادیسون در حالی که به آن جوان خبرنگار لبخند می‌زد پاسخ داد: پسرم، من ۹۰۰ بار شکست نخورده‌ام، بلکه ۹۰۰ بار راه‌هایی را پیدا کردم که به اختراع لامپ منجر نمی‌شود!

اندکی بعد توماس ادیسون موفق شد اولین لامپ الکتریکی خود را از نیروی برق بسازد.



۱. سوره جاثیه، آیه ۱۳.



این فقط یک داستان نیست، یک حقیقت است، کسانی که برای رسیدن به اهداف خود، پشت کار فوق‌العاده به خرج می‌دهند سرانجام به هدف خود می‌رسند.



## خودرأیی

یکی از آفت‌ها و روزنه‌هایی که هم خانواده و هم دولت از طریق آن لطمه می‌خورد، خودرأیی و مشورت نکردن است. در عمر خود شاهد بوده‌ایم که بعضی از انسان‌ها به خاطر استبدادی به رأی یا بی‌تفاوتی به نظرات دیگران دچار خسارت‌های بزرگی شده و فرصت‌های زیادی را از دست داده‌اند.

معمولاً در مواقع حساس و تصمیم‌گیری‌های مهم، مثل انتخاب همسر، انتخاب شغل، رشته تحصیلی، ایجاد یک خط تولید جدید و بسیاری از کارهای دیگر، انسان به مشورت نیاز دارد، یعنی باید از دانش و تجربه‌های دیگران استفاده کند، چون همه تجربه‌ها و دانش‌ها در اختیار یک نفر نیست، بلکه میان همه آدم‌ها توزیع شده است. پس عقل و دوراندیشی، حکم می‌کند که با دیگران، شور و مشورت کنیم و از تجربه‌های آنان بهره ببریم.

من مشورت کردن را از پدرم مرحوم محمد آقا جانی آموخته‌ام. او در شهر قم یک تولیدکننده و کارآفرین موفق بود. ویژگی‌های جالب و درس‌آموزی داشت، یکی از آن‌ها مشورت کردن بود. او در عمل به ما یاد داد که در کارها با افراد صلاحیت‌دار مشورت کنید. لذا من هم همیشه در زندگی‌ام در هر کاری با او و با آدم‌های باصلاحیت مشورت می‌کردم و می‌کنم و معتقدم که مشورت با افراد شایسته به انسان هوشیاری می‌دهد، به قول مولوی:

مشورت، ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها، عقل‌مرا یاری دهد  
گاهی انسان هنگام مشورت با دیگران با یک حرف، راه‌های تازه‌ای پیش‌پایش گشوده می‌شود.

واقعاً مشورت کوه‌های بلند و سر به فلک کشیده را هموار می‌کند، پیغمبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ عقل کل بود ولی در کارهای کشوری و مهم مشورت می‌کردند، اساساً از طرف خدا به آن حضرت امر شد که باید در کارها مشورت کنی: «و شاورهم فی الأمر». من با الهام از همین دستور، رشد خودم را مدیون مشورت می‌دانم،

مدیرعامل یک شرکت نمی‌تواند در تمام زمینه‌ها اطلاعات داشته باشد باید از مشاورها مشورت بگیرد.

بالاخره کارخانه، یک کشور کوچک است و بهترین روش رشد دادن این کشور کوچک، استفاده از مشاور متعهد و توانمند است، من معتقدم اگر انسان مشاور نداشته باشد اصلاً موفق نیست!

شاید در برخی از شغل‌ها مانند بعضی از زمینه‌های هنری بتوان بدون مشاور آن‌هم تا حدودی موفق بود، ولی در بیشتر کارها نیاز به مشاور و مشورت هست بلکه گاهی صد درصد مشورت الزامی است.

من خود از راه تجربه آموخته‌ام که اگر انسان مشاور نداشته باشد نمی‌تواند بیش از شش ماه راهش را ادامه دهد؛ از این رو تمام شرکت‌هایم به گونه‌ای است که با مشاورها گره خورده‌اند و در حال حاضر در این فکر هستم که شرکتی تأسیس کنم تا بتوانم مخترعین و نوابغ را بیشتر وارد صنعت کنم و با مشورت آنان کارها را بیشتر پیش ببریم.



## ضررهای خودرأیی

انسان‌های مستبد و خودرأی، هم به خود هم به خانواده و هم به ملت و مملکت، ضررهای جبران‌ناپذیری می‌زنند.  
به بعضی از زیان‌های این صفت ناپسند، اشاره می‌کنم:

### ۱. جلوگیری از پیشرفت

مشورت نکردن، مانع ترقی و پیشرفت است. انسان‌هایی که در کار خود، شکست می‌خورند، دلیل عمده‌اش این است که خود را از سرمایه بزرگی به نام «تجربه و دانش» دیگران، محروم کرده‌اند. همین محرومیت، جلوی پیشرفت او را می‌گیرد. در یک بررسی و آزمایش که صورت گرفت معلوم شد آن دسته از افرادی که در کارهای خود مشورت می‌کنند، بسیار سریع‌تر از افرادی که به مشورت اهمیت نمی‌دهند در کارها ترقی کرده‌اند. امام کاظم علیه السلام فرمود: «مشورت کردن با آدم خردمند و خیرخواه، باعث خوش‌یمنی و برکت و رشد و توفیق الهی است».<sup>۱</sup>

### ۲. ضعف روحی و نداشتن اعتماد به نفس

مشورت نکردن در کارها نشانه آن است که فرد، دچار ضعف روحی است. این واقعیتی است که اگر انسان در مسیر زندگی کسی را نداشته باشد که با او تبادل نظر کند، نشان آن است که دچار یک ضعف روحی است و در انجام وظایف و ارتباط با دیگران، اعتماد به نفس ندارد. روان‌شناسان می‌گویند: مشورت گرفتن و گفت‌وگوی سازنده با دیگران، باعث تقویت اعتماد به نفس و نوعی احترام به خود است. تجربه هم نشان داده است که وقتی کاری را با مشورت دیگران انجام می‌دهیم، اعتماد به نفس بیشتری داریم و مطمئن هستیم که در آن کار، موفق خواهیم شد.  
مشورت در واقع به ما روحیه می‌دهد، از ما پشتیبانی می‌کند و دلگرمی می‌دهد، به

۱. «مشاورَةُ العاقلِ الناصِحِ يُبْنِ وَ بَرَکَةٌ وَ رَشْدٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ» (تحف العقول، ص ۴۲۰).

همین خاطر است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هیچ پشتیبانی، مورد اعتمادتر از مشورت نیست.»<sup>۱</sup>

افرادی که می‌ترسند به دیگران نزدیک شوند و از فکر و تجربه و دانش آن‌ها، بهره ببرند، در واقع دچار ضعف روحی هستند و در کارها موفق نخواهند شد. رفتارهای چنین افرادی، مثل آدم‌های گوشه‌گیر، افسرده و منزوی است.

### ۳. پشیمانی

آفت دیگر مشورت نکردن، پشیمانی است. گاهی با آدم‌های خودرأی و یا ناآگاه برخورد کرده‌ایم که کاری را انجام داده‌اند اما شکست خورده‌اند و لذا پشیمان هستند. افسوس و پشیمانی آن‌ها به خاطر این است که دائم به خود می‌گویند: چرا مشورت نکردم؟ چرا از عقل و تجربه دیگران بهره نبردم؟ و چرا چرا؟

انسانِ خودرأی، نه تنها خودش را سرزنش می‌کند، بلکه مورد سرزنش دیگران هم واقع می‌شود یعنی دیگران هم او را ملامت می‌کنند که چرا از اندوخته‌های علمی و تجربی دیگران استفاده نکردی. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«کسی که مشورت کند و کاری را انجام دهد اگر آثار مفید به همراه داشت مورد ستایش دیگران واقع می‌شود، اما اگر شکست خورد، لااقل مورد سرزنش دیگران واقع نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

انسان در انتخاب همسر، رشته، شغل و هر کار دیگری انجام می‌دهد و هر تصمیمی که می‌گیرد، قصدش این است که آینده خود و خانواده و جامعه‌اش را بهتر بسازد و هر گامی که برمی‌دارد، به طرف جلو باشد، اما اگر مشورت نکند و نسنجیده دست به اقدامات مهم بزند، شکست می‌خورد و همین شکست‌ها برای او ندامت و پشیمانی به بار می‌آورد.

ریشه بسیاری از طلاق‌ها، شکست‌ها، افسردگی‌ها و ناامیدی‌ها از همین استبداد به رأی و مشورت نکردن است؛ یعنی انتخاب‌های نسنجیده‌ای که بدون مشورت با

۱. «لَا مُظَاهَرَةَ كَالْمَشُورَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۹).

۲. «مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يُدْمَ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا وَ عِنْدَ الْخَطَا عَازِرًا» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴).





افراد صلاحیت‌دار، صورت گرفته و اکنون باید یک عمر، نتیجه تلخ آن را بچشد و از تصمیم‌های خود پشیمان باشد. همین پشیمانی، فشار روحی سنگینی را بر او وارد می‌کند و عامل شکست‌های دیگری هم می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: «مشورت کردن، از پشیمانی جلوگیری می‌کند».

#### ۴. فکر کوتاه

مشورت نکردن، نشانه فکر کوتاه در فرد است. یکی از آسیب‌های دور کردن خود از مشاوره این است که آدمی دچار فکر کوتاه می‌شود و از دوراندیشی بی‌بهره می‌ماند. کسی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: دوراندیشی چیست؟ فرمود: «مشورت با افراد صلاحیت‌دار و عمل کردن به نظر آنان».<sup>۱</sup>

وقتی کسی با صاحب نظران، مشورت می‌کند در واقع از انبوهی از اطلاعات و تجربیات آنان بهره‌مند می‌شود و نظرات دیگران را با نظرات خود، پیوند می‌زند و دید وسیعی در یک موضوع خاص پیدا می‌کند و دورترها را راحت‌تر می‌بیند و به نقاط قوت و ضعف یک موضوع، کاملاً آگاه می‌شود و به همین وسیله «دوراندیش» می‌شود و به ادراک و هوشیاری بیشتری می‌رسد، به قول مولوی:

مشورت، ادراک و هوشیاری دهد      عقل‌ها عقل مرا یاری دهد<sup>۲</sup>  
کسی که مشورت می‌کند، چراغ فکر خود را روشن‌تر و پرفروغ‌تر می‌کند و به اطراف و جوانب یک موضوع، روشنائی می‌بخشد و همین روشنائی، زمینه‌ساز خیر و برکت در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود.

خانواده‌های موفق، خانواده‌هایی هستند که مشورت مثل یک جویبار زلال در میان آن‌ها جریان دارد و هر بار، تشنگی خود را با آن برطرف می‌کنند.

مدیران دولتی و خصوصی هم هرگاه به اصل مشورت با افراد صلاحیت‌دار و خیره، پای بند بوده‌اند، در کار خود موفق شده‌اند. چون پیشرفت یک کشور یا یک مجموعه به وجود آمدن اختراعات و اکتشافات، محصول همین مشورت و بهره‌گرفتن از تجربیات

۱. «قیل لرسول الله (ص): «مَا الْحَزْمُ قَالَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الرَّأْيِ وَاتِّبَاعُهُمْ» (المحاسن، ج ۲، ص ۴۳۵).

۲. مثنوی، دفتر اول.



دیگران است. اگر بنا بود هر فردی فقط به نظر خود عمل کند و به افکار و تجربیات دیگران بی‌اعتنا باشد، مطمئناً بشر، در همان مراحل ساده و ابتدایی زندگی می‌ماند و پیشرفتی نمی‌کرد.

پیامبران الهی، که عقل کل محسوب می‌شدند، موظف بودند که در کارها با مردم مشورت کنند و در سایه همین مشورت، مشکلات آنان را برطرف نمایند. قرآن، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وشاورهم فی الامر».<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها در مورد نحوه استقرار لشکر، مکان فرود آمدن سپاهیان و کارهایی از این قبیل با فرماندهان و افراد خبره، مشورت می‌کرد. و حتی اگر نظر خودش، مخالف نظر آنان بود، به نظر دیگران عمل می‌کرد؛ برای نمونه در جنگ احد راجع به نبرد در داخل مدینه یا خارج از آن، مشورت کرد و نظر اصحاب را پذیرفت. یا در جنگ خندق به منظور محافظت از شهر با مسلمانان مشورت کرد و سپس نظر «سلمان فارسی» را در مورد حفر گودال و خندق پذیرفت و به همان عمل کرد.

امام رضا علیه السلام می‌فرمود:

«با این‌که دانش و آگاهی پدرم با دیگران قابل مقایسه نبود، اما بسیار رخ می‌داد که حتی با خدمت‌کار خانه به مشورت می‌پرداخت و در پاسخ این سوال که: آیا با چنین فردی مشورت می‌کنید؟ می‌فرمود: چه بسا خداوند بر زبان او دری را بگشاید.»<sup>۲</sup>

حرف من در این قسمت، روی این موضوع تمرکز دارد که مشورت نکردن و خودمحوری، روزنه‌ای بسیار ویرانگر است که سرمایه‌های انسانی و اقتصادی زیادی را در خانواده و دولت و همه بخش‌های خصوصی و عمومی، می‌سوزاند و از بین می‌برد. باید با انجام دادن مشورت‌های صحیح با افراد صاحب تجربه و صلاحیت، جلوی این روزنه را گرفت و خانواده و فرزندان و جامعه را از خطرات فراوانی که در جلوی آنان است، حفظ کرد.

مهم‌ترین راه کار بیرون آمدن از خودمحوری و استبداد به رأی، دو چیز است: یکی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. «ان الله تبارک و تعالی رُبَمَا فَتَحَ لِسَانَهُ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۸).



این‌که عاقبت کار آدم‌های خودمحور و خودخواه را ببینیم. دیگر این‌که: در عاقبت کارِ انسا‌های اهل مشورت فکر کنیم. عاقبت کار این دو دسته از آدم‌های بدبخت و خوش‌بخت، ما را بیدار می‌سازد و عملاً متوجه می‌کند که خودمحوری، چه زیان‌های کُشنده‌ای دارد و مشورت کردن چه دست‌آوردهای شیرین و خوشگوار در پی خواهد داشت.



🌸 شاید نام «وارن بافت» را شنیده باشید. بزرگ‌ترین، معروف‌ترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذار تاریخ، او در حال حاضر همراه با «بیل گیتس» جزو سه نفر ثروتمند مشهور دنیا است. همه به او لقب نابغه و باهوش می‌دهند. فرض ما این است که وی یک استعداد فوق‌العاده داشته که از همان روز اول دست به هر چی می‌زده طلا می‌شده و بعد از دانشگاه آمده وارد بازار کار شده و خیلی سریع به موفقیت رسیده است. خیر این‌ها نیست بلکه خودش، علت موفقیت در زندگی را «مشورت» کردن با دیگران در کارها و تلاش و پشتکار می‌داند.

او پنج ساله بود که اولین کسب و کار خود یعنی فروش آدامس در یک دگّه جلوی خانه‌شان را شروع کرد. بعد، دگّه دیگری جلوی خانه یکی از دوستان برای فروش «لیموناد» زد، چون متوجه شد که آنجا رفت و آمد بیشتری صورت می‌گیرد. در شش سالگی بسته‌های شش تایی نوشابه را از مغازه به قیمت ۲۵ سنت می‌خرد و هر بطری را به قیمت پنج سنت در درب منازل می‌فروخت. در حالی که کودکان هم سن و سال او بر روی چمن لی لی و بولینگ بازی می‌کردند.

او اولین سهام خود را در یازده سالگی خریداری کرد. وی می‌گوید: من در انتخاب و انجام کارهایم با افراد خبره و باتجربه، مشورت می‌کردم و همین مشورت‌ها به من آگاهی و بینایی می‌داد.

در سیزده سالگی به اداره مالیات به دلیل گرفتن مالیات ۳۵ دلاری برای دو چرخه‌اش، اعتراض کرد و سرانجام موفق شد مالیات ۳۵ دلاری دو چرخه‌اش را حذف کند.

در چهارده سالگی روزنامه‌فروشی می‌کرد. بعدها تصمیم گرفت همزمان با فروش



روزنامه اشتراک مجلات نیز به آنها بفروشد. از دیگر فعالیت‌های تجاری او، جمع‌آوری توپ‌های گلف گم شده و فروش آنها بود. در هفده سالگی مالک نیمی از یک اتومبیل رولزرویس بود که خود از آن استفاده نمی‌کرد و ۳۵ دلار در روز آن را اجاره می‌داد. به گفته خودش او بیش از صد کتاب در زمینه سرمایه‌گذاری و تجارت خواند (تقریباً هر کتابی که آن زمان چاپ شده بود و پیدا می‌شد) و با صاحب نظران، مشورت می‌کرد. او بعدها به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ثروتمندان و نیکوکاران جهان ثبت شد.





## عجله و شتاب =

روزنه و آفت دیگر که امروز مورد بحث و گفت‌وگوی ما خواهد بود، عجله و شتاب است. در کارهای زندگی و عرصه خانواده و هم‌چنین در تجارت و تولید و کسب و کارهای خصوصی، عجله، آفت است و نمی‌گذارد در کارها موفق شویم. یک ضرب‌المثل قدیمی است که می‌گوید: «عجله، کار شیطان است»؛ یعنی شیطان دوست دارد انسان‌ها همه کارهای خود را بدون فرصت تعقل و تفکر انجام دهند تا در این عجله کردن‌ها نتوانند به نتایج صحیح، پیشرفت و عاقبت به خیری برسند و نهایتاً پشیمانی و ندامت را تجربه کنند تا او پیروز شود و اشرف مخلوقات سرافکنده گردد. وقتی انسان عجله می‌کند نمی‌تواند درست فکر کند و ابعاد یک اتفاق را ببیند. در داستان‌ها و حکایت‌ها آمده است:



در روزگاران قدیم، مرد و زنی زندگی می‌کردند که خداوند فرزندی به آن‌ها نداده بود و از این نعمت محروم بودند. تا این که روزی رحمت الهی شامل حال آن‌ها شد و دارای یک فرزند شدند. زمانی که همسر این مرد، دوران بارداری را سپری می‌کرد، شوهرش روزی نزد او آمده و گفت: «به دنیا آمدن پسرمان نزدیک است و من می‌خواهم نامی نیکو برای او انتخاب کنم و بعد از به دنیا آمدنش احکام دین و آداب و رسوم شریعت را به او بیاموزم تا وقتی بزرگ شد، نام او در جهان باقی بماند و فرزندان او مایه شادی دل و روشنایی چشم ما بشوند. زن با شنیدن سخنان همسرش به او گفت: «تو از کجا می‌دانی که فرزند ما پسر خواهد بود؟ ممکن است عمر من کفاف داشتن نعمت فرزند را ندهد و یا ممکن است فرزند ما پسر نباشد، چرا عجله می‌کنی؟! این سخنان زن، جلوی عجله مرد را گرفت و او تا روزه دنیا آمدن فرزند چیزی نگفت. بالاخره، فرزند به دنیا آمد و چند ماه اول زندگی خود را می‌گذراند که روزی زن برای خرید از خانه خارج شد و فرزند را به همسرش سپرد. در مدتی که زن خارج



از خانه بود، قاصد پادشاه برای دعوت از مرد به درخانه آن‌ها آمد. آمدن قاصد پادشاه و دعوت او چنان اتفاق خاصی برای مرد بود که با عجله تصمیم گرفت و سریع حاضر شد و فرزند خود را به همسایه‌ای که در خانه آن‌ها زندگی می‌کرد سپرد و رفت.

از آن جایی که مرد و همسرش سال‌ها بچه‌دار نمی‌شدند، همسایه در مراقبت از این کودک، بسیار جدی بود. باری، ساعتی از رفتن مرد نگذشته بود که ماری به قصد نیش زدن کودک به کنار گهواره او رفت. اما مرد همسایه، مار را کشت و کودک را نجات داد.

وقتی مرد از قصر پادشاه به خانه برگشت و همسایه را سر تا پا خون‌آلود دید به سوی او دوید و او در نگاه اول پنداشت که آن خون از جراحات فرزندش است و همسایه در امانت خیانت کرده و بلایی سر فرزندش آورده است در نتیجه بازهم عجله کرد و پیش از تحقیق، عجلولانه عصایش را محکم بر سر همسایه فرو آورد و او را دردم کشت.

بعد سریع به سمت اتاق فرزندش رفت... اما فرزندش را سالم و سلامت یافت و در نزدیکی فرزندش ماری قطعه قطعه شده دید و تازه حقیقت را متوجه شد اما دیگر خیلی دیر شده بود....

زائوهای مرد سست شد و به دیوار تکیه داد و گفت: ای کاش این کودک هرگز متولد نمی‌شد و من به او عشق نمی‌ورزیدم و خون بی‌گناهی را نمی‌ریختم... خدایا! چه مصیبتی از این بیشتر است که همسایه خود را بی‌دلیل هلاک کنی! در همین احوال همسر مرد از راه رسید و با فهمیدن ماجرا در غم و ناراحتی همسرش شریک شد و بعد از ساعتی رو به او کرد و گفت: این مثل را به یاد داشته باش که هر کس در کارها عجله کند از متانت، وقار و آرامش بی‌نصیب می‌ماند چرا که عجله کار شیطان است!



یک کاسب خیلی فعال به من می‌گفت: «دیدن دقیقه‌هایی که به سرعت می‌گذرند مرا مضطرب می‌کند. همیشه احساس می‌کنم وقت کافی ندارم. به جای راه رفتن، می‌دوم



و به جای جویدن غذا، آن را می‌بلعم.» و این احساس بیش از حد مرا آزار می‌دهد. وقتی روی اطرافیان و به خصوص بچه‌هایم فشار می‌آورم، به خوبی احساس می‌کنم که آن‌ها را به ستوه می‌آورم و نمی‌توانم کاملاً از وجودشان لذت ببرم، چون همیشه دغدغه کارهای باقی مانده و گذر زمان را دارم.

شرایط موجود، کار این «افراد شتابزده» را دشوارتر می‌سازد. آن‌ها مدام وسوسه می‌شوند و می‌خواهند بلافاصله به هر چه به آن‌ها عرضه شود دست پیدا کنند. امروزه یافتن همسر دلخواه در چند دقیقه و یا پیمودن عرض اقیانوس اطلس در کمتر از چند ساعت امکان‌پذیر است.

در جامعه ما، کند عمل کردن ویژگی خوبی به حساب نمی‌آید. «پاسکال نوو» روان‌شناس مشهور می‌گوید: «مادر دنیایی زندگی می‌کنیم که گویی «عجله» تحسین می‌شود و آن‌هایی که با آرامش و طمأنینه هستند افرادی تنبل به حساب می‌آیند!



## آسیب‌های جدی عجله

عجله کردن باعث بالا رفتن هیجان شده و در این صورت قدرت فکر کردن، کم می‌شود و با کاهش قدرت فکر در دراز مدت، احساس خوشایندی در زندگی خود نداریم. شتابزدگی در انجام کارها چه در زندگی شخصی و چه در زندگی شغلی آثار منفی و جبران‌ناپذیری دارد که در همین گفت‌وگوها شرح می‌دهیم.

عجول بودن باعث می‌شود که به دلیل عدم موفقیت، غمگین شویم و این حس منفی جایگزین شاد بودن شود، به علاوه، تمرکز را پایین می‌آورد. افراد عجول به دلیل عدم تمرکز نمی‌توانند مسائل زندگی‌شان را حل کنند. بی‌گدار به آب زدن، گرفتن تصمیمات نسنجیده و خام، ایجاد اضطراب و استرس از آثار مخرب عجله کردن است.

### راه کارهای مقابله با عجله کردن

ما اگر روزنه و آفتی را مطرح می‌کنیم، معمولاً راه حل‌هایی هم برای برطرف کردن آن ارائه می‌دهیم، در این جلسه بعضی از راه کارها را شرح می‌دهیم:

۱. آموزش مهارت مدیریت زمان: باید برنامه‌ریزی و مدیریت زمان را یاد بگیریم. داشتن برنامه‌ریزی روزانه به معنای داشتن یک نظام سفت و سخت برای انجام کارها نیست. بلکه از هم‌ریختگی روز شما جلوگیری می‌کند.

مهارت مدیریت و درمان استرس را بیاموزید. استرس جزء لاینفک زندگی است، ولی می‌توان آن را مدیریت و کنترل کرد. راه‌های بسیار زیادی برای کاهش استرس وجود دارد. از جمله خودآرام‌سازی و ریلکسیشن.

۲. پرهیز از پراکنده کاری: برای این که عجله را از خود دور کنیم نباید چندین کار را در یک زمان انجام دهیم. قرار ملاقات‌های پشت سر هم، جلسه‌های گوناگون، روح و روان ما را به شتاب و عجله وادار می‌کند.

۳. خواب و استراحت کافی: خواب و استراحت کافی می‌تواند سرعت بی‌جهت ما را کنترل کند و سنجیده‌تر عمل کنیم.





۴. **مهارت «نه گفتن»:** در این بخش از صحبت‌های خود در چند جا به مهارت «نه گفتن» اشاره کرده‌ایم، در این جا هم می‌گوییم «نه گفتن» مهارتی است که ما را از عجله نجات می‌دهد.

۵. **ورزش کردن:** ورزش آثار جسمی و روحی زیادی دارد. وقتی انسان بدن خود را با ورزش به تحرک وا می‌دارد، قوای مغزی و روحی او در جهت مثبت، شکل می‌گیرند.

۶. **استفاده‌سنجیده از تلفن همراه:** نباید همیشه به تلفن همراه جواب داد، چون این وسیله، به منظور انجام دادن کارها و رفاه بهتر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نه برای انجام کارهای اضافی. اجازه ندهید تلفن به یک دردسر و عاملی برای ایجاد وقفه در کارهای روزمره تبدیل شود.

۷. **دید مثبت:** مثبت فکر کردن، عامل کنترل روانی ماست و آرامش و خوش‌بختی را برای ما به ارمغان می‌آورد. همه روان‌شناسان و ادیان، تلاش می‌کنند که در انسان دید مثبتی به زندگی و کار، پیدا شود و با همین خوش‌بینی، آفت‌های روحی - از جمله عجله کردن - از ما دور شود.



## پراکنده‌کاری

یکی از آفت‌های بهره‌وری در عرصه‌های گوناگون، پراکنده‌کاری است. من در گفت‌وگوی امروز، تلاش می‌کنم که در مورد این روزنه و آسیب، مطالبی را در میان بگذارم.

این آسیبی است که هم در خانواده و هم در محیط کسب و کار و تولید و هم در تمامی عرصه‌های دیگر، دیده می‌شود و متأسفانه گاهی به صورت یک «عادت» ناپسند در می‌آید و خسارت‌های زیادی وارد می‌کند.

نقطه مقابل پراکنده‌کاری، «تمرکز» است، که بسیار پسندیده و قابل تحسین می‌باشد. تمرکز یعنی توانایی در نگه‌داشتن توجه، روی موضع خاص و جلوگیری از هجوم افکار و ایده‌های گوناگون.

ما با بعضی افراد برخورد داشته‌ایم که در زندگی و کار «تمرکز» نداشته و کارها را نیمه‌تمام، رها کرده‌اند. وقتی که این پراکنده‌کاری‌ها ریشه‌یابی می‌کنیم، عوامل زیر را در بروز این صفت ناپسند، مؤثر می‌دانیم:

۱. نداشتن برنامه
  ۲. ناآشنایی با وظایف خود
  ۳. خودکم‌بینی
  ۴. انجام فعالیت‌های متنوع همزمان
  ۵. کمال‌گرایی
  ۶. تنبلی و تن‌پروری
  ۷. دچار شک و تردید شدن
  ۸. اطلاعات ناقص از کارها
- درباره هر کدام از این عوامل باید به طور خیلی خلاصه، بحث کرد.

### ۱. نداشتن برنامه:

کسی که بدون برنامه وارد یک کار می‌شود و هدف خاصی ندارد، در نیمه راه، کارها



رارها می‌کند. همیشه کسانی موفق‌اند که برای کار و زندگی خود، یک برنامه دقیق یا اجمالی داشته باشند. مطالعه زندگانی افراد موفق، نشان می‌دهد که آنان از ابتدا برای خود، برنامه و هدف داشته‌اند.

## ۲. ناآشنایی با وظایف خود:

هر انسانی در زندگی فردی یا در جامعه، وظایفی دارد، آشنایی با این وظایف، به او «تمرکز» و «توجه» می‌دهد و نمی‌گذارد که امور را نیمه‌کاره، رها کند و دچار پراکنده‌کاری شود. او اگر وظایفش را بداند، خود را ناچار می‌بیند که در همان چارچوب حرکت کند و هر ماه و سالی به فکر تغییر شغل و کار و رشته نرود.

## ۳. خودکم‌بینی:

خودکم‌بینی، ناشی از نداشتن اعتماد به نفس است. انسانی که مشغول کار و رشته‌ای شده باید به توان‌ها و استعدادهای خود، متکی باشد و از موانع و مشکلات نهراسد. بالاخره، خداوند متعال در وجود هر کسی، استعدادهایی راقرار داده، هر چند که این استعدادها متفاوت و دارای درجاتی است ولی کم و بیش، این استعداد وجود دارد. فردی که به کار و رشته‌ای مشغول شده، باید استعدادهای خود را به خوبی بشناسد و در کار مناسب از آن‌ها استفاده کند.

هشدار ما این است که خودکم‌بین نباشیم، تا دچار پراکنده‌کاری نشویم. در جوانان، توان‌های زیادی وجود دارد که گاهی در اثر غفلت و گاهی هم به سبب «خودکم‌بینی»، بروز و ظهور پیدا نمی‌کنند و به راحتی هدر می‌رود.

## ۴. انجام فعالیت‌های متنوع همزمان:

شک نیست که انسان در زندگی، فعالیت‌های متنوعی دارد، اما این فعالیت‌های متنوع باید در جهت یک رشته و کار خاص باشد. قبول کردن انواع و اقسام کارها، باعث نیمه‌کار گذاشتن آن‌ها و به وجود آمدن پراکنده‌گی می‌شود. عامل مهم سردرگمی‌ها و بروز بیماری‌های جسمی و روحی، همین به دست گرفتن انواع کارهای متنوع می‌باشد. بعضی، دویاسه کار یا رشته دارند، اما آن کارها تقریباً در یک زمینه است، ولی برخی دیگر از آدم‌ها چند کار را که هیچ تناسبی با هم ندارند، انجام می‌دهند و آخرش جز خستگی و رها کردن آن‌ها نیست.



## ۵. کمال‌گرایی:

عامل دیگر پراکندگی در کارها کمال‌گرایی است؛ یعنی فرد، خیلی آرمانی و غیر واقعی، فکر می‌کند؛ در ذهن خود، طرح‌ها و برنامه‌هایی می‌ریزد که با واقعیت، جور در نمی‌آید. هر شب و روز، به درآمدِ کلان و شغل ورشته‌پر پول، فکر می‌کند. این جور آدم‌ها، گویی روی زمین نیستند و دائم در آسمان و در میان ابرهای خیالی، پرسه می‌زنند. شاید شما با انسان‌هایی با این طرز فکر، برخورد داشته‌اید و دیده‌اید که چگونه کار نکرده، توقع درآمد دارند و می‌خواهند یک شبه، راه یک ساله را طی کنند. این‌ها «کمال‌گرا» هستند؛ یعنی خیالی و سر در هوا. همین ویژگی، باعث می‌شود تا به سوی کاری حرکت کند، اما طولی نمی‌کشد که واقعیت‌ها خودشان را نشان می‌دهند و او را سرخورده می‌کنند و کارها را نیمه‌کاره به حال خود، رها می‌سازد.

## ۶. تنبلی و تن‌پروری:

عامل دیگر پراکنده‌کاری، تنبلی است. موفقیت در زندگی فردی و در شغل و تحصیل و تولید، به جدیت نیاز دارد. انسان‌ها تنبل و راحت‌طلب، توقع دارند که بدون زحمت، به اهداف خود دست یابند. به همین خاطر هر ماه و سالی، از رشته به رشته دیگر و از کاری به کار دیگر، می‌روند و بخت خود را در این جا و آن جا می‌جویند، اما به هدف نمی‌رسند و همه چیز را رها می‌کنند.

## ۷. شک و تردید:

یقین، نعمتی است که انسان را در کارها دلگرم و موفق می‌کند، اما شک و تردید مثل خوره‌ای است که از درون او را می‌خورد و به پراکندگی می‌کشاند. انسان‌های جدی، کسانی‌اند که وقتی برای کاری، برنامه می‌ریزند و عزم خود را جزم می‌کنند، دیگر دچار شک نمی‌شوند. قله‌های بلند موفقیت برای افرادی است که به کار و رشته و راه خود، ایمان دارند و هر لحظه چون پَر کاهی به این سو و آن سو نمی‌روند.

## ۸. اطلاعات ناقص از کارها:

دست زدن به هر کاری، نیازمند اطلاعات است، کسانی که اخبار و اطلاعات ناقص از رشته و کاری دارند یا از آن بی‌اطلاعند، به پراکنده‌کاری دچار می‌شوند؛ یعنی سرگشته و حیران از این سو به آن سو می‌روند تا خود را از شکست نجات دهند.



## == راه‌کارهای دور شدن از پراکنده کاری ==

وقتی متوجه شدیم پراکنده کاری، سم مهلکی است که زندگی ما را دچار شکست و بی‌رونقی می‌کند، باید به فکر راه حل بیفتیم تا بدانیم چه باید کرد که از این مهلکه نجات یابیم. امروز در این گفت‌وگو، راه‌کارهایی را برای دور شدن از این آسیب طرح می‌کنیم:

**۱. اولویت‌بندی کردن کارها:**

برای این که دچار پراکنده کاری نشویم باید کارها را اولویت‌بندی کنیم. زندگی کارهای مهم و غیر مهم، فوری و غیر فوری، اورژانسی و غیر اورژانسی دارد، باید آن‌ها را بشناسیم و اولویت‌ها را مشخص کنیم. کسانی که ارزش‌ها همه کارها را یک جور می‌بینند، موفق نمی‌شوند.

### **۲. در نظر گرفتن وقت اختصاصی:**

هر روز، مقداری از وقت خود را برای کارهای عقب مانده اختصاص دهیم؛ مثلاً یک ساعت از وقت خود را به انجام دادن کارهایی که به تعویق انداخته‌ایم اختصاص دهیم. همین یک ساعت، می‌تواند بعضی پراکنده کاری‌های ما را جبران کند و کارهای نیمه‌تمام را ظرف مدت مشخصی به پایان برساند.

### **۳. عهد بستن با خود:**

انسان‌های جدی، گاهی با خود عهد می‌بندند که تا فلان کار نیمه‌تمام را به پایان نبرم، کار تازه‌ای را شروع نمی‌کنم و بر این عهد و پیمان و خود، پای بند می‌مانند. گاهی نذر هم می‌کنند و قسم هم می‌خورند؛ یعنی اگر پیمان خود را شکستم برای تنبیه خود باید فلان کار را انجام دهم.

### **۴. در نظر گرفتن توان‌ها:**

یک راه دیگر برای غلبه بر پراکنده کاری، شناختن نقاط قوت و ضعف خود است. بر اساس همین ارزیابی به سراغ کاری می‌رویم که توان انجام دادن آن را داریم.

### **۵. تقسیم وقت:**

اگر وقت‌های خود را در شبانه‌روز، تقسیم کنیم، دیگر به صورت بی‌هدف و یا آرمانی

و خیالی، به دنبال کارهای متعدد نیمه‌کاره نمی‌رویم. تقسیم وقت، ما را منظم و از این شاخه به آن شاخه پریدن، خلاص می‌کند. آدم‌هایی که وقت شناس نیستند، به پراکنده‌کاری دچار می‌شوند و بی‌هدف از این سو به آن سو می‌روند.

#### ۶. جلوگیری از ترس:

ترس، معمولاً انسان‌ها را پراکنده‌کار می‌کند؛ یعنی آن‌ها را وادار می‌سازد تا بیشتر به مشکلاتی که ممکن است احتمالاً فردا و در آینده رخ دهد، فکر کنند و با همین افکار و احتمالات ضعیف، هر روز خود را به کار دیگری مشغول نمایند. اگر می‌خواهیم پراکنده‌کار نشویم باید خود را از این ترس‌ها نجات دهیم. چون به قول روان‌شناسان، ترس تا وقتی مشکل‌آفرین است که از آن فرار می‌کنیم، اما آن زمان که با آن مواجه می‌شویم، قدرت خود را از دست می‌دهد. نباید از احتمالات ضعیف فردا ترسید و خود را به این طرف و آن طرف زد.

#### ۷. مشغول نشدن به حواشی:

در زندگی هر کسی حاشیه وجود دارد، این حاشیه‌ها، همان طور که از اسم آن پیداست - حاشیه هستند، پس نباید جای «اصل» را بگیرند. پراکنده‌کاری از زمانی شروع می‌شود که ما جای «اصل» را با «حاشیه» عوض کنیم و به کارهای غیر ضروری بپردازیم.

هم در زندگی فردی و هم در مشاغل و در کارهای تولیدی و تجاری و امور تحصیلی، این حاشیه‌ها، بسیار خطرناک و نابودکننده‌اند و ما را به پراکنده‌کاری، وادار می‌سازند. انسان‌های هوشیار، دقیقاً این حاشیه‌ها را می‌شناسند و نمی‌گذارند که موریانه زندگی و شغل و کارشان شوند.

#### ۸. یاد گرفتن کلمه طلایی «نه»:

معمولاً آدم‌هایی که دچار پراکنده‌کاری می‌شوند، قدرت گفتن کلمه «نه» را ندارند، به هر کار و میهمانی و سمینار و همایش دعوت شوند «نه» نمی‌گویند. روشن است که وقتی این کارهای متعددی به انسان پیشنهاد می‌شود، امکان تقسیم وقت و انجام دادن همه آن‌ها نیست، لذا به پراکنده‌کاری دچار می‌شود و این اتفاق ناخوشایند هیچ معنایی جز «شکست» نمی‌دهد.



انسان‌هایی که در جامعه، شناخته شده‌اند و به نوعی، محل رجوع مردم هستند باید قدرت «نه» گفتن را داشته باشند تا به پراکنده‌کاری و بی‌نظمی و خستگی و سرخوردگی، دچار نشوند.



🌀 **آقای «استیو جابز»** در یکی از سخنرانی‌های خود گفت: افراد و شرکت‌هایی که به‌طور هم‌زمان، روی چندین محصول کاری کنند، موفقیت برجسته‌ای ندارند و نمی‌توانند برگ برنده شرکت، محسوب شوند، چون روی هیچ کدام از آن‌ها «تمرکز» وجود ندارد. او در نهایت می‌گوید: شرکتی تمرکز و موفقیت دارد که به هر کاری «بله» نگوید، بلکه باید بتواند به راحتی به هر آن‌چه که هم‌سو با مأموریت و چشم‌اندازش نیست «نه» بگوید و نتیجه این «نه گفتن‌ها» می‌شود **یک محصول عالی.**



تجربه خود ما هم در طول این سالیان نشان داده است که اگر «تمرکز» نباشد یک کسب و کار خوب می‌تواند ظرف مدت کوتاهی از بین برود، یا کیفیت خود را از دست بدهد و این، باعث تأسف است. کافی است که شما نگاهی به علل شکست «استارت‌آپ‌ها» یعنی کسب و کارهای نوپا بیندازید، در این صورت متوجه خواهید شد که یکی از علل مهم شکست آن‌ها نبود تمرکز است؛ یعنی پراکنده‌کاری.



## تنبلی و تن‌پروری

آفت هلاک‌کنندهٔ دیگر، در عرصهٔ خانواده، سازمان، دولت و همه سطوح دیگر مردم و جامعه، تنبلی و تن‌پروری است. واژه‌هایی مثل اهمال‌کاری، مسامحه، سهل‌انگاری، پشت‌گوش انداختن کارها، تقریباً نزدیک به مفهوم تنبلی است؛ یعنی ریشهٔ همهٔ این‌ها از تنبلی است.

منطق آدم‌های تنبل و اهمال‌کار در این ضرب‌المثل‌ها دیده می‌شود؛ مثل این‌که: «هر چه پیش آید خوش آید» یا «چو فردا شود فکر فردا کنیم». چنین آدم‌هایی به علت سستی برای فردا، برنامه‌ریزی نمی‌کنند، بلکه فقط امروز را می‌بینند، به اندازه‌ای که امروز دارند می‌خورند و پس‌اندازی ندارند.

در مردم و دولت‌ها چنین روحیهٔ اهمال‌کاری و تنبلی، به طور چشم‌گیری دیده می‌شود. در واقع «تنبلی اجتماعی» یکی از مهم‌ترین ویژگی رفتاری ما ایرانی‌هاست. این روحیه ناپسند را می‌توان در گرایش به استخدام اداری، به جای کار کردن در غیر اداره‌ها یا در تماشای تلویزیون به جای خواندن کتاب، وجود تعطیلی فراوان در تقویم سالانه، فرار کردن از یادگیری مهارت‌ها و فنون و موارد فراوان دیگر، مشاهده کرد.

در طول تاریخ، همهٔ انسان‌های عاقل و حکیم از تنبلی و تن‌پروری به زشتی یاد کرده‌اند و همیشه سفارش کرده‌اند که از این صفت، دوری کنید. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام که در رأس انسان‌های عاقل هستند، سخنان عمیقی در این باره دارند، که در ادامهٔ همین گفت‌وگوها آن‌ها را طرح می‌کنیم.

در روان‌شناسی بحث کرده‌اند که علت تنبلی آدم‌های بی‌خیال و تن‌پرور این است که مهم بودن چیزی را درک نمی‌کنند، یعنی معنای مهم بودن کار و پیشرفت و ترقی را نفهمیده‌اند. در این جا می‌خواهم حکایتی نقل کنم تا فضای جلسهٔ ما شیرین‌تر شود:



مردی پسر تنبلی داشت که از زیر کار در می‌رفت و همه چیز را به شوخی





می‌گرفت. روزی او را نزد حکیم آورد و گفت: ”از شما می‌خواهم به این پسر من چیزی بگوئید که دست از این تنبلی و بی‌تفاوتی‌اش بردارد و مثل بقیه بچه‌های این مدرسه به دنیای واقعیت و کار و تلاش برگردد.

حکیم با لبخند به پسر نگاه کرد و گفت: ”پسرم اگر تو همین باشی که پدرت می‌گوید زندگی سخت و دشواری مقابلت هست. آیا این را می‌دانی؟ پسر تنبل شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: مهم نیست؟ حکیم با تبسم گفت: آفرین به تو که چیزی برای گفتن داری. لطفاً همین جمله‌ای را که می‌گویی درشت روی این تخته بنویس و برای استراحت با پدرت چند روزی میهمان ما باش.

صبح روز بعد وقتی همه شاگردان برای خوردن صبحانه دور هم جمع شدند حکیم به آشپز گفت که برای پسر تنبل غذای بسیار کمی بریزد. طوری که فقط سر پایش ننگه دارد. پسر که از غذای کم خود به شدت شاکی شده بود نزد حکیم آمد و به اعتراض گفت: این آشپز مدرسه شما برای من غذای بسیار کمی ریخت! حکیم بی آن‌که حرفی بزند به نوشته‌ای که شب قبل پسر روی تخته نوشته بود اشاره کرد و گفت: ”این نوشته را با صدای بلند بخوان! حرفی است که خودت نوشته‌ای! روی تخته نوشته شده بود: مهم نیست!

این برای پسر تنبل بسیار گران تمام شد. ظهر که شد دوباره موقع ناهار غذای کمی تحویل پسر تنبل شد. این بار پسر با اعتراض همراه پدرش نزد حکیم آمد و گفت: ”من اگر همین طوری کم غذا بخورم که خواهم مرد. حکیم دوباره به تخته اشاره کرد و گفت: جواب تو همین است که خودت همیشه می‌گویی! روز سوم پسر تنبل زار و نحیف نزد حکیم آمد و گفت: لطفاً به من بگوئید اگر بخواهم غذای کافی به دست آورم چه کار کنم؟ حکیم به آشپزخانه رفت و گفت: هر چه را آشپز می‌گوید تا ظهر انجام بده! پسر تنبل تا ظهر در آشپزخانه کار کرد و ظهر به اندازه کافی غذا خورد. او خوشحال و خندان نزد حکیم آمد و گفت: چه خوب شد راهی برای نجات از گرسنگی پیدا کردم! و بعد خوشحال و خندان برای تأمین شام خود به آشپزخانه برگشت.

پدر پسر تنبل با تعجب به حکیم نگاه کرد و از او پرسید: راز فعال شدن فرزندم



چه بود؟ حکیم با خنده گفت: او حق داشت بگوید مهم نیست! چون چیزی که برای شما مهم بود و برای حفظ اهمیتش حاضر بودید تلاش کنید، او به خاطر تبلی‌اش و این‌که همیشه شما بار کار او را بردوش می‌گرفتید دلیلی برای مهم نبودنش پیدا می‌کرد. اما وقتی موضوع به گرسنگی خودش برگشت فهمید که اوضاع جدی است و این‌جا دیگر جای بازی نیست، معنای مهم بودن را فهمید و به خود تکانی داد. شما هم از این‌به‌بعد عواقب کار و نظر او را مستقیم به خودش برگردانید و بی‌جهت بار تبلی او را خودتان به تنهایی به‌دوش نکشید. خواهید دید که وقتی ببیند نتیجه اعمال ناپسندش مستقیم متوجه خودش می‌شود اعمال درست برای او مهم می‌شوند و دیگر همه چیز عالم برایش کم‌اهمیت نمی‌شوند.



همین‌جا باید بگویم که علت عقب‌افتادگی و فقر برخی کشورها، نبودن معادن غنی، نیست، بلکه به نبودن تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی و «مهم نبودن» پیشرفت و آسایش است. در طول تاریخ، کشورها و ملت‌هایی بوده‌اند که معادن زیرزمینی نداشته‌اند، اما به سبب سخت‌کوشی و دور شدن از تبلی، به پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای رسیده‌اند، در دوران کنونی ما، کشورهایی مثل ژاپن، مالزی و امثال این‌ها، نمونه‌های زنده و گویایی هستند که معادن آماده و غنی ندارند، اما با معدن‌تلاش و برنامه‌ریزی خود، به توسعه و پیشرفت رسیده‌اند.

چو خواهی رسیدن به عزّ و شرف  
تو را دُرّ مقصود آید به کف  
میاسای از کار و کوشش دمی  
که سعی است سرمایه آدمی



## نتایج ناگواری تنبلی

تنبلی، روی فرد و اجتماع، آثار تلخ و ناخوش آیندی دارد؛ بعضی از آن‌ها را در این جا شرح می‌دهیم:

### ۱. فقر و تنگدستی

یک فرد یا دولت، وقتی تنبلی و اهمال‌کاری، کند، نتیجه قطعی آن فقر برای خود و خانواده و ملت است. جُغَدِ شوم فقر و ناداری، هنگامی بر بام یک خانه یا کشور می‌نشیند که مسئول خانواده و دولت، مسامحه‌کاری و سهل‌انگاری کند و کارها را از امروز به فدا بيفکنند و واقعیت‌ها را نبینند. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«وقتی همه چیز با هم جفت شدند، تنبلی و در ماندگی نیز با هم جفت شدند و فقر، محصول و ثمره آن شد».<sup>۱</sup>

فقر و ناداری، پایه‌های اخلاق و دیانت را به شدت سست می‌کند و راه کفر و بی‌دینی را در یک جامعه می‌گشاید، رسول خدا فرمود: «مَنْ لَا مَعَا سَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ»؛<sup>۲</sup> کسی که معیشتِ درستی ندارد، اعتقاد به معاد هم ندارد. در یک سخن دیگر فرمود: «كَادَ الْفَقْرَ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»؛<sup>۳</sup> نزدیک است که فقر به کفر و بی‌دینی بینجامد.

### ۲. سربارِ دیگران شدن

نتیجه شوم دیگر تنبلی، سربارِ دیگران شدن است. وقتی کسی استعدادها و توان‌های خود را به کار نیندازد، مجبور است برای زنده ماندن و تأمین نیازهای ضروری زندگی به دیگران رجوع کند و از آن‌ها کمک بگیرد و به جای این‌که بار خویش را خودش حمل کند آن را به دوشِ دیگران می‌اندازد و زحمت و سختی ایجاد می‌کند.

هشدار حکیمانه امام صادق علیه السلام این است که فرمود:

«در فراهم آوردنِ معیشتِ خود، تنبل مباش که بار دوشِ دیگری خواهی شد».<sup>۴</sup>

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۲۲۰.

۲. همان.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.



وقتی اقتصادیک خانواده یا دولت در اثر تنبلی و اهمال‌کاری، رونق نداشته باشد، اعضای خانواده یا مردم جامعه، مجبورند که سربار دیگران شوند. حکایت سربار شدن کشورهای فقیر و عقب افتاده حکایت غم‌انگیز تنبلی است. سربار شدن، باعث خواری و سرافکنندگی می‌شود و کم‌کم جوهرهٔ انسانیت را به فراموشی می‌برد.

### ۳. نرسیدن به آرزوهای صحیح

هر انسانی، آرزوهایی دارد و به امید رسیدن به همین آرزوها تلاش می‌کند. دست یافتن به این آرزوها ممکن نیست مگر از راه تلاش و کوشش. تنبلی و اهمال‌کاری، اجازه نمی‌دهد که انسان به این خواسته‌های مشروع و طبیعی خود، دست پیدا کند. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«هر کس که سستی و تنبلی کند، به آرزویش نرسد.»<sup>۱</sup>

رسیدن به آرزوهای صحیح، موتور محرکهٔ زندگی است، اگر این موتور، با تنبلی، خاموش شود، نتیجه‌ای جز افسردگی و ناامیدی ندارد.

### ۴. مستجاب نشدن دعاها

خداوند هم به آدم‌ها تنبل، توجه‌ای نمی‌کند و اگر دعا کنند به استجابت نمی‌رساند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«گروه‌هایی از امت من دعای‌شان مستجاب نمی‌شود (یکی از این گروه‌ها) مردی است که در خانه می‌نشیند و می‌گوید: پرودگارا، روزی مرا برسان در طلب روزی، بیرون نمی‌رود. خدای بزرگ به او می‌گوید: ای بنده من، آیاراه را برای تو هموار نکردم و بدن سالم به تو ندادم تا دنبال کار بروی و روزی خود را به دست آوری.»<sup>۲</sup>

### ۵. دور شدن از کمالات معنوی

باید بدانیم که عرصهٔ معنویت هم، عرصهٔ تلاش و کوشش است؛ یعنی در امور معنوی هم کسی به جایی می‌رسد که از تنبلی دوری کند. سحرخیزی، راز و نیاز، عبادت و امور معنوی دیگر از کسانی ساخته است که تن‌پرور و کسل و تنبل نباشند. عارفان، همت بلندی داشته و دارند که تن و بدن خود را به راحتی و سستی عادت نداده‌اند و از

۱. آمدی، غرالحکم، ص ۴۶۳.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ص ۶۷.



لذت‌های نامشروع گذشته‌اند و سخت‌ترین گردنه‌ها را پیموده‌اند و بر نفسِ سرکش، پیروز شده‌اند. آنان با تلاشِ خود، حقِ خداوند را ادا کردند.

چون فقط کسانی که تن‌پرور نیستند می‌توانند حقِ خداوند را ادا کنند، مولای متقیان علی علیه السلام فرمود:

«از تبلی دوری کنید، زیرا هر کس تبلی کند، نمی‌تواند حقِ خداوند را انجام دهد».<sup>۱</sup>  
آدم‌های فعال و پرتلاش می‌توانند حقوق خود، مردم و خداوند را ادا کند و با همین فعالیت به پیشرفت‌های مادی و معنوی برسند، اما کسانی که تبلی کنند؛ بهره‌ای از مادیات و معنویات ندارند؛ یعنی هم دنیای آن‌ها خراب است و هم آخرت آن‌ها، امام کاظم علیه السلام فرمود:

«از تبلی و ملامت پرهیز؛ زیرا این دو صفتِ ناپسند، تو را در دنیا و آخرت، بی‌بهره می‌سازد».<sup>۲</sup>

### عوامل تبلی

خوب است کمی هم اشاره کنیم که چه عواملی باعث تبلی می‌شود؟ اگر این عوامل را بشناسیم می‌توانیم خود را از این آفتِ خانمان‌سوز جدا کنیم. مهم‌ترین این عوامل به طور فهرست‌وار این‌ها هستند:

- نداشتن اعتماد به نفس
- پایین بودن سطح تحمل
- به دنبال لذت جوییِ کوتاه مدت
- نگرش منفی به کار
- احساس مسئولیت نکردن
- لج‌بازی با دیگران
- مسلط نبودن به کار
- افسردگی (بیماری)

۱. آمدی، غررالحکم، ص ۴۲۷.

۲. حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۷.

-دوستی با افراد تنبل  
-نچشیدن لذتِ تلاش و کار  
-بی‌نظمی

### راه‌کارهای مبارزه با تنبلی

هر دردی، درمانی دارد، باید راه‌های درمان را شناخت و با همین شناخت و آگاهی، با آن مقابله کرد. تنبلی هم درد و آفتی است که برای مقابله با آن، راه‌هایی در نظر گرفته شده که در این جلسه درباره آن گفت‌وگو می‌کنیم و بعضی راه‌ها را در میان می‌گذاریم:

#### ۱. فکر کردن به عاقبت تنبلی

آدم‌های تنبل اگر کمی درباره عاقبت کسانی که در اثر تن‌پروری به بیچارگی و بدبختی افتادند، فکر کنند، از تنبلی دور خواهند شد. تابلوی زندگی این آدم‌های تنبل، همه‌روزه، جلوی چشم ماست اگر به آن نگاهی کنیم، می‌بینیم که چقدر تابلوی زشت و نفرت‌انگیزی است. پس به این عاقبت تلخ، کمی فکر کنیم و درس بگیریم. به لقمان گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان، گفتند: چگونه؟ گفت: هر کار آنان که در نظرم زشت آمد از آن اجتناب کردم.

#### ۲. اراده جدی

راه‌های اساسی برای درمان تنبلی، داشتن اراده جدی است. اراده انسان، معجزات فراوانی می‌کند که یکی از آن‌ها، درمان تن‌پروری است. تاریخ، پُر از سرگذشت آدم‌هایی است که با اراده خود، کارهای بزرگی انجام داده‌اند. مطالعه این اراده‌ها می‌تواند راهنمای خوبی برای مبارزه با تنبلی باشد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است:

«با عزم و اراده جدی با سستی، مبارزه کن»<sup>۱</sup>.

رفاقت و همنشینی با انسان‌های با اراده، هم یکی از راه‌کارهای مقابله با تنبلی است. چون دوست با اراده و موفق، الگوی خوبی برای انسان است. اصلاً دوست خوب در همه زمینه‌ها سازنده است و می‌تواند سرنوشت انسان را به طرف موفقیت و رستگاری، پیش ببرد.

۱. آمدی، غرالحکم، ص ۲۱۲.



### ۳. ریشه‌یابی عامل تنبلی در وجود خود

اگر آدم تنبل، کمی در وجود خود، جست‌وجو کند؛ بهتر می‌تواند به عامل تنبلی و تن‌پروری، پی ببرد. هر کسی در اوقاتی باید برای خودش این امکان را به وجود بیاورد که با فکر و اندیشه در وجود خود، کاوش کند و ریشه دردها را پیدا نماید. تنبلی، عوامل مختلفی دارد و هر کس با جست‌وجو در خود، ببیند که چه عامل یا عواملی، باعث تنبلی او شده است. مشاوره با افراد آگاه و روان‌شناسان می‌تواند افراد را در ریشه‌یابی عامل تنبلی، کمک کند.

### ۴. پرهیز از خیال‌پردازی

بعضی از آدم‌های تنبل و اهمال‌کار، خیال‌پرداز هستند و همین صفت، باعث سستی آن‌ها می‌شود؛ یعنی این‌ها پیش از این‌که در عمل دست به اقدام بزنند در عامل خیال‌سیر می‌کنند و خود را با خیالات دل‌خوش می‌سازند. اشکال مهم در خیال‌پردازی این است که انسان را از عمل باز می‌دارد و باغ خیالات را همیشه سبز نشان می‌دهد. در حالی که باد سرد خیال‌پردازی اگر به هر مزرعه و باغی برسد آن را خشک و بی‌روح می‌کند. پس یکی از راه‌های مبارزه با تنبلی این است که از خیال‌پردازی دست بکشیم و واقع‌گرا باشیم و بدانیم که «عمل» ما را نجات می‌دهد نه «خیال».



## == ارزش ندادن به وقت ==

آفت سرمایه‌سوز دیگر، ارزش ندادن به وقت است. من در این جلسه، سعی می‌کنم همه‌گفت‌وگوهای خود را به همین موضوع اختصاص دهم و از نتایج شومی که از ارزش ندادن به وقت، حاصل می‌شود، بحث کنیم.

انسان‌ها در زندگی خانوادگی و فردی، در تحصیلات و علم‌آموزی، در صنعت و هنر، در تولید و تجارت، در عبادت و بندگی خدا، فرصت‌های خوبی در اختیارشان نهاده شده که باید به خوبی از آن‌ها استفاده کنند. همچنین دولت‌ها برای خدمت به مردم و پیشبرد امور کشور، زمان‌های ارزنده‌ای برای‌شان فراهم می‌شود که باید به بهترین وجه و با برنامه‌ریزی از آن‌ها بهره‌برند و امور را به سامان برسانند. هم در زندگی خصوصی، هم در تولید و تجارت، هم در سیاست و ادارهٔ اجتماع، گوهر ارزنده‌ای به نام «وقت» وجود دارد که ارزشی بالاتر از «طلا» دارد. باید آن را قدر دانست.

به دلیل همین اهمیت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«در مورد حفظ عمر خود، بخیل‌تر از پول و ثروت خود باش.»<sup>۱</sup>

به طور کلی هر کس برای وقت ارزش قائل باشد و از آن با آگاهی و جدیت استفاده کند، رشد می‌کند و هر کس آن را عاطل و باطل نمود، خود را تیره‌بخت کرده و در چاه هلاکت انداخته است، از این رو، حضرت علی علیه السلام فرمود: «وقت‌های زندگی تو، جزء به جزء عمرِ توست، پس بکوش که هیچ وقت و زمانی از عمر تو جز در اموری که عامل نجات توست، صرف نشود»<sup>۲</sup>.

در زبان فارسی ما این ضرب‌المثل را داریم که «وقت طلاست». هرگاه پدر یا مادر یا معلم بخواهند فرزند و دانش‌آموز را متوجه ارزش وقت کنند، معمولاً چنین ضرب‌المثلی را به کار می‌برند. در زبان‌های دیگر نیز تعبیرهای متفاوتی همچون «وقت الماس است» یا «وقت زمرد است» وجود دارد، ولی چرا وقت را به طلا یا الماس یا زمرد تشبیه کرده‌اند؟

۱. «کُنْ عَلَى عُمَرَكَ أَشْحَّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶).

۲. آمدی، غررالحکم، ص ۳۰۷.





علت این است که این‌گونه جواهرات به جهت کمیاب بودن، ارزش بسیار بالایی دارند. وقت هم به جهت گذرا بودن، ارزش فراوانی دارد؛ با این تفاوت که انسان اگر این جواهرات را از دست بدهد، می‌تواند با تلاش کافی، ثروت از دست رفته خود را جبران کند، ولی اگر گنجینه وقت و فرصت به تاراج رفت، دیگر به هیچ روی نمی‌توان بار دیگر آن را به دست آورد. بنابراین، وقت از طلا و دیگر فلزهای گران‌بها بسیار باارزش‌تر و کمیاب‌تر است.

ممکن است ثروت از دست رفته را با تلاش و کوشش، دوباره به دست آورد و علم فراموش شده را با مطالعه به خاطر آورد، ولی «وقت» که از دست رفت، هرگز دوباره به دست نمی‌آید و برای همیشه از اختیار ما خارج می‌شود.

یعنی همه چیز، عوض و جبران دارد، اما عمر انسان این‌گونه نیست، به قول پروین اعتصامی:

آنچه ندارد عوض ای هوشیار      عمر عزیز است، غنیمت شمار<sup>۱</sup>  
 عطار نیشابوری هم گفته است:  
 قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند      بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم<sup>۲</sup>

### داستانی از اسکندر مقدونی

اسکندر مقدونی به روایت تاریخ، فرد بسیار جاه‌طلب و جهان‌گشایی بود. او در آخر عمرش، بیماری سختی گرفت. روزی که نشانه‌های مرگ او بیشتر شده بود آرزو داشت که فقط یک روز دیگر زنده بماند تا بتواند همسرش را ببیند. او نیازمند بیست و چهار ساعت زمان بود تا بتواند فاصله‌ای را که سفر، میان او و همسرش ایجاد کرده بود، از بین ببرد و به نزد او بازگردد و به ویژه این که به او قول داده بود، هنگامی که تمام دنیا را تصرف کرد، به پیش او بازگردد و همه جهان را به او هدیه کند. بنابراین، اسکندر از پزشکان خواست تا بیست و چهار ساعت مهلت برای او فراهم کنند و مرگش را به تأخیر بیندازند. پزشکان به وی پاسخ دادند که بیش از چند دقیقه به پایان عمرش باقی نمانده است و

۱. دیوان پروین اعتصامی.

۲. دیوان عطار نیشابوری.



آن‌ها نمی‌توانند کاری برایش انجام دهند. اسکندر گفت: «من حاضرم نیمی از تمام پادشاهی خود را یعنی نیمی از دنیا را در ازای فقط بیست و چهار ساعت بدهم. آن‌ها گفتند: «اگر همه دنیا را هم به ما بدهید، نمی‌توانیم کاری برایتان انجام دهیم. این کار غیرممکن است».

در آن لحظه، اسکندر به بیهوده بودن تمامی تلاش‌ها و سختی کشیدن‌هایش پی برد و فهمید با آن‌که کل دنیا را در دست داشت، قادر به خرید بیست و چهار ساعت وقت برای زندگی نیست.

سعدی هم سروده است:

نگه دار فرصت که عالم، دمی است      دمی پیش دانا به از عالمی است  
سکندر که بر عالمی حکم داشت      در آن دم که می‌رفت عالم گذاشت<sup>۱</sup>

پروین اعتصامی هم زیبا سروده است:

گوهر وقت، بدین خیرگی از دست مده      آخر این دُرِّ گرانمایه، بهایی دارد  
صرف باطل نکند عمر گرامی، پروین      آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد<sup>۲</sup>

سفارش بزرگان، همیشه همین بوده است که ارزش وقت را بدانیم. آنان این مهم را در جمله‌های بسیار حکیمانه‌ای بیان کرده‌اند، رسول خدا ﷺ فرمود:

«پنج چیز را قبل از فرارسیدن پنج چیز دیگر غنیمت بشمار:

زندگی را قبل از مرگ، سلامتی را قبل از بیماری، فراغت را قبل از اشتغال، جوانی را قبل از پیری و بی‌نیازی را قبل از تهی دستی»<sup>۳</sup>

امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، گذشتن وقت را به گذشتن ابر تشبیه کرده و با این مثال زیبا خواسته است که آدم‌ها قدرت وقت را بدانند، ایشان فرمود:

«فرصت، همچون ابر می‌گذرد، فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید و قبل از گذشتن از آن‌ها بهره بگیرید»<sup>۴</sup>

۱. سعدی، بوستان، باب نهم.

۲. دیوان پروین اعتصامی.

۳. «اَغْتَنِمُ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَ فَرَاعَتَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَ سَبَاتَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ» (کنز العمال، ح ۱۲۴۵).

۴. «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱)



## عوامل هدررفت وقت

عواملی باعث می‌شود که ما وقت و زمان را که ارزشی بالاتر از طلا دارد، از دست بدهیم. این عوامل چیست؟ در گفت‌وگوی امروز، این عوامل را توضیح می‌دهیم:

### ۱. بی‌برنامگی:

هنگامی که در کارهای زندگی برنامه‌ای برای خود نداشته باشیم، گویی وقت ارزشمند خود را در اختیار راهزنان قرار داده‌ایم تا به آن دستبرد بزنند. برای مثال، جوانی که بدون برنامه و هدف، ساعت‌های زیادی از وقت روزانه خود را به پرسه زدن در کوچه و خیابان می‌گذراند، سرمایه عمر خود را به راحتی از دست می‌دهد؟



🌸 می‌گویند روزی جوانی جوئی نام که در دربار انوشیروان خدمت می‌کرد و دائماً به مقام و مرتبه بزرگمهر رشک می‌برد، تصمیم گرفت تا توانایی‌های خود را به شاه نشان دهد و به او ثابت کند که توانایی‌هایش به مراتب بیشتر از بزرگمهر است. او بارها پیش خود اندیشیده بود که چه عاملی سبب شده است تا بزرگمهر که در آن زمان پیرمردی بود، از این همه احترام برخوردار باشد و به او که جوانی قوی و چالاک است، هیچ توجهی نمی‌شود؟

این افکار کم‌کم به شکل گفتار درآمد و به گوش شاه رسید. انوشیروان برای این که به این جوان حسود درس ارزنده‌ای بیاموزد، او و بزرگمهر را نزد خود فرا خواند و به آن‌ها گفت: امروز یک کشتی جدید به بندرگاه وارد شده است، از شما می‌خواهم که هر کدام جداگانه در این باره تحقیق کنید و نتیجه را به من گزارش دهید. جوان از فرصت به دست آمده شادمان شد و به سرعت خود را به بندرگاه رساند و پس از مدتی کوتاه شتابان خود را به دربار رسانید و به انوشیروان گفت: آن کشتی از هندوستان به ایران آمده است. شاه پرسید: محموله آن چیست؟ جوان گفت: همین حالا به بندرگاه برمی‌گردم و تحقیق می‌کنم. رفت و سپس به سرعت



به دربار بازگشت و گفت: محموله آن کشتی ادویه است. شاه پرسید: چه نوع ادویه‌ای و از هر نوع چه میزان در محموله وجود دارد؟ جوان که این پرسش برایش غیرمنتظره بود، بار دیگر به بندرگاه بازگشت و پس از پرس و جو، به شتاب، خود را به دربار رساند و درحالی که از نفس افتاده بود، خواست تا پاسخ شاه را بدهد که بزرگمهر وارد شد و پس از ادای احترام، گفت: این کشتی با این نام و نشان و در فلان تاریخ از بندر فلان در هندوستان به سوی آب‌های ایران حرکت کرده است و فهرست محموله آن از این قرار است و در این هنگام، فهرست کاملی از کالاهایی را که محموله آن کشتی را تشکیل می‌داد، به انوشیروان ارائه کرد. وی همچنین در مورد هدف بازرگانان هندی از سفر و برنامه‌های آنان در ایران گزارش کاملی را به گوش شاه رساند. شاه پس از آن، رو به جوان حسود و جاه طلب کرد و گفت: حالا فهمیدی که دلیل احترام ما به این وزیر باکفایت چیست؟» از این حکایت می‌توان نتیجه گرفت که ضعف برنامه‌ریزی و نبود برنامه از قبل، سبب دوباره کاری و بی نتیجه بودن فعالیت‌های انسان می‌شود.



## ۲. توجه نکردن به اولویت‌ها:

یکی از اصول مهم مدیریت زمان، در نظر گرفتن اولویت‌هاست که محور اصلی مدیریت زمان به شمار می‌رود. کسی که بدون اولویت‌بندی به امور مختلف پردازد، شاید به اجرای امور ساده و پیش پا افتاده موفق شود، ولی از انجام دادن کارهایی که ارزش و اهمیت بالاتری دارند، غافل بماند.

## ۳. تقسیم نکردن کارها:

این اصل به ویژه در مورد کارخانه‌ها، اداره‌ها و شرکت‌ها و در ارتباط با کار مدیران بیشتر معنا می‌دهد؛ ولی خواه ناخواه در زندگی شخصی هر یک از ما نیز به گونه‌ای خود را نشان می‌دهد.

تقسیم کار یعنی استفاده درست از زمان اگر در جایی می‌توان با تقسیم کار، زودتر به نتیجه رسید و کار را بهتر انجام داد، بای تو جهی به آن، در واقع زمان و فرصت را از چنگ داده‌ایم و ثمره مطلوبی هم نصیب ما نمی‌شود.



#### ۴. از این شاخه به آن شاخه پریدن:

هرگاه کاری را نیمه تمام رها کنیم و به کار دیگری روی آوریم، وقت و نیروی خود را هدر داده‌ایم؛ با این کار، تمرکز خود را از دست می‌دهیم و اگر بخواهیم دوباره به انجام دادن آن کار مبادرت ورزیم، مدتی از وقت و توان ما به هدر رفته است، چون برای شروع مؤثر هر کار جدید، مقداری وقت برای کسب آمادگی و به اصطلاح «گرم شدن» نیاز داریم.

نکته مهم در این باره این است که نباید اجازه دهیم بین کنار گذاشتن یک کار و به دست گرفتن دوباره آن، فاصله زیادی بیفتد؛ چون در این صورت، وقت زیادی تلف می‌شود و گاه اتفاق می‌افتد که دیگر توفیق ادامه کار تا حصول نتیجه مطلوب از دستمان خارج می‌شود.

تمرکز فکر به ما این توانایی را می‌دهد که بهتر و دقیق‌تر کارها را انجام دهیم. بعضی دانشمندان عقیده دارند که فرق بین یک نابغه و یک مرد عادی فقط در این است که نابغه، دقیق‌تر و موشکاف‌تر از فرد عادی است. نابغه می‌تواند برای مدتی طولانی درباره موضوعی با دقت ناگسستی فکر کند، ولی فرد عادی چون پراکنده کار است و ظرفیتش کم است، از عهده چنین عمل بر نمی‌آید.

#### ۵. افسوس خوردن بر گذشته:

چه بسیارند کسانی که در گذشته زندگی می‌کنند و تمام تلاش و توان خود را صرف سیر در خاطرات گذشته می‌کنند. آنان فرصت‌های حال را تباه می‌کنند و برگور آرزوهایی که در گذشته داشته‌اند، اشک حسرت می‌ریزند، بدون این که متوجه باشند که به قول معروف، آب ریخته را نمی‌توان جمع کرد. بنابراین، می‌توان گفت که بخش بزرگی از توان و زمان عمر این افراد هدر می‌رود، بدون این که هیچ سودی برای آن‌ها داشته باشد. با فرورفتن در گرداب گذشته، سرزندگی و نشاط زمان حال از دست می‌رود. گذشته می‌تواند در زندگی هر یک از ما تأثیر مناسب خود را داشته باشد، به شرطی که بتوانیم از آن عبرت بگیریم و بر میزان تجربه‌های خود بیفزاییم و گرنه پرسه زدن در زمانی که دیگر وجود ندارد، جز، وهم و خیال چیزی به همراه نخواهد داشت. بنابراین، می‌توان گفت یکی از راهزنان حقیقی زمان، سیر کردن بی نتیجه در زمان گذشته است.

## ۶. کسالت و بی‌حوصلگی:

یکی از بزرگ‌ترین موانع در مسیر پیشرفت بشر، سستی و بی‌حوصلگی است که در سوءمدیریت زمان بسیار مؤثر است و باعث می‌شود که اوقات انسان، هدر رود. چه وقت‌های طلایی و ارزشمند، در اثر همین کسالت و بی‌حوصلگی از دست رفت است.

## ۷. استفاده نادرست از اوقات فراغت

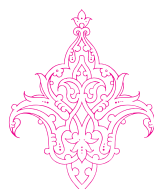
زمان مانند اسبی چابک در حرکت است و اوقات فراغت همچون ستاره‌هایی تابناک در آسمان عمر آدمی پدیدار می‌شوند و شهاب‌آسا از مقابل دیدگان ما می‌گذرند. دفتر عمر هر انسان، در حقیقت بزرگ‌ترین سرمایه و ره‌توشه زندگی اوست. بنابراین، لازم است با برنامه‌ریزی درست و دقیق، نقشی طلایی بر هر صفحه آن بنگارد و آن را در جریده زمان با افتخار به ثبت رساند.

## توصیه‌ای به جوانان

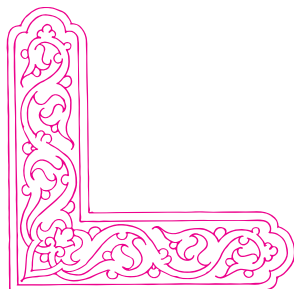
بسیاری از غنیمت‌ها و ثروت‌های بر باد رفته را می‌توان در سایه تلاش و کوشش دوباره به دست آورد، ولی وقت و فرصتی را که از دست رفت، هرگز نمی‌توان دوباره باز یافت. عموم جوانان فکر می‌کنند عمرشان طولانی و فرصت‌ها بسیارند به همین دلیل، قدر وقت را نمی‌دانند و زمانی به خود می‌آیند که یا پیری، چهره‌درهم شکسته و خسته خود را به آن‌ها نشان می‌دهد یا ناگاه عمرشان به سر آمده است.

فرصت‌های عمر در هر مرحله به ویژه در زمان جوانی بسیار محدود است و باید بی‌نهایت از آن استفاده کرد. جوانی، یک فرصت ناپایدار و محدود و گنجینه‌ای ارزشمند است پس تسلط بر این سرمایه گران‌بها، هوشیاری، تدبیر و مدیریت کارآمد را می‌طلبد. جام عمر را به دست ما داده‌اند تا آن را مطابق میل خود پر کنیم. اختیار در دست ماست، ما می‌توانیم جام عمر خود را از زهر هلاهل لبریز کنیم و همچنین، قادریم گواراترین شربت‌ها را در درونش بریزیم. اگر اوقات خود را به بطالت و شرارت و کسالت بگذرانیم، جام عمر ما را از زهر لبریز می‌شود، ولی اگر حیات خود را با کردار و پندار و گفتار نیک آرایش بدهیم، جام عمر ما از شربت گوارا پر می‌گردد.

بخش دوم



# آفت‌های بهره‌وری در عرصه مدیریت و تولیدی









## ضعف در تولید

یکی دیگر از آفت‌ها و روزنه‌هایی که از آن طریق، لطمه اساسی می‌خوریم، ضعف در تولید است. این ضعف را از جنبه‌های مختلف به شرح زیر می‌توان بررسی کرد:

### ۱. کم‌رنگ بودن نقش خانواده در تولید

به گواه تاریخ، خانواده‌ها در ایران همواره نقش مهمی در اقتصاد جامعه بر عهده داشته‌اند. بیشتر خانواده‌های ایرانی در فعالیتهای تولیدی شرکت و بسیاری از کالاهای مورد نیاز خود را با خرید مواد اولیه آن تولید می‌کردند، از تولید لوازم خانگی مانند: فرش، گلیم و جاجیم گرفته تا پوشاک و مواد غذایی مصرفی مانند: نان، ترشی، رب، مربا، لبنیات و... این مهم به جز کمک به اقتصاد خانواده و تولید کشور، تأثیر مطلوبی در روابط عاطفی خانواده داشت.

در دهه‌های اخیر به دلیل تبلیغ سیاست‌های مصرف‌گرا، رشد روابط سرمایه‌داری و تخصصی شدن افراطی امور، این عادت پسندیده در برخی خانواده‌ها کم‌رنگ شده است و کم‌کم رو به فراموشی می‌رود؛ چنان‌که برخی خانواده‌ها به تقلید از کشورهای صنعتی، نیازهای مصرفی را با کیفیت پایین و قیمت بالا از بازار تهیه می‌کنند. حتی روستاییان که مظهر خودکفایی به شمار می‌آمدند، امروز کمتر حاضرند آرد یارانه‌ای را که دولت در اختیارشان قرار می‌دهد، بگیرند و با آن نان مورد نیاز خود را تهیه کنند. البته هنوز کم نیستند خانواده‌های شهری و روستایی در کشور که بر عادت گذشته هستند و

بیشتر نیازهای خود را تولید می‌کنند، ولی بی‌شک، کم‌رنگ بودن نقش خانواده در تولید، در نهایت، به کاهش تولید و بهره‌وری در کشور خواهد انجامید.

## ۲. وجود ظرفیت‌های خالی در تولید

در حال حاضر نمی‌توانیم از امکانات و ظرفیت‌هایی که در بخش تولید داریم، درست و کامل بهره‌برداری کنیم. برای مثال، بخش کشاورزی، یکی از این بخش‌هاست که می‌تواند سهم مهمی در کارآفرینی برای نیروهای فعال و تحصیل کرده شهری و روستایی ایفا کند. افزون بر آن، نقش مهمی در استقلال کشور از نظر تأمین مواد غذایی و ایجاد امنیت غذایی داشته باشد.

متأسفانه آمارها نشان می‌دهد «حدود نیمی از پتانسیل موجود در بخش آب، خاک و منابع طبیعی تجدیدشونده که شرط اصلی توسعه اقتصادی است، مورد استفاده قرار گرفته و نیم دیگر بدون استفاده مانده است.

## ۳. فراوانی ضایعات

فراوانی ضایعات، از مشکلات اصلی بخش تولید در کشور است. امروزه جهانیان برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های حداقلی خود در تولید، از پیشرفته‌ترین تجهیزات و فن‌آوری‌ها بهره می‌گیرند تا سطح تولید را به حداکثر برسانند و بازارهای جهانی را بیشتر تصاحب کنند. با این حال، در کشور ما هر ساله ضایعات فراوان، آسیب زیادی به بخش تولید وارد می‌کند که این مسئله در تولیدات کشاورزی بیشتر دیده می‌شود.

میزان ضایعات در تولید محصولات کشاورزی (باغی، زراعی و دام‌ها) در کشورمان بین ۳۰ تا ۵۰ درصد تخمین زده می‌شود. بسیاری از مسئولان بر این باورند که رتبه نخست هدر رفتن ضایعات محصولات میوه و تره‌بار در دنیا به ایران اختصاص دارد. در حالی که اگر میزان ضایعات به کمتر از ۴ درصد برسد غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر از این محل تأمین می‌شود.

بی‌شک، این آمار، تلاش برای شناسایی و کنترل ضایعات را در مقایسه با تلاش برای افزایش تولید، با اهمیت‌تر جلوه می‌دهد. کارشناسان، علل فراوانی ضایعات در کشور



را محدود بودن ناوگان حمل و نقل، مجهز نبودن آن به ساختار سرمایشی، فرسودگی ماشین‌آلات کشاورزی و فسادپذیری بیشتر محصولات کشاورزی می‌دانند، ولی با حذف بسیاری از هزینه‌های اضافی، استقرار امکانات مناسب، به کارگیری تجهیزات و ماشین‌آلات مناسب در حوزه‌های تولید، کارآفرینی و تولید بیشتر می‌توان سطح قیمت‌های موجود را به‌ویژه در مواد غذایی و میوه و دیگر فرآورده‌های کشاورزی کاهش داد و موجب بهره‌وری بیشتر شد.

#### ۴. اهمال‌کاری در تولید

متأسفانه تعداد زیادی از کالاها با کیفیت نامناسب در جامعه تولید می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از هم‌وطنان به استفاده از آن‌ها رغبتی نشان نمی‌دهند. ناکافی بودن هزینه‌های پژوهشی، نبود آموزش و به کار نگرفتن نیروهای کاردان، شماری از علل کیفیت نامناسب برخی کالاهاست، ولی برخی دیگر، به دلیل کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اهمال‌کاری است. البته این روحیه با ارزش‌های دینی و انسانی مانند غیرت، وجدان و جوان‌مردی سازگاری ندارد. افراد هم نباید با توجیه‌های نامعقول و بهانه‌های واهی، از جمله کمی حقوق، تبعیض و تشویق نشدن، از مسئولیت‌هایی که پذیرفته‌اند، شانه خالی کنند. این کار موجب خسارت به دیگران و در نهایت کاهش بهره‌وری در جامعه می‌شود.

#### ۵. بی‌مبالاتی در تولید مواد اولیه ساختمان

بخش ساختمان متشکل از تأسیسات زیربنایی؛ یعنی بناهای مسکونی و غیر مسکونی نظیر شبکه‌های راه و ترابری اعم از راه‌آهن، بزرگراه‌ها، جاده‌ها، شبکه‌های آب، برق، گاز، تلفن، سدها، بندرها، پل‌ها و دیگر تأسیسات است. بخش ساختمان به عنوان سرمایه فیزیکی کشور، به همراه سرمایه‌های طبیعی و انسانی، در اقتصاد و توسعه ملی و رفاه و بالا بردن سطح کیفی زندگی مردم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، به گونه‌ای که تصور زندگی و فعالیت اقتصادی بدون وجود این تسهیلات بسیار دشوار می‌نماید. از این رو، سطح

عمومی زندگی، با کیفیت استحکام و کارآیی محصولات نهایی بخش ساختمان ارتباط مستقیم دارد.

با تمام ارزش و اهمیت بخش ساختمان، کیفیت بهره‌وری آن به دلایل مختلف، از جمله نبود وجدان کاری پیمان‌کاران یا تولیدکنندگان مصالح و نظارت ناکافی دستگاه‌های مسئول، مناسب نبوده و نیست. فروریختن ساختمان‌های نوساز، نشست جاده‌ها، تخریب پل‌ها و شماری دیگر از تأسیسات و بناها، قسمتی از حوادث مربوط به این بخش است. برخی افراد سودجو و تولیدکنندگان غیرمجاز نیز با سوءاستفاده از گرانی مصالح ساختمانی نظیر سیمان و آهن، مصالحی را تهیه و توزیع می‌کنند که استحکام لازم را ندارند. تیرآهن‌ها، پروفیل‌ها و میل‌گردهای بی‌کیفیت، نمونه‌ای از این کالاهاست. تعدادی از این کارگاه‌ها، میل‌گردهای سایز بالا و شمش‌های تهیه شده از ضایعات را با دستگاه‌های مخصوص آن‌قدر می‌کشند و ضربه می‌زنند که به اندازه دلخواه برسند و آن وقت با دستگاه پرس، نقش آج روی آن‌ها حک می‌کنند و به عنوان میل‌گرد آج‌دار استاندارد وارد بازار می‌کنند. همین‌طور تعدادی از کارگاه‌های غیرمجاز، ضایعات فلزی را در کوره‌های دست‌ساز ذوب و به انواع آهن‌آلات تبدیل می‌کنند. این نوع آهن‌آلات قدر ترد و شکننده است که گاه هنگام جابه‌جایی می‌شکند. این آهن‌آلات به طور گسترده و به دور از کنترل با ظاهری نو و استاندارد در بنگاه‌ها خرید و فروش می‌شوند و در نهایت به دست مصرف‌کننده‌ای می‌رسند که آگاهی لازم در مورد آن‌ها ندارد. اهمال‌کاری در بخش ساختمان، تنها به این مورد خلاصه نمی‌شود. از همه عادی‌تر، حوادث فراوانی است که در اثر اهمال‌کاری سازمان‌هایی نظیر آب، برق، گاز، مخابرات و شهرداری در کوچه‌ها و خیابان‌های شهرها و روستاها روی می‌دهد. جالب این‌که سالانه پنجاه درصد از اعتبارات عمرانی شهرداری‌ها، فقط صرف آسفالت و بهبود معابر می‌شود.<sup>۱</sup> نتیجه این اهمال‌کاری و نبود وجدان کاری، به هنگام بروز حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله به شکل فاجعه‌ای عظیم رخ می‌نماید و خسارت‌های مالی و جانی فراوانی بر کشور و مردم تحمیل می‌کند.

۱. همان.



#### ۴. بی‌توجهی در تولید نان

در بخش تولید مواد غذایی، نان از بخش‌هایی است که کیفیت مطلوبی ندارد. بخشی از مشکلات نان به آموزش ندیدن نانوایان و آرد نامطلوب مربوط است، ولی بیشتر مشکلات ناشی از نبود وجدان کاری است. بیشتر تولیدکنندگان نان به خود زحمت نمی‌دهند خمیر را به شیوه اصولی تهیه کنند. از این رو، نان پس از گذشت اندک زمانی از پخت، بیات می‌شود و قابل مصرف نیست. گاهی هم به دلیل بی‌دقتی در هنگام پخت می‌سوزد یا خمیر می‌شود. آنان ترجیح می‌دهند چنین نانی را در گونی‌هایی که برای ضایعات نان تهیه کرده‌اند، قرار دهند؛ زیرا یارانه‌ای بودن قیمت آرد موجب می‌شود حتی فروش نان به صورت ضایعات نیز برای آن‌ها باصرفه باشد. خریداران ضایعات نان نیز آن‌ها را در اختیار دامداری‌ها قرار می‌دهند. این نان‌ها گاه به دلیل کپک‌زدگی، موجب بیماری دام‌ها می‌شود و حتی در برخی موارد، این بیماری‌ها از راه فرآورده‌های دامی به انسان نیز منتقل می‌گردد. ضایعات نان در کشور، حدود دو بیست میلیارد تومان گزارش می‌شود.



## ضعف ارتباط میان صنعت و دانشگاه

من خودم چون سالیان سال است که در صنعت و تولید هستم و از طرف دیگر، با دانشگاهیان و متخصصان مختلف، همیشه سروکار داشته و دارم، نظرم این است که یکی از آفت‌های سرمایه‌سوز، رابطه‌ی ضعیف میان دانشگاه و صنعت است.

در دنیای امروز، رابطه‌ی مستقیمی بین توسعه صنعت و پیشرفت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشور برقرار است. به طوری که می‌توان گفت تکنولوژی عامل اساسی برای ایجاد ثروت دانایی و توانایی کشورها بوده و ابزاری قدرتمند در توسعه ملی به شمار می‌آید.

دانشگاه محل تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر است و اگر این نیروی انسانی متخصص بتواند دانش و مهارت خود را در عرصه تولید و صنعت به کار ببرد، موجب پیشرفت خواهد شد.

بنابراین ارتباط صنعت و دانشگاه در هر کشوری می‌تواند تأثیر مهمی در رشد اقتصادی آن جا داشته باشد. در این مورد وظیفه عمده دانشگاه‌ها دو چیز است:

۱. آموزش دانشجویان و آماده کردن آنان برای حضور در بازار کار؛
  ۲. برطرف کردن نیازهای تحقیقاتی بخش صنعت و به‌روز نگه داشتن آن.
- شکی نیست که بخش صنعت هم وظایفی دارد، که به دو نمونه از آن اشاره می‌کنم:
۱. تولیدکننده و صنعت‌گر، باید به نتایج تحقیقاتی که یک فرد یا یک جمع دانشگاهی به آن رسیده‌اند، اهمیت دهد و آن را در تولید محصول خود، به کار گیرد.
  ۲. فراهم کردن بازار کار برای جذب جوانان و افرادی که آموزش‌های لازم را در دانشگاه‌ها دیده‌اند.

امروزه متأسفانه فاصله زیادی بین توان‌های علمی کشور با نیازهای بخش صنعت وجود دارد که باید شکاف موجود با همکاری بیشتر صنایع و مراکز علمی و دانشگاهی پر شود. در حال حاضر، دانشگاه‌های ما به طور عمده بر انتقال دانش تأکید دارند؛ یعنی یک سری دانش‌هایی که بومی نیستند و با خصوصیات کشور ما خیلی، تطابق ندارند، در



اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. آیا چنین دانشجویی پس از فارغ‌التحصیلی می‌تواند مورد استفاده بخش‌های صنعت و خدمات جامعه قرار بگیرد و باعث پویایی و پیشرفت آنان گردد؟

هرگاه ما توانستیم در یک زمینه علمی کاری کنیم که آن علم به صورت کاربردی در خدمت جامعه قرار بگیرد و گرهی از مشکلی باز کند آن وقت می‌توانیم بگوییم دانش تولید کرده‌ایم. در کشورهای پیشرفته، ارتباط دائمی و سازنده، میان صنعت و دانشگاه، روال مثبتی را به وجود آورده که از طریق آن، این دو نهاد به توسعه و رشد همدیگر کمک می‌کنند، ولی در کشورهای توسعه‌نیافته این ارتباط وجود ندارد و دانشگاه به طور عمده به انتقال علم به دانشجویان می‌پردازد و صنعت هم کار خودش را انجام می‌دهد؛ یعنی هر کدام ساز خودشان را می‌زنند.

صنعت و دانشگاه علاوه بر این که از کل جامعه و سیستم جدا هستند بین خود نیز ارتباطی ندارند. در این کشورها دولت برای سرپا نگه داشتن صنایع مجبور به دادن یارانه است. دانشگاه‌ها نیز نمی‌توانند کارشناسان مورد نیاز صنعت را تربیت کنند. چنین کشورهایی اگر بخواهند به یک سازمان جهانی مثل سازمان تجارت جهانی بپیوندند بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. اگر دانشگاه از صنعت یا این که صنعت از دانشگاه جدا بیفتد، همین وضعیتی می‌شود که ما دچارش هستیم.

ما اگر توانستیم یک ارتباط غیراجباری و خودبه‌خود بین دانشگاه و صنعت برقرار کنیم، هر دو نهاد از ایجاد این رابطه سود می‌برند. ایجاد رابطه به صورت اجباری و دستوری یک کار صوری و ظاهری است و چندان هم مؤثر نیست؛ برای نمونه ایجاد «دفتر ارتباط دانشگاه با صنعت» در وزارت علوم، هرچند کار خوبی است، ولی تاکنون، خیلی موفق نبوده است. موفقیت ما هنگامی است که این رابطه، خودجوش باشد و هر یک از دو بخش صنعت و دانشگاه، داوطلبانه - نه به صورت دستوری - چنان با هم همکاری کنند که جدایی آن‌ها امکان‌پذیر نباشد.

متأسفانه ارتباط دو بخش علوم و فناوری با دانشگاه و صنعت در کشور ضعیف است و کمتر محصول تولیدی را در کشور می‌توانیم پیدا کنیم که از راه تحقیق و توسعه به دست آمده باشد. شاید سهم کم تولید درآمد ناخالص ملی و پایین بودن صادرات



غیرنفتی و منفی بودن تراز تجاری ما هم ناشی از همین مسائل باشد. شک نداریم که اکثر واحدهای تولیدی، امروزه به نقش تحقیقات در پیشرفت کاری خود اعتقاد دارند، اما به تنهایی نمی‌تواند تمامی منابع مالی و قابلیت‌های علمی مورد نیاز را خود تأمین کنند، لذا تشویق آن‌ها به سمت فعالیت‌های تحقیقاتی نیاز به حمایت و سیاست‌گذاری دقیق در سطح ملی دارد.

ما قصد نداریم که به دانشگاه ایراد بگیریم و فقط از این نهاد علمی انتظار داشته باشیم، بلکه بیشتر صنعت‌گران ما نیز همکاری قابل توجهی با دانشگاه ندارند. صنعت ما در انتظار افراد مدرک‌دار نیست بلکه نیازمند نیروهای کاربردی متخصص و تحول‌گرا است، متخصصانی که بتوانند ایده بدهند و آن را به یک محصول و رقابتی جدید تبدیل کنند.

مدیران ارشد کشور باید بدانند نزدیک کردن دو تفکر دانشگاه و صنعت نیاز به زمان دارد. برای این که فرصت‌سوزی نشود و برای این که دیگر فارغ‌التحصیلان دچار این مشکل نشوند باید برنامه منسجمی را به مرحله اجرا در آورند. مسئولان تا چه وقت می‌خواهند گناه بیکاری فارغ‌التحصیلان را به گردن دوری دانشگاه و صنعت بیندازند؟ متأسفانه بسیاری از برنامه‌هایی هم که تدوین شده فقط روی کاغذ و داخل کتابخانه‌ها و کتوهار در حال خاک خوردن است. علت اصلی که باعث افزایش فاصله میان دانشگاه و صنعت شده تفاوت ماهیت این دو نهاد است که یکی نهادی است علمی و دیگری نهادی است اقتصادی. این فاصله در بعضی جاها آنقدر زیاد است که گاهی اوقات، این دو بخش، زبان یکدیگر را نمی‌فهمند.

هر جامعه‌ای برای رسیدن به عمران و توسعه واقعی، همکاری میان سه نهاد مهم نیاز دارد: ۱. دولت؛ ۲. دانشگاه؛ ۳. صنعت. این سه نهاد، باید به طوری با هم هم‌آهنگ باشند که گویی یک سیستم واحد هستند.

یکی از مشکلات اصلی و ساختاری ما، جدا بودن کارهای این سه نهاد است. مداخله دولت در پیوند مراکز تحقیق، توسعه و دانشگاه باید به صورت تسهیل‌کننده و تثبیت‌کننده باشد؛ یعنی دولت مثل روغن، حالت روان‌کنندگی دارد و بعد از روان کردن مثل چسب این پیوند را تشویق و حفظ می‌کند. نهاد دانشگاه هم در حال تربیت نیروی





انسانی است که با صنعت و نیازهای آن غریبه است و نهاد صنعت هم بدون بهره‌گیری از دانش روز به در تولید نه چندان مطلوب خود می‌باشد. تنها راه خارج شدن از این جریان ایجاد یک پل محکم بین این سه جزیره است. اصولاً بافت حاکم بر صنعت چه دولتی و چه خصوصی مانع رشد تحقیقات در صنعت است. ما انکار نمی‌کنیم که تلاش‌هایی برای پیوند میان این سه نهاد صورت گرفته، ولی مطلوب نیست.

پژوهش‌های دانشگاهی نتوانسته‌اند در جهت رفع معضلات صنعتی کشور، خیلی مؤثر باشند، دلیل آن هم بی‌توجهی به نیازهای تحقیقاتی صنایع است. کمتر اتفاق می‌افتد که یک استاد راهنما در یک دانشکده جهت پیشنهاد موضوع تحقیقاتی یا پایان‌نامه به دانشجویان خود، ابتدا از صنعت‌گران جهت آگاهی از نیازهای تحقیقاتی آن‌ها استعلام کند. بنده که سال‌هاست در بخش تولید و صنعت هستم، تاکنون به چنین موردی برخورد نکرده‌ام؛ یعنی یک دانشگاه یا دانشجو با من در مورد پایان‌نامه‌ی خود مشورت کند. یعنی ببیند مشکلات ما در صنعت چیست و بر اساس آن، پایان‌نامه‌ی خود را بنویسد. در حال حاضر اگر از فارغ‌التحصیلانی که در رشته‌های مرتبط با صنعت تحصیل کرده‌اند پرسید که چند بار در طول دوران تحصیل خود به بازدید از کارخانجات صنعتی برده شده‌اند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت از تعداد انگشتان یک دست بیشتر نمی‌شود.

برای ارتباط بهتر دانشگاه با صنعت باید ابتدا نیازهای بخش صنعت و تولید شناسایی شده و سپس، این موضوعات به صورت طرح‌های آماده‌ای درآید که اگر دانشجویی به دنبال عنوان پایان‌نامه یا کار تحقیقاتی بود با توجه به نیازهای صنعت و موضوع مورد علاقه خود، شروع به تحقیقات کند. این موضوع چند حُسن دارد:

۱. برای برطرف کردن آن مشکل، راهکاری ارائه می‌شود.
۲. شخص محقق به عنوان متخصص در برطرف کردن آن مشکل خاص شناخته می‌شود و به نوعی آینده‌شغلی خود را تضمین می‌کند.

خوش‌بختانه بیشترین ارتباط صنایع با دانشگاه‌ها که شکل دائمی و منظم پیدا کرده است برنامه کارآموزی تابستانی دانشجویان در واحدهای صنعتی است. فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاهی که در رشته‌های مرتبط با صنعت و معدن درس خوانده‌اند می‌توانند مدت زمان معینی در واحدهای تولیدی مشغول به کار شوند. این، طرح خوبی است

و باعث می‌شود که نیروهای جوان، فرصت مناسبی را برای کسب تجربه و شناسایی محیط‌های صنعتی و بازار کار به دست آورند. اما مشکل آن، مقطعی بودنش می‌باشد. ایراد دیگرش این است خیلی از دانشجویان به واحدهای کارآموزی خود اهمیت چندانی نمی‌دهند؛ مثل طرح «کاد» در مدارس که قبلاً اجرا می‌شد.

### راه‌کار و پیشنهادها:

به نظر بنده، برای این که رابطه دانشگاه و صنعت، به وضع مطلوبی برسد باید این کارها را انجام داد:

۱. اجرای سیاست‌های تشویقی، مثل معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی برای صنایعی که با دانشگاه‌ها در رفع تنگناهای صنعتی، همکاری جدی دارند.
۲. تشویق جدی دانشگاهیانی که با تحقیقات کاربردی خود و انجام فرصت مطالعاتی در صنعت توانسته‌اند مشکلی از پیش پای صنعت‌گران بردارند.
۳. برنامه‌ها و روش‌های تدریس و سرفصل‌های آموزشی دانشگاه‌ها، متناسب با فناوری‌های روز، جدی‌تر و غنی‌تر شود.
۴. از تجربه‌های صنعت‌گران در دانشگاه به صورت تدریس یا کنفرانس استفاده شود؛ به مدرک علمی یک صنعت‌گر موفق، توجه نشود تجربه او مهم است.
۵. هر سال، یک یا دو بار، برای دانشگاهیانی که در بخش صنعت، کار می‌کنند، دوره‌های بازآموزی گذاشته شود.
۶. پایان‌نامه‌هایی که به دانشجویان، سفارش داده می‌شود باید متناسب با نیازهای روز صنعت باشد و مشکلی از مشکلات را حل کند؛ نه این که فقط دل خوش به نگارش پایان‌نامه باشند.
۷. رسانه‌های جمعی، مثل صداوسیما، روزنامه‌ها و مجلات و فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال، می‌توانند برای ارتباط میان صنعت و دانشگاه، فعالیت‌های مفیدی انجام دهند.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ارتباط دانشگاه و صنعت، صمد بنیسی، نشر دانشگاه هرمزگان، پاییز ۱۳۹۲ و کتاب ارتباط صنعت و دانشگاه، مسعود شفيعی، نشر دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۸۳.



## بی‌برنامگی

نقش برنامه‌ریزی در موفقیت، انکارناپذیر است. اگر از هر انسان موفق، دلایل موفقیتش را پرسید، حتماً یکی از کلیدهای موفقیت خود را برنامه‌ریزی می‌داند. اگر سنجیده به برنامه‌ریزی اقدام کنیم، به این معناست که دارای یک برنامه خوب هستیم، در غیر این صورت چندان نمی‌توان به آن برنامه‌ریزی اعتماد کرد.

### ویژگی‌های یک برنامه‌ریزی خوب

سیاری از صاحب‌نظران مدیریت و برنامه‌ریزی معتقدند که هر نوع برنامه‌ریزی باید سه ویژگی ذیل را داشته باشد:

اول، برنامه حتماً باید مکتوب شود. دوم، در برنامه باید عدد و رقم وجود داشته باشد و سوم این که زمان دار و دارای محدوده زمانی باشد. پس اگر این سه شاخصه در برنامه‌ریزی وجود داشته باشد، برنامه خوبی خواهید داشت. اگر شما امروز چنین برنامه‌ای با این ویژگی‌ها دارید، زندگی‌تان بر پایه برنامه‌ریزی بنا شده است، اما اگر چنین چیزی ندارید به صراحت می‌توان گفت که نه برنامه‌ریزی دارید و نه برنامه. وقتی هم که شما برای زندگی خودتان برنامه ندارید، چگونه می‌توانید برای دیگران برنامه‌ریزی کنید. با برنامه‌ریزی مسیر روشنی پیدا خواهیم کرد. اگر ما برنامه مکتوبی که دارای عدد، رقم و زمان است، راجع به اهداف، کار، ازدواج، تحصیل، پیشرفت‌ها، کارهای مان در این هفته و راجع به خیلی از مسائل دیگر داشته باشیم، افرادی هستیم که برنامه‌ریزی در زندگی مان جریان دارد. ولی اگر چنین چیزی نیست برنامه‌ریزی نداریم.

برنامه‌ریزی نداشتن در زندگی، همان قانون سکون است. قانون سکون به این معناست که جسم در حال حرکت یا ساکن، مایل به حرکت یا سکون است؛ مگر آن که اتفاقی آن را از حرکت یا سکون باز دارد. به بیان دیگر جسمی که در حال حرکت است تمایل دارد به حرکت خود ادامه دهد و جسمی که در حال سکون است نیز تمایل دارد در حالت سکون



باقی بماند. در زندگی چنین است. مادر زندگی در حال حرکتیم پس حرکت می‌کنیم؛ ولی با یک اتفاق ممکن است از حرکت بایستیم. این نوع زندگی، زندگی دو قدم به جلو، یک قدم به عقب نام دارد؛ که باعث می‌شود ما از مسیرهایمان منحرف بشویم و دائماً برگردیم و اصلاح کنیم. می‌گویند هر آنچه از اول خلقت بشر تاکنون، علم و دانش و فن تولید شده است، سه سال و نیم دیگر، این حجم علوم شناخته شده، دو برابر خواهد شد! به عبارت دیگر نرخ رشد علم انسان در سه سال و نیم آینده، دو برابر نرخ رشدی است که علم بشر تاکنون داشته است. پس عصر حاضر عصر سکون و ثبات نیست، بلکه عصر حرکت و پیشرفت و موفقیت است. اگر حرکت نکنید و برنامه نداشته باشید سهمی از موفقیت نخواهید داشت.

### محاسن برنامه‌ریزی

- برنامه‌ریزی، محاسن فراوانی دارد که اجماًلاً به آن اشاره می‌کنیم:
۱. افزایش احتمال رسیدن به اهداف: برنامه‌ریزی صرفاً احتمال رسیدن به اهداف را زیاد می‌کند و رسیدن به اهداف را تضمین نمی‌کند. برخلاف بسیاری از افراد که با فریب، تضمین قبولی در کنکور، تضمین لاغری و... را می‌دهند، برنامه‌ریزی و برنامه تضمینی ارائه نمی‌کنند. با برنامه‌ریزی می‌توانیم احتمال رسیدن به موفقیت و دستیابی به اهداف را بالا ببریم.
  ۲. صرفه‌جویی در هزینه‌ها و استفاده صحیح از منابع: با برنامه‌ریزی می‌توان از سردرگمی نجات پیدا کرد و منابع را به هدر نداد. افرادی که برنامه ندارند، مرتب کارهای بیهوده و بی‌نتیجه می‌کنند و منابع و نیروهای خود را در جهات مختلف و بدون انسجام هدر می‌دهند. برنامه‌ریزی باعث می‌شود، منابع ما در یک راستا و یک جهت، همسو شود.
  ۳. انطباق با شرایط متغیر محیطی: با برنامه‌ریزی می‌توان خود را با شرایط متغیر محیطی تطبیق داد. اگر قدرت پیش‌بینی بالایی داشته باشیم، می‌توانیم وقایع را قبل از وقوع شناسایی کنیم و به آن‌ها واکنش مناسب بدهیم.
  ۴. فراهم شدن ابزارهای کنترل: با برنامه‌ریزی دقیق می‌توان، فعالیت‌های خود را کنترل



کرد. تنها در صورت داشتن یک برنامه دقیق و صحیح است که می‌توانیم فعالیت‌های خود را طی زمان مورد ارزیابی قرار دهیم و با توجه به برنامه از پیش تعیین شده، آن‌ها را کنترل و اصلاح کنیم.

۵. امکان سنجش میزان پیشرفت: بر اساس برنامه می‌توان میزان پیشرفت خود را در طول دوره برنامه‌ریزی، سنجید. به این ترتیب که کارهای خود و موفقیت‌های خود را با آنچه از قبل در برنامه پیش‌بینی کرده بودیم، مقایسه کنیم و میزان پیشرفت یا عدم پیشرفت خود را شناسایی می‌کنیم.



❁ شخصی به سقراط گفت: راه موفقیت چیست؟ سقراط مرد را به کنار دریا برد، همراه با او وارد آب شد و تا جایی که آب به سرشانه مرد می‌رسید او را پیش برد. ایستاد و سر مرد را به زیر آب فرو برد. مرد دست و پا زنان، سر خود را از آب بیرون آورد و گفت: من از تو راه موفقیت را پرسیدم، این چه کاری است؟ سقراط مجدد سر او را به زیر آب برد. این کار را چند بار انجام داد تا جایی که مرد علت کار سقراط را پرسید و گفت: مگر روی آب چه چیزی وجود دارد که می‌خواهی آن را زیر آب به من نشان دهی؟ سقراط گفت: هوا. هر زمان موفقیت همانند هوا برای تان ضروری باشد، موفق خواهی شد. به همین راحتی!



### عصر حاضر، عصر طلایی برای موفقیت

بی‌تردید زمان حاضر، بهترین زمان و عصر طلایی بشر برای رسیدن به موفقیت است، زیرا محدودیت‌هایی که در گذشته برای بشر بوده از بین رفته است. اما ممکن است این سؤال را پرسید که محدودیت‌های دوران گذشته چه بوده است؟ یکی از این محدودیت‌ها، ارتباطات در حوزه‌های مختلف بود که امروزه روش‌های ارتباطی بسیار توسعه یافته و دیگر تقریباً محدودیتی برای ارتباطات نداریم. با وجود تلفن فکس، موبایل، ماهواره، اینترنت و... دیگر تقریباً هیچ محدودیت ارتباطی وجود ندارد. خصوصاً اینترنت و موبایل که انقلابی عظیم در عرصه ارتباطات ایجاد کرده‌اند.



دوم، نظام‌های اجتماعی است. می‌دانید که در سال‌های گذشته که برده‌داری وجود داشت، برده بدون اجازه صاحبش حق آب خوردن هم نداشت. بنابراین امکان رشد و پیشرفت هم برای آن شخص وجود نداشت. مثالی دیگر از سایر محدودیت‌های نظام‌های اجتماعی می‌زنم؛ مثلاً شما اگر در صد سال پیش در یک روستا زاده می‌شدید، تحت هیچ شرایطی نمی‌توانستید به علوم مختلف دست پیدا کنید. چون امکانش نبود. نهایتاً تنها برخی افراد بودند که می‌توانستند قرآن بخوانند، گلستان و بوستان سعدی را مطالعه کنند یا دیوان اشعار شاعران دیگر را یاد بگیرند که معمولاً میرزایی در روستا بود و به مردم این‌گونه کتاب‌ها را یاد می‌داد، اما دیگر هیچ امکانی برای یادگیری علوم مختلف نبود. مگر این‌که فرد از روستای خود، فرسنگ‌ها بایستی سفر می‌کرد و با کلی مشقت علوم مختلف را از علمای مختلف در شهرهای گوناگون کسب می‌کرد.

ولی امروزه دیگر این محدودیت‌ها وجود ندارد. عصر امروز، عصر طلایی است. افراد باهوش، زیرک و البته توانمند می‌توانند طلای موجود در این عصر را استخراج کنند. اگر تعداد میلیاردی جهان و آدم‌های موفق را در هر جایی بررسی بکنید از هر نژادی، از هر طایفه‌ای، از هر گروهی و با هر سنی، موفقیت هیچ‌یک از آن‌ها به دلیل داشتن پدر و مادر پول‌دار یا شانس و بخت، نبوده. اتفاقاً اکثر آن‌ها دارای خانواده‌های بسیار فقیری هم بودند. نه بزرگ‌مرد ایل، استیو جابز و نه بنیان‌گذار باهوش مایکروسافت، بیل گیتس، نه مایکل دل، مؤسس شرکت دل و نه مارک زاکریگ جوان، بنیان‌گذار فیس بوک، نه پروفیسور حسابی پدر فیزیک ایران، نه محمود خیامی بنیان‌گذار ایران خودرو و به قول بسیاری پدر صنعت خودرو سازی ایران و نه خیلی از افراد موفق دیگر در ایران و سایر کشورهای دنیا، هیچ‌یک در خانواده‌ای ثروتمند متولد نشده‌اند. این افراد خودشان خواسته‌اند و تلاش کرده‌اند تا به خواسته‌شان برسند.

اگر کسی بخواهد موفق شود، این زمان بهترین زمان ممکن هست. اما به شرطی که واقعاً بخواهد و از جان و دل مایه بگذارد. البته این گفته بنده به این معنا نیست که در عصر حاضر هیچ تهدیدی هم وجود ندارد. بزرگ‌ترین تهدید در عصر حاضر بعد از تنبلی و تن‌پروری و بی‌برنامگی، وجود رقیب است. مطمئناً عصر حاضر عصری است که رقبا در هر زمینه‌ای بسیار زیادند. در صنعت و کسب و کار، در تحصیل، در استخدام و... رقبا



زیاد شده‌اند. اما هنر ما این است که بتوانیم این تهدید را به فرصت تبدیل کنیم. بسیاری از دانشمندان بازاریابی و مدیریت معتقدند که اتفاقاً رقیب، پدیده بدی نیست. به شرط این که رقیب خوبی هم باشد. به عبارت دیگر رقیب خوب، خوب است و رقیب بد هم بد. از رقبای خود می‌توان درس گرفت و موجب پیشرفت خود شد و از رقبای بد اجتناب کرد. پس رقیب‌شناسی و بهره‌گیری از پدیده رقابت خود هنری است که خیلی‌ها ندارند و تنها انسان‌های باهوش، حرفه‌ای و دانا چنین هنری را دارند. اعتقاد به شناسن را باید بر اساس برنامه‌ریزی از بین برد.



🌀 از ناپلئون پرسیدند: آیا به شناسن اعتقاد دارید؟ گفت: «آری به بدشناسی اعتقاد دارم و همیشه فکر می‌کنم که بدشناسن ترین انسان روی کره زمین هستم و بر اساس همین بدشناسی‌ها اهداف زندگی خود را برنامه‌ریزی می‌کنم».

گاندی هم گفته است: درد من تنهایی نیست، بلکه مرگ ملتی است که موفقیت را در شناسن، گدایی را قناعت، بی‌عرضگی را صبر و با تبسمی بر لب، این حماقت را حکمت خداوند می‌نامند.



## رموز موفقیت

به نظر شما رمز پیروزی آدم‌های موفق چیست؟ نظم، برنامه‌ریزی، سخت‌کوشی، هوش، جسارت، خلاقیت، هدف داشتن، ناامید نشدن یا... شاید بتوان گفت در نگاه اول همه این‌ها از جمله رموز موفقیت است. اما به نظر من این‌ها رموز موفقیت نیستند بلکه عوامل دستیابی به موفقیت هستند. درب موفقیت، یک کلید ندارد، بلکه دسته کلید وجود دارد. هنر فرد موفق این است که می‌داند کدام کلید، مناسب کدام قفل است. انسان موفق اول کلیدهای مختلف را درک می‌کند و اشراف کافی بر آن‌ها پیدا می‌کند، سپس برای هر موقعیت یا به قولی برای هر قفل از کلید مناسب آن استفاده می‌کند.

برای موفق بودن یک عامل دیگر هم وجود دارد و آن توکل به خداست. با توکل به خدا، عزم راسخ و تلاش و پشتکار فراوان، به همراه الگو برداری آگاهانه (نه کورکورانه) و با هوش و درایت می‌توان موفقیت را در چنگال خود اسیر کنید.

عامل مهم دیگر، عشق به کاری است که انتخاب کرده‌ایم، با عشق و علاقه، همه چیز به دست می‌آید. مطالب فراوانی از تأثیر عشق در پیشبرد کارها گفته‌اند و تیشه «فرهاد» برای رسیدن به «شیرین» و کندن کوه بزرگ را مثال زده‌اند برای همین است: «بیستون را «عشق» کند و شهرتش فرهاد برد». اگر عشق و علاقه باشد، کارها سریع‌تر جلو می‌رود و موفقیت‌های دیگر به دنبال آن می‌آید. به این داستان توجه کنید:



❁ روزی زنی از خانه بیرون آمد. سه پیرمرد را جلوی خانه‌اش دید به آن‌ها گفت: من شما را نمی‌شناسم، ولی فکر می‌کنم که گرسنه باشید، بفرمایید داخل. آن‌ها پرسیدند: آیا شوهرت خانه است؟ زن جواب داد: خیر. یکی از پیرمردان گفت: پس ما منتظر می‌مانیم تا ایشان برگردد. عصر وقتی همسر زن به خانه برگشت، زن ماجرا را برای او تعریف کرد، شوهرش گفت: برو، آن‌ها را به داخل دعوت کن. زن بیرون رفت و آن‌ها را دعوت کرد، گفتند: ما با هم داخل نمی‌شویم، زن با تعجب پرسید: چرا؟ یکی از پیرمردها به دیگری اشاره کرد و گفت: نام او موفقیت است، نام آن یکی ثروت و نام من هم «عشق» است، حالا انتخاب کنید که کدام یک از ما وارد خانه شویم؟ زن، نزد شوهر رفت و ماجرا را برای او تعریف کرد. شوهر گفت: چه خوب، ثروت را دعوت کنیم تا خانه‌مان پر از ثروت شود، ولی زن گفت: چرا «موفقیت» را دعوت نکنیم. فرزندشان پیشنهاد داد: «عشق» را به خانه دعوت کنیم، موافقت کردند.

زن بیرون رفت و گفت: کدام یک از شما «عشق» است؟ او مهمان ماست. وقتی عشق از جای خود بلند شد، ثروت و موفقیت هم بلند شدند و دنبال او به راه افتادند، زن با تعجب پرسید: شما چرا دیگر می‌آیید؟ پیرمردها با هم گفتند: اگر شما ثروت یا موفقیت را دعوت می‌کردید بقیه نمی‌آمدند، ولی هر جا عشق هست، ثروت و موفقیت هم هست.



## هدف‌گذاری در برنامه‌ریزی

در برنامه‌ریزی باید مشخص کنیم که هدف ما از برنامه‌ریزی چیست؟ هر کسی





برای خودش هدفی در زندگی دارد که این هدف می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرد. هدف شما از برنامه‌ریزی چیست؟ رسیدن به موفقیت، زود رسیدن به موفقیت، ایمن رسیدن به موفقیت یا هدف‌های دیگر در هر صورت هر کسی که برنامه‌ریزی می‌کند در انتها می‌خواهد به موفقیت برسد. پس می‌توان گفت همه به دنبال موفقیت هستند. البته خود موفقیت نیز در بین آدم‌های مختلف، تعاریف گوناگونی دارد. برخی ازدواج کردن را موفقیت می‌دانند، برخی خریدن خانه یا یک خودرو را موفقیت می‌دانند، عده‌ای با راه‌اندازی شرکت و کسب و کار خود، موفقیت را در دستان خود می‌بینند، بعضی اصلاً به دنبال مادیات نیستند و این‌که یک زندگی نسبتاً راحت و آرام داشته باشند خود را موفق می‌دانند و گروهی نیز هیچ‌گاه از به دست آوردن موفقیت سیر نمی‌شوند! و تشنه کسب موفقیت‌های جدید هستند. به هر حال هر هدف، آرزو و خواسته‌ای که داشته باشیم، برای برنامه‌ریزی خود باید هدف‌گذاری کنیم.<sup>۱</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر به منابع زیر رجوع کنید:

- مدیریت زمان، برایان تریسی، ترجمه بنفشه عطرسایی، انتشارات زرین کلک آفتاب، تهران ۱۳۹۲.
- قدرت عادت، چالرز داهیگ، ترجمه علیرضا غلامی، نشر آتیسا، تهران ۱۳۸۹.
- قورباغه‌ات را قورت بده، برایان تریسی، ترجمه فریبا سبزچمنی، نشر شادان پژوها، تهران ۱۳۸۹.



## ❦= بی‌توجهی به اتاق فکر =❦

دولت و بخش خصوصی، کمتر به «اتاق فکر» اهمیت می‌دهند، لذا یکی از آفت‌ها و روزنه‌های سرمایه‌سوز، همین است.

به طور کلی نقش اولیه اتاق‌های فکر، یافتن ایده‌ها و راه‌حل‌هایی برای رشد یک مجموعه و سازمان است. واژه اتاق فکر (Think tank) برای اولین بار به طور رسمی در ایالات متحده و در خلال جنگ جهانی دوم مطرح شد، اما این اصطلاح برای اشاره به فضاهای خاص و ایمن که طراحان نظامی برای تبادل نظر در آن اجتماع می‌کردند، استفاده می‌شد. با گذشت زمان کاربرد این اصطلاح نیز گسترده‌تر شد و حوزه معنایی وسیع‌تری را در بر گرفت.

اکنون اتاق فکر به جمعی گفته می‌شود که به ارائه پیشنهادهای سازنده و خلاقانه می‌پردازد و بانوآوری، فضای کار و اداره و سازمان را به سمت افق‌های بهتری می‌برد، به عبارت دیگر، اتاق فکر، جایی برای یافتن راه‌حل‌های بهتر و پیدا کردن مسیرهای تازه به منظور حرکت مطمئن و رو به جلوست. اتاق فکر، راه عبور از مشکلات را به مدیران نشان می‌دهد و موانع را از پیش پای مؤسسه و سازمان و کارخانه و محیط کار، بر می‌دارد.

### ضرورت وجود اتاق فکر

مدیران معمولاً کارهای متعددی دارند، لذا فرصت زیادی برای فکر کردن در اختیارشان نیست، از این رو یکی از آسیب‌های جدی در حوزه مدیریتی، گرفتار شدن تصمیم‌گیرندگان در گیر و دار مسائل اجرایی روزمره است. تا وقتی مدیران سرگرم طی کردن روال‌های از پیش تعیین شده، شرکت در جلسات، پاسخ‌گویی به مراسلات و مانند این‌ها هستند، فرصت چندانی برای تفکر و اندیشه نخواهند یافت و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر هم فرصت این کار را بیابند در تصمیم‌گیری، تکیه بر تفکر تک نفره دستیابی به موفقیت را تضمین نمی‌کند، بنابراین لازمه عبور از این چالش، ساختاری است که بتوان از طریق آن فکر را غنی و بارور ساخت.



پس می‌توان گفت که اتاق فکر، مرکزی مطالعاتی پژوهشی است که در آن مطالعات و تحقیقات کاربردی انجام می‌شود و برای حل مسائل، خلق ایده‌های جدید و تدوین ایده‌های کلی شکل گرفته و پیشنهادهای خام به سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و قابل اجرا تبدیل می‌شود.

نقش ارزشمند اتاق‌های فکر در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تأثیر مثبت آن در توسعه و ارتقای سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات به قشرهای متفاوت جامعه، باعث شده است که این اتاق‌های فکر، امروزه جایگاه مهمی در ساختار سازمان‌ها پیدا کند. دلیل واضح‌اش هم این است که هر نظر و ایده‌ای هر چند کوچک، می‌تواند سرمنشأ خیر برای ایجاد اندیشه‌ای بزرگ و برداشتن موانع و رشد بیشتر شود.

### ویژگی‌های اتاق‌های فکر

اتاق‌های فکر دارای چهار ویژگی عمده به شرح زیرند:

الف. گروهی فکر کردن؛

ب. تولید فرآورده‌های فکر و انتقال به مخاطب؛

ج. توجه به مسائل روز؛

د. درگیر نشدن در مسائل اجرایی و تشریفات رسمی سیاست‌گذاری.

این چهار ویژگی، یک اتاق فکر خلاق می‌سازد و مدیران را در جهت پیشبرد سازمان و اداره خود، موفق می‌سازد. گاهی در سازمان‌هایی اتاق‌های فکر به صورت شکلی و صوری برگزار می‌شود و افراد شرکت‌کننده، صلاحیت عضویت را ندارند، لذا کارهای سازمان نه تنها جلو نمی‌رود بلکه به عقب می‌افتد. متأسفانه آفت بزرگ سازمان‌ها و ادارات ما، ظاهرسازی‌هاست. برای این‌که از این آفت دور شویم، شرکت‌کنندگان در اتاق فکر باید این ویژگی‌ها را داشته باشند:

- افرادی با روحیه پژوهشگری و تحقیق بالا.
- گروهی از نخبگان و مشاوران متخصص با سابقه و باهوش.
- دارای روحیه خلاق و نوآور و علاقمند به کار گروهی.

- بهره‌گیری از تفکر جمعی در تصمیم‌گیری امور عمومی.
- دارای تعهد و به‌ویژه متعهد به تصمیم‌های حاصله.
- بازبینی مستمر و منظم جلسات و مباحث برای مصون ماندن از آسیب‌های احتمالی.
- داشتن روحیه صبر و شکیبایی به دلیل طولانی بودن فرایند حصول نتیجه از اتاق فکر و دارای احساس مسئولیت نسبت به گروه خود و نتیجه آن تا لحظه حل مشکل مطرح شده.

### اتاق فکر و توفان مغزی

روش کار در اتاق‌های فکر بر اساس «توفان فکری» است. توفان فکری یکی از روش‌های مؤثر برای تفکر خلاق و حل مسائل است. توفان فکری به افراد جلسه، انگیزه و جرئت می‌دهد تا ایده‌ها و نظریات خود را به راحتی در میان بگذارند. توفان فکری با فراهم کردن محیطی آزاد، همه افراد را به مشارکت، تشویق می‌کند. در جلسه‌های توفان فکری، تمام نظرات برای همه افراد ارزشمند هستند و افراد شرکت‌کننده، احساس می‌کنند که در پیدا کردن راه حل، مؤثرند.

خوب است در این جا نمونه‌ای از شیوه فعالیت خودم را در خصوص توفان ذهنی ارائه دهم. در کارخانه ما ماهیانه جلسه‌ای تشکیل می‌شود، که نمونه آن در کمتر جایی وجود دارد. در این جلسه، کارکنان کارخانه، هر طرح و پیشنهادی دارند می‌دهند و ما به آن‌ها جایزه می‌دهیم، بعضی وقت‌ها در همین جلسات، طرح‌هایی ارائه شده که در سال‌ده‌ها و گاهی صدها میلیون تومان به نفع کارخانه تمام شده است.

در جلسه اول «توفان ذهنی»، کارگران و کارکنان خجالت می‌کشیدند حرف بزنند، برای رفع این مشکل برای کسانی که بهتر حرف می‌زدند، جایزه تعیین کردم. با این روش، آن‌ها راه انداختیم و جسارت صحبت کردن پیدا کردند. بدون تردید جسارت در امر نظر دادن یا پرسیدن، خیلی مهم است؛ خصوصاً در امر آموزش و در عرصه دانشگاه اهمیت دارد. متأسفانه بچه‌های ما در دانشگاه می‌ترسند حرف بزنند، فکر می‌کنند اگر خوب حرف نزنند مسخره‌شان می‌کنند، ولی نباید کسی از اظهار نظر خجالت بکشد.



مدیران هم باید برای حرف زدن دیگران ارزش قائل باشند تا هر کس جرئت پیدا کند در جامعه حرف بزند.

من در مقاله‌ای خواندم که در شرکت تویوتا در ژاپن ماهیانه نزدیک به هشتصد پیشنهاد از طرف پرسنل این کارخانه به صورت رایگان و بدون هیچ چشم‌داشتی برای مدیر می‌آید و این سیستم خیلی از مشکلاتشان را حل می‌کند، من دیدم در فرهنگ ما هیچ پیشنهادی رایگان نمی‌آید، زیرا این‌جا اگر کسی پایش روی مار هم باشد تا عامل تشویق و مادیات نباشد پایش را برنمی‌دارد. لذا گفتم هر کس هر طرحی دارد بگوید و جایزه بگیرد.

روزهای اول، کارکنان ما یکی - دو پیشنهاد دادند، اما الان از میان چهارصد تا پانصد پرسنل در ماه ده‌ها پیشنهاد برایمان می‌آید، که بیشتر آن‌ها عالی است، یعنی در جلسه‌ای نیست که منافع خوبی نصیب کارخانه نشود. در مورد بسته‌بندی، نحوه تولید، ضایعات و هر چه که مربوط به کارخانه باشد نظر می‌دهند و همین نظرات برای ما مدیران، کارگشا و کاربردی است.

در مجموعه ما مدیر داخلی کارخانه موظف است طرح‌هایی را که به او داده شده کارشناسی کند و آن‌هایی را که قابل اجراست مطرح کند و ما بر مبنای آن طرح‌ها پاداشی به او می‌دهیم.

پاداش هم بستگی به این دارد که ارزش آن کار چقدر باشد، بعضی مواقع حتی یک ماشین پراید هم جایزه داده‌ایم.

### نمونه‌ای از توفان ذهنی در بهره‌وری

جلسات توفان ذهنی با کارمندان و کارگران و مدیران بعضی وقت‌ها معجزه هم می‌کند. یکی از پیشنهادهایی که در این جلسه داده شد ۱۱ درصد مصرف کارتن را به سود کارخانه، پایین آورد. قضیه به این صورت بود: کارتنی که بسته‌بندی می‌کنیم و لوازم داخلش گذاشته می‌شود عرض بعضی آن‌ها به اندازه یک سانت کوچک و بعضی هم بزرگ بود، حساب کردیم دیدیم که روزانه پنج هزار کارتن مصرف داریم و هر کارتن هزار و پانصد تومان، که مجموعاً هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان روزانه هزینه کارتن است، یازده درصدش رقم چشم‌گیری می‌شد. گفتند: کارتن‌هایی که مصرف می‌کنیم



اکثراً یک یا دو سانت بزرگ است. کارتن وقتی بزرگ باشد چند اشکال پیدا می‌کند: اگر اتفاقی بیفتد همه له می‌شوند، اگر از بغل باشد به هم مالیده می‌شود و بازی می‌کند و مشکلات دیگری از این قبیل. با این پیشنهاد و تغییراتی که ایجاد شد، روزانه حدود یک میلیون تومان و در یک سال بیش از سیصد میلیون تومان به نفع کارخانه صرفه جویی شد. نمونه دیگر: یکی از روزها، به مهندسی که به تازگی استخدام شده بود گفتم: فردا جلسه توفان ذهنی است برو در کارخانه دوری بزن و طرحی به جلسه بیاور. ایشان آمد و طرحی به شرح زیر برای کف پوش داد: ما همیشه برای تولید کف پوش اتومبیل یک ورق کامپانت را در قالب می‌اندازیم و تحت فشار قرار می‌دهیم و تزریق می‌شود و زیادی اش بیرون می‌آید و تحت پخت قرار می‌گیرد، چون غلتکی که کار می‌کند در هوای سرد و گرم ضخامتش چند دهم بالا و پایین می‌شود، لذا مقداری دقت دستگاه پایین می‌آمد و چون قبلاً مواد اولیه هم ارزان بود زیاد برایمان مهم نبود. این مهندس گفت: چرا ما این‌ها را وزن نمی‌کنیم؟ بیایم حساب کنیم این قالب باید هفتصد گرم باشد که تمام کف را بگیرد و پر کند و دور ریز هم نداشته باشیم. با این پیشنهاد حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد صرفه جویی در هزینه‌ها داشتیم.

یا مثلاً یکی از پرسنل در مورد چسب نواری، که ما در بسته‌بندی مصرف می‌کنیم، ایده‌ای داد. ایشان حساب کرده بود که روزانه صد و پنجاه هزار تومان مصرف چسب نواری است که با آن در کارتن‌ها را می‌بندیم، ما با چسب‌های شش سانتی می‌بستیم، ایشان گفت با چسب پنج سانتی هم کارتن‌هایمان جواب می‌دهد، بعد بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که چهار سانت و نیم هم جواب می‌دهد و اجرا کردیم و مصرف چسبمان پایین آمد، اکنون کار هم به خوبی انجام می‌شود و در کنارش هزینه‌مان کمتر شده است.

وقتی شما مثلاً یک صرفه جویی صد هزار تومانی را در سیصد روز کاری سال محاسبه کنید، می‌شود سی میلیون تومان در سال.

این‌ها نمونه‌های بهره‌وری است که من با کمک کارمندان و کارگران در همین جلسات توفان ذهنی توانسته‌ام به آن‌ها دست پیدا کنم و در واقع، دست‌آورد مشورت و رایزنی با افراد صاحب صلاحیت است.



## ضعف در نظام آموزش و پرورش

یکی دیگر از روزه‌های سرمایه‌سوز، ضعف در نظام آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش، سازمان فرهنگی است که انسان‌های آگاه و بافرهنگ در آن مشغول به کارند. بدون شک می‌توان گفت که جوّ عمومی این وزارت‌خانه طوری است که سالم‌ترین و متدین‌ترین آدم‌ها در آن به فعالیت مشغولند. از قدیم این‌طور بود که هر انسان شریفی می‌خواست جایی برای خدمت سالم و مؤثر پیدا کند، به آموزش و پرورش، پناه می‌برد. چون یقین داشت که نتیجه‌ی زحمت‌های خود را می‌بیند.

درون مدارس باید فضای آزاد کنترل‌شده‌ای وجود داشته باشد تا بچه‌ها راحت حرف بزنند و انتقادها و سؤالاتشان را مطرح کنند و بعد مربی‌های مدرسه، دلسوزانه پاسخ آن‌ها را بدهند.

در واقع، دانش‌آموزی یاد می‌گیرد که گاهی در نقش یک حامی و طرفدار حرف بزند و گاهی نقش یک منتقد را بازی کند. متأسفانه، امروزه این مهارت در بعضی از ما ایرانی‌ها زیاد دیده می‌شود. این مسئله باید در همین محیط مدرسه حل شود؛ در واقع فضای مدارس باید آزاد باشد و مدیران، مربیان، ناظران و دبیران مدارس تحمل این آزادی مدیریت‌شده را داشته باشند تا موضوع تربیت اتفاق بیفتد. متأسفانه این فضا در مدارس شکل نگرفته است. راه حل آن هم این است که در بیرون آموزش و پرورش نظام‌های ارزیابی از عملکرد این نهاد وجود داشته باشد تا آن‌ها مجبور شوند این اصلاحات را اعمال کنند.

## اهمیت جذب نخبه‌ها در آموزش و پرورش

ما در کشورمان مشکل صدساله داریم؛ یعنی صدسال است که کشورهای غربی را دیده‌ایم و فکر کرده‌ایم اگر فقط اتوبان یا ساختمان بسازیم، توسعه اتفاق می‌افتد. به همین دلیل، صدسال است که افراد با استعداد کشورمان، به جای این‌که در رشته‌های علوم انسانی تحصیل کنند، در رشته‌های مهندسی یا پزشکی

درس می‌خوانند. به جای این‌که روحیه‌ی پژوهشگری را تقویت کنیم، محفوظات را توسعه می‌دهیم.

به همین ترتیب، دانش‌آموختگان باسواد اول جذب شرکت نفت، شهرداری و... می‌شوند و در آخر اگر کسی باقی ماند، به آموزش و پرورش می‌آید؛ یعنی افرادی که نتوانسته‌اند جذب نیروهای دیگر شوند وارد آموزش و پرورش می‌شوند. البته از بین صد نفری که جذب آموزش و پرورش می‌شوند ده نفر تیزهوش هم وجود دارند که به خاطر عشق و علاقه وارد این مجموعه شده‌اند. این‌ها همان عزیزانی هستند که جذب مدارس غیرانتفاعی می‌شوند. اما غالب افرادی که جذب آموزش و پرورش می‌شوند، کسانی هستند که در تحصیلاتشان چندان موفق نبوده‌اند (البته حکم کلی نمی‌کنم). این واقعیت تلخی است که آموزش و پرورش ما به خصوص بعد از انقلاب با آن درگیر است. البته با این حرف‌ها نباید زحمات معلمان و دبیران را نادیده گرفت.

در مجموع، به واسطه‌ی این‌که ما حقوق خوبی به معلمان نمی‌دهیم و آن‌ها از موقعیت مناسبی برخوردار نیستند، تعداد آدم‌های کیفی در آموزش و پرورش ما کم است. آن تعداد کم نیز ترجیح می‌دهند دبیر بمانند، در صورتی که ما باید از آن‌ها دعوت کنیم در کرسی مدیریت یا ریاست منطقه فعالیت کنند.

### خلا پژوهش در آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش، خلا «پژوهش» محسوس است. اهمیت پژوهش را اول باید خود رئیس منطقه بفهمد. او باید بداند که پژوهش در آموزش و پرورش محدود به یک پژوهشکده و تعدادی دانش‌آموز و دبیر نمی‌شود؛ بلکه پژوهش، همه‌ی بدنه‌ی آموزش و پرورش را در سطوح مختلف در بر می‌گیرد. پژوهش‌های بسیار ساده‌ای که در کلاس اتفاق می‌افتد تا پژوهش‌های مدرسه‌ای و منطقه‌ای در این مجموعه باید مدنظر قرار گیرند.

امروز پس از سال‌ها شما اگر از رئیس آموزش و پرورش منطقه پرسید: کارکرد تربیتی کدام مدرسه‌تان خوب است، نام یک مدرسه‌ی غیرانتفاعی را می‌آورد که خانواده‌ی دانش‌آموزانش پولدار و مذهبی‌اند. اگر پرسید کارکرد تربیتی کدام مدیر بهتر است؟





می‌گویند نمی‌دانم، ولی این مدرسه دانش‌آموزان خوب را جذب می‌کند و خروجی اش هم دانش‌آموزان خوبی هستند، در حالی که بعد از سال‌ها، انتظار این است که رئیس آموزش و پرورش منطقه یک مدل علمی داشته باشد و بگوید فلان مدرسه به دلیل این که نسبت به پارسال ۳۵ درجه بهبود پیدا کرده بهترین مدرسه به لحاظ کارکرد تربیتی است. بدترین مدرسه‌مان هم فلان مدرسه است، چون با این که بهترین بچه‌ها را گزینش می‌کند، پنج درجه در موضوع تربیت عقب رفته است. در واقع، بسیاری از رؤسا و مدیران آموزش و پرورش معتقدند نمی‌توان تقوا را اندازه‌گیری کرد، چون این افراد برای ریاست منطقه ساخته نشده‌اند و هیچ دوره‌ی آموزشی طی نکرده‌اند. بنابراین تخصص‌های لازم را ندارند و نمی‌دانند چگونه یک امر کیفی را باید کمی کنیم تا امکان مقایسه‌ی علمی ایجاد شود.

در حال حاضر ما تعداد زیادی پژوهشگاه راه‌انداخته‌ایم، ولی هنوز مفهوم پژوهش در آموزش و پرورش راه خودش را باز نکرده است. با ساختن پژوهشگاه و جمع کردن چند نفر دکتر که مسئله‌ی پژوهش در آموزش و پرورش ما حل نمی‌شود. آموزش و پرورش برای خودش یک کشور است و هر سال باید صدها کتاب و مجله حاصل پژوهش‌های عزیزان ما از داخل آموزش و پرورش وارد جامعه شود. اساساً بخش مهمی از کشفیات علمی باید از بدنه‌ی آموزش و پرورش بیرون بیاید، ما پیش فرض غلطی داریم که می‌گوییم پژوهش مخصوص دانشگاه‌هاست و کار آموزش و پرورش انتقال یک سری مفاهیم خاص درسی است.

این تصور غلط ما از آن جا نشئت می‌گیرد که آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته را بررسی نکرده‌ایم. در این کشورها، مدارس تحقیقات میدانی انجام می‌دهند و برای مشکلات پیرامون خود راه حل پیدا می‌کنند تا یاد بگیرند وقتی در جامعه با مشکلی روبه‌رو شدند، چگونه آن را مرتفع کنند.

به همین دلیل، نقش آموزش و پرورش در جریان پیشرفت کشور بسیار ضعیف است. البته همین میزان از پیشرفت در عرصه‌های مختلف هم حاصل فعالیت‌های آموزش و پرورش است، اما اگر پرسند: چرا سرعت رشد ما نسبت به کره یا ژاپن پایین‌تر است؟ ناچاریم بگوییم یکی از معضلات مهم ما این است که به جای رسیدگی به مشکلات



آموزش و پرورش به سراغ شرکت نفت یا آب و فاضلاب رفته ایم، چون فعالیت در این بخش‌ها در کوتاه مدت نتیجه می‌دهد، اما کار در آموزش و پرورش در بلندمدت خودش را نشان می‌دهد.

علت این که گفتم مدیریت آموزش و پرورش ما، باید از مجموعه‌ی مردم‌سالاری خارج شود این است که مردم از نمایندگان کارهای سخت‌افزاری و مسائل مربوط به معاش خود را مطالبه می‌کنند. بنابراین وقتی نماینده‌ها وارد مجلس می‌شوند، اگر بخواهند رأی جمع کنند، باید وارد کمیسیون برنامه و بودجه شوند، نه کمیسیون آموزش و پرورش. این‌ها مشکلات ساختارهای سیاسی ماست که امیدوارم دانشجویهای کارشناسی ارشد و دکترا در این زمینه‌ها پژوهش کنند و راه حل ارائه دهند.

البته در چند سال اخیر کارهای بسیار خوبی برای شروع این حرکت در آموزش و پرورش آغاز شده است، اما اگر تک‌تک استاندارها، فرماندارها و هیئت دولت هفته‌ای یک روز تمام وقت خودشان را به حل مسائل آموزش و پرورش اختصاص ندهند و سیستم‌های علمی برای بررسی عملکرد آموزش و پرورش نداشته باشیم، این طرح تحول آموزش و پرورش وارد بدنه‌ی این نهاد نمی‌شود و در حد یک کار نمایشی باقی می‌ماند.

چون آموزش و پرورش در این زمینه استعداد دارد که در کنار میلیون‌ها کتابی که چاپ می‌کند، طرح تغییر و تحول در آموزش و پرورش را هم در چند هزار نسخه چاپ کند؛ در حالی که استاندار محترم هر استان باید بهترین اساتید دانشگاه را دعوت کند، پول خوبی هم به آن‌ها بدهد، چند روحانی باسواد را هم در کنار آن‌ها قرار دهد و از چند مدیر باسابقه‌ی آموزش و پرورش هم استفاده کند و یک هیئت نظارت بر تحول آموزش و پرورش تشکیل دهد تا این هیئت، تغییرات تربیتی دانش‌آموزان را در آن استان سالانه اندازه‌گیری کنند و مثلاً بگویند عشق به وطن یا گرایش به معنویت چند درصد دانش‌آموزان افزایش یافته است. اگر روزی یک استاندار چنین حرکتی را آغاز کند، می‌توان امیدوار بود که در آموزش و پرورش تحولی آغاز شود، اما اگر همچنان برای معلم‌ها سخنرانی کنیم، هیچ اتفاق تازه‌ای در آموزش و پرورش نمی‌افتد.

همان‌طور که می‌دانید، دانش‌آموزان ما در ابتدا با اشتیاق وارد مدرسه می‌شوند، اما



پس از مدتی به تحصیل بی‌علاقه می‌شوند. به نظر شما، چرا مدارس نمی‌توانند اشتیاق تحصیل را در بچه‌ها ایجاد کنند؟

وقتی خود معلم اشتیاق نداشته باشد و معنای اشتیاق را نداند، نمی‌تواند به فرزندان ما اشتیاق را منتقل کند. اگر او اشتیاق داشت، در یک دانشگاه خوب قبول می‌شد و دیگر به مدرسه نمی‌آمد.

مشکل دیگر این است که خود معلمان، خیلی کم، کتاب می‌خوانند و به زور در آموزش‌های ضمن خدمت شرکت می‌کنند.

این‌که دانش‌آموزان در مدرسه از علم‌گریزان می‌شوند، به این دلیل است که معلمین ما مهارت ندارند در بچه‌ها نسبت به علم اشتیاق ایجاد کنند و دانش‌آموزان سر کلاس از طریق کتاب شکنجه‌ی روحی می‌شوند، چون ده بار آن‌ها را مجبور می‌کنند که کتابشان را بخوانند، در حالی که اگر یک فرد با هوش متوسط سه بار آن کتاب را بخواند، مطالبش را یاد می‌گیرد. در واقع با این کار دانش‌آموز را از علم زده می‌کنند و به همین دلیل تابستان که می‌رسد همه‌ی دانش‌آموزان خوشحال هستند.

این علائم برای آموزش و پرورش یک کشور بسیار تلخ است، ولی متأسفانه در کشور ما به یک امر عادی تبدیل شده است. می‌گویند در همه‌ی دنیا بچه‌ها از مدرسه بدشان می‌آید، در حالی که این‌گونه نیست، در بعضی کشورها بچه‌ها وقتی مدرسه‌شان تمام می‌شود عزا می‌گیرند، چون از محیط دوستانه‌ی مدرسه و دوستانشان دور می‌شوند. در واقع در محیط مدرسه آن‌قدر وسیله‌ی ورزش، بازی و تفریح و امکانات هست که وقتی می‌گویند مدرسه تعطیل است، همه‌ی دانش‌آموزان ناراحت می‌شوند.

بعضی از مدارس ما به واسطه‌ی چار دیواری‌های کوچک، کلاس‌های بدون نور و نبود فضای‌سازی مناسب، مثل زندان هستند. همه‌ی شهرداری‌های کشور باید وظیفه‌ی خود بدانند که حیاط مدرسه‌ها را سبز و بانشاط کنند. همه‌ی شهرداری‌ها باید سالی دو بار مدرسه‌ها را نقاشی کنند. امروز در همه‌ی خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ چمن می‌کاریم، ولی حیاط مدرسه‌هایمان خشک خشک است و هیچ کس صدایش در نمی‌آید که چرا دانش‌آموزان ما نباید در مدارس زیبا تحصیل کنند.

## از مدرسه تا دانشگاه

همه‌ی این معضلاتی که در آموزش و پرورش وجود دارد در آموزش عالی امتداد پیدا می‌کند. مدت‌هاست که رابطه‌ی آموزش عالی با توسعه‌ی کشور قطع شده است. به همین دلیل صدها دانشجو به دانشگاه می‌آیند، در حالی که می‌دانند کاری برای آن رشته وجود ندارد. این فرآیند ادامه دارد، چون ما نیروی انسانی را سرمایه نمی‌بینیم.

متأسفانه، در دانشگاه‌های ما موضوع کار فرهنگی کاملاً تعطیل است، چون می‌گویند کار رئیس دانشگاه توسعه‌ی علم است و مسئولیت تربیت بر عهده‌ی دیگران است. تا زمانی که این گونه به قضیه نگاه کنیم معضلات آموزش و پرورش خودش را نشان نمی‌دهد. هیچ وقت آموزش عالی ما یک کار علمی نکرده است که بگوید من این فارغ‌التحصیل‌های آموزش و پرورش را با این ویژگی‌ها تحویل گرفته‌ام، در حالی که میلیاردها تومان در حوزه‌ی پژوهش و تحقیق دانشگاه‌ها خرج می‌شود.

همه‌ی این‌ها ذیل آن جمله قرار می‌گیرد که در کشور ما هنوز توجه نکرده‌اند سرمایه‌ی اصلی کشور، نفت و گاز نیست، بلکه، سرمایه‌ی اصلی کشور انسان‌ها هستند. بنابراین باید انسان‌ها را تربیت کنیم و آن‌ها را آموزش دهیم تا بتوانیم به توسعه و پیشرفت برسیم. باید به این مسئله پاسخ دهیم که وقتی می‌گوییم فرد، این ۱۲ سال را در مدرسه سپری نکند، باید کجا باشد. بنابراین باید خانواده را هم سازمان‌دهی کنیم. در واقع این‌ها را باید در یک مجموعه در کنار هم ببینیم. آنچه مسلم است ما این ۱۲ سال را از کشورهای دیگر الگو گرفته‌ایم و تقریباً همه‌ی کشورهای دنیا همین طور هستند. ممکن است ما با مطالعات بومی خود به مدل دیگری برسیم، اما در حال حاضر من نمی‌توانم درباره‌ی این موضوع اظهار نظر کنم که آیا دوازده سال لازم است یا خیر.

## آفت‌های حافظه محوری

بسیاری از مواد درسی جداگانه تهیه می‌شوند و مثلاً به گروهی می‌گویند شما محتوای کتاب‌های جغرافیا را تهیه کنید و از آن جایی که این افراد به جغرافی خیلی اهمیت می‌دهند، مطالب زیادی برای درس جغرافیا پیشنهاد می‌دهند. همین اتفاق برای



ریاضی، تاریخ و دروس دیگر می‌افتد و به این ترتیب، حجم وسیعی از کتاب تولید می‌شود که دانش آموزان باید آن‌ها را بخوانند. در این شرایط، دیگر در محیط مدرسه جایی برای فعالیت‌های علمی و مدرن تربیتی باقی نمی‌ماند. بنابراین حتی اگر یک مربی تربیتی با انگیزه‌های شخصی بخواهد با بچه‌ها کار کند، دبیرهای دیگر مانع می‌شوند و می‌گویند از محتوای کتاب‌ها عقب می‌افتیم.

از طرف دیگر چون آزمون ورودی دانشگاه تستی است، هر کسی معلومات و محفوظات بیشتری داشته باشد موفق‌تر است و به همین دلیل بعضی از مدارس غیرانتفاعی، علاوه بر این حجم درسی، مطالب دیگر را هم به دانش آموزان درس می‌دهند. نتیجه این می‌شود که استعدادها در خشان مافرصت کسب مهارت اجتماعی پیدا نمی‌کنند و نمی‌توانند در جامعه ارتباط برقرار کنند و آماده‌ی خروج از کشور می‌شوند. اگر این تیزهوش در تابستان وقتش آزاد نباشد که با دوستانش تعامل برقرار کند و فقط دنبال کلاس زبان، فیزیک و... باشد، در واقع فقط تبدیل به یک کامپیوتر قوی می‌شود که پر از محفوظات است، ولی اصلاً نمی‌تواند با آدم‌ها حرف بزند و به همین دلیل ناموفق می‌شود. سند تحول آموزش و پرورش، که متخصصان امر تهیه کرده‌اند مطالب بسیار خوبی دارد، چون تکیه‌گاهش مبانی دینی است و جمعی از نخبگان روزهای متمادی برای تهیه‌ی آن زمان صرف کرده‌اند، اما مهم، اجرای آن است، معمولاً ما در کشورمان برای اجرای این طرح‌ها مشکل داریم. اجرای این حرف‌های بسیار خوب، که ما از آخرین دین الهی استخراج می‌کنیم، دشوار است. طبیعتاً مبانی دین ما درست‌ترین حرف‌هایی است که بشر می‌تواند به آن‌ها برسد، اما اجرای آن‌ها یک معلم و مدیر متفاوتی را می‌طلبد که فضای احترام‌آمیزی در مدارس ایجاد کند.

### ضرورت جذب مدیران قوی و با استعداد

قوی‌ترین مدیران جامعه‌ی ما باید در بدنه‌ی آموزش و پرورش باشند، چون می‌خواهیم بر اساس مبانی قرآنی و دینی مان انسان بسازیم. در واقع می‌خواهیم انسانی امروزی، متکی به وحی، قیامت‌باور و عاشق خدمت به مردم بسازیم.

طبیعتاً وقتی می‌خواهیم به این هدف برسیم، باید به این بیندیشیم که با چه سازوکاری



می‌توانیم بهترین و متدین‌ترین نیروهای جامعه را در آموزش و پرورش به کار گیریم و همواره انگیزه‌های آن‌ها را فعال نگه داریم تا این اهداف را محقق کنند. در واقع باید معیشت، موقعیت اجتماعی، آموزش و همه‌ی شرایط را برای معلمان و مدیران مدرسه فراهم کنیم.

تازمانی که استعدادهای درخشان کشور فقط جذب صنعت نفت و پتروشیمی، بانک مرکزی و امثال این‌ها می‌شوند، امکان ندارد طرح تحول آموزش و پرورش در کشور ما موفق باشد. برای این‌که بهترین نیروهای کشور را به سمت دنیای مادیات می‌فرستیم. پیچیده‌ترین حرفه‌ها در اسنادی هستند که بُعد انسانی دارند، اما افرادی به حوزه‌های علوم انسانی وارد می‌شوند که نتوانسته‌اند وارد رشته‌های ریاضی و علوم تجربی شوند. تازمانی که این معادله در کشور ما وجود دارد، قسمت بسیار ناچیزی از این اسناد شکل عملی به خودشان می‌گیرند.

علاوه بر همه‌ی این‌ها، بخشی از این مشکل مستلزم تحول در آموزش و پرورش است و بخش عظیمی از آن مستلزم تحول در شیوه‌ی اداره‌ی کشور است. ما باید فضایی را در کشور ایجاد کنیم که هر استعداد درخشانی آرزویش این باشد که اجازه بدهند در آموزش و پرورش معلم شود.

معلم شدن در دبستان باید یک افتخار خیلی بزرگ باشد. این‌ها برای کشور ما خنده‌دار است، چون چندین سال است که می‌گوییم دیپلم برای معلم دبستان، فوق‌دیپلم برای راهنمایی و لیسانس برای دبیرستان لازم است، در حالی که تعلیم و تربیت در دبستان پیچیده‌تر از دبیرستان است؛ همان‌طور که در پزشکی افراد تیزهوش متخصص کودکان می‌شوند، چون بچه نمی‌تواند بیماری‌اش را بگوید و دکتر باید تیزهوش باشد.

اگر به شما بگویند فردی فوق‌تخصص قلب کودکان دارد، حتماً احساسات این است که او از یک فوق‌تخصص قلب بزرگسالان باید باسوادتر باشد. این در حالی است که روح بچه خیلی لطیف‌تر و تربیتش پیچیده‌تر است. البته خوشحالیم که در سال‌های اخیر از لیسانس‌ها هم برای تدریس در مقطع ابتدایی استفاده می‌شود، اما نوعاً در فضای آموزش و پرورش معلم دبستان آرزویش این است که یک روز راهنمایی درس بدهد و معلم راهنمایی دوست دارد در مقطع دبیرستان تدریس کند.



دلیل این موضوع این است که ما هنوز در کشورمان مفهوم توسعه و پیشرفت را نفهمیده‌ایم و توسعه و پیشرفت را با ساختمان‌سازی اشتباه گرفته‌ایم، در حالی که توسعه، تحول در مغز و بینش انسان‌هاست. در گذشته‌ی دور، تعداد زیادی از افراد به مکتب‌خانه‌ها می‌رفتند و بعد وارد حوزه‌های علمیه می‌شدند و تیزهوش‌ترین و باتقواترین آن‌ها عالمان و مراجع تقلید می‌شدند و این افراد می‌توانستند در جامعه، اثرگذار باشند.

### ارتباط دانش‌آموزان با صنایع و کارخانه‌جات

بنابراین تحول آموزش و پرورش خوب، مستلزم همراهی پدر و مادرها، مسئولین، شهردار، استاندار، مدیرکل صنایع و همه‌ی بخش‌های کشور است. همه‌ی این‌ها اگر بخواهند باید کمک کنند؛ برای مثال، مدیرکل صنایع چگونه می‌تواند به امر آموزش کمک کند؟ وقتی امروز به کشورهای توسعه‌یافته می‌روید، می‌بینید همه‌ی کارخانه‌های بزرگ و مدرن آن‌ها مسیری را طراحی کرده‌اند که دانش‌آموزان مدارس مختلف هر روز به نوبت از آن کارخانه‌ها بازدید می‌کنند. در واقع، آن‌ها یک خط ارتباطی برقرار کرده‌اند که در عین حال که بازدید انجام می‌شود، در روند تولید کارخانه هم اتفاقی نیفتد و دانش‌آموزان کارخانه‌ها را ببینند تا کار برایشان تعریف شود.

این در حالی است که برای دانش‌آموز ایرانی کار در خیابان‌ها، مغازه‌های جواهرفروشی، فرش‌فروشی، بوتیک‌ها و سوپرمارکت‌ها تعریف می‌شود. به همین دلیل، آن‌ها به دنبال مدرک هستند تا یک میزگیر بیاورند و اگر هم گیر نیابند، می‌گویند با پسرعمویمان می‌خواهیم یک پیتزافروشی یا بوتیک باز کنیم. دلیل این ضعف این است که اساساً تعریف درستی از کار در ذهن آن‌ها شکل نگرفته است. برای این که کار تعریف شود، در کشورهای توسعه‌یافته دانش‌آموزان را به مزرعه، کارخانه، معدن و... می‌برند. همه‌ی آن کارخانه‌ها هم متعلق به بخش خصوصی است، اما به آن‌ها فهمانده‌اند که باید دین خود را به جامعه ادا کنند و در مقابل امکاناتی که از جامعه می‌گیرند، کمک کنند تا فرزندان این مردم تربیت شوند. این جاست که برای مثال، مدیرکل صنایع برای تحول در آموزش و پرورش مسئولیت پیدا می‌کند و باید به اجرای این طرح کمک کند.

چه وقت این اتفاق می‌افتد؟ زمانی که اولاً مسئولان محترم در خود آموزش و پرورش



این نگاه را داشته باشند و بعد چنین چیزی را از سایر وزارت‌خانه‌ها، دستگاه‌ها و مسئولین مطالبه کنند. همچنین اگر پدر و مادرها بخواهند در آموزش و پرورش، تحول ایجاد شود خیلی از رفتارهای درون خانواده‌شان را باید اصلاح کنند، چون می‌توان در مدرسه، دانش‌آموزی قیامت‌باور تربیت کرد، در حالی که پدر و مادر او به هیچ اصولی پایبند نیستند. این موضوع باعث می‌شود بین مدرسه و خانواده تضاد به وجود آید.

تصور کنید معلم سر کلاس بگوید مثلاً خداوند چه نگاهی به انسان بی‌نماز دارد، در حالی که پدر آن بچه نماز نمی‌خواند. در این حالت، این بچه نسبت به پدرش احساس بدی پیدا می‌کند. این اتفاقات در حال حاضر می‌افتند، ولی کسی به آن‌ها توجه نمی‌کند. معلمین کار خودشان را می‌کنند و پدر و مادرها هم کار خودشان را. هیچ وقت هم رسانه به پدر و مادرها نمی‌گوید ما در کلاس درس چنین مباحثی را به فرزندان شما می‌آموزیم. به همین دلیل خیلی از روابط پدر و مادرها با فرزندان به هم می‌خورد و بچه‌ها دیگر احترام پدر و مادرها را ندارند، چون از دو منبع تربیت می‌شوند؛ پدر و مادر ناخواسته در یک عالمی هستند و محیط مدرسه در عالم دیگری است و این کودک نمی‌تواند به درک درستی از پدیده‌ها و زندگی خودش برسد.<sup>۱</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر کتاب‌های زیر را مطالعه کنید:

- تاریخ آموزش و پرورش در ایران، حسن ملک، انتشارات المهدی، تهران ۱۳۸۸.
- جایگاه مثبت آموزش و پرورش در جامعه، شهلا رضایی و دیگران، نشر فرزندگان، تهران ۱۳۹۸.
- مدرسه‌ای برای زندگی، اسماعیل جمالی، نشر ندای سینا، تهران ۱۳۹۹.





## غفلت از منابع طبیعی

ذخایر و منابع طبیعی مانند آب، خاک، جنگل و انرژی، ارزشمندترین ثروت یک کشور است و پشتوانه عظیمی برای اقتصاد به شمار می‌آید. با تمام اهمیتی که منابع و ذخایر طبیعی دارد، شیوه بهره‌برداری از منابع و ذخایر کشور ما، وضعیت مطلوبی ندارد. در این جا به بعضی از این موارد اشاره می‌کنیم:

### ۱. آب

هم‌اکنون برای مصارف شهری و روستایی، صنعت و کشاورزی، از شیوه‌های مختلفی برای بهره‌برداری از منابع آبی کشور بهره گرفته می‌شود که کمتر در جهت بهره‌وری است. بر اساس برخی ارزیابی‌ها، «متوسط بارندگی سالانه ایران حدود ۴۰۰ میلیارد متر مکعب است که از این مقدار، ۲۷۰ میلیارد متر مکعب به صورت‌های مختلف تبخیر یا از دسترس خارج می‌شود»<sup>۱</sup>.

با این حال، از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب باقی مانده نیز استفاده درستی نمی‌شود؛ زیرا فرهنگ مصرف‌گرایی چنان افسارگسیخته پیش می‌رود که حتی از کشورهای پرآب جهان، مانند کشورهای اروپایی نیز پیشی گرفته است؛ به گونه‌ای که «مصرف سرانه آب لوله‌کشی آشامیدنی در ایران، حدود ۱۴۲ متر مکعب در سال است که از مصرف سرانه برخی از کشورهای پرآب مثل اتریش [۱۰۸ متر مکعب در سال] و بلژیک [۱۰۵ متر مکعب در سال] بیشتر است»<sup>۲</sup>.

برای آگاهی بیشتر از موضوع، کافی است میانگین مصرف سرانه آب کشور را با میانگین مصرف سرانه آب در جهان مقایسه کنیم. «میانگین مصرف سرانه آب در جهان در بخش‌های صنعت، کشاورزی و شهری و روستایی، حدود ۵۸۰ متر مکعب برای هر نفر در سال است، ولی این رقم در ایران که کشوری کم‌آب به شمار می‌آید، حدود ۱۳۰۰

۱. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دومین کنگره ملی بهره‌وری ایران، ص ۳۱۲.

۲. گروه جغرافیای برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، جغرافیای سال دوم، (کد ۲۲۵/۱)، سال ۱۳۹۹، ص ۵۴.



متر مکعب است»<sup>۱</sup>؛ یعنی چیزی حدود دو برابر سطح میانگین مصرف سرانه جهانی. برای مثال، «سه‌م بخش کشاورزی از آب استحصال کشور، ۹۰ درصد است که ۳۵ درصد آن مصرف و بقیه به اشکال مختلف تبخیر یا جذب زمین شده، از چرخه مصرف خارج می‌شود.»<sup>۲</sup> این در حالی است که می‌توان بخشی از این اتلاف آب را در بخش کشاورزی با به‌کارگیری روش‌های پیشرفته آبیاری کاهش داد. آبیاری تحت فشار، یکی از این روش‌هاست، به طوری که «متوسط آب مصرفی برای هر هکتار از اراضی باغی و زراعی در طول یک دوره زراعی، ۱۲ هزار متر مکعب است، ولی می‌توان با آبیاری تحت فشار، آن را به ۶۲۰۰ متر مکعب کاهش داد».

در بخش صنعت هم مصرف آب در حال حاضر زیاد نیست (حدود ۲ درصد) ولی مقدار آبی که مصرف می‌شود، به دلیل آلوده شدن به مواد شیمیایی و میکروبی و آلوده‌کننده‌های خطرناک مانند جیوه و سرب، در مجاری رودها یا از راه چاه‌ها وارد سفره‌های زیرزمینی می‌شود، آب آن را آلوده می‌کند و به مشکلات زیست‌محیطی دامن می‌زند.

به هر حال، موارد یادشده، بیانگر اتلاف و اسراف بیش از اندازه منابع آب در کشور است که با اصلاح فرهنگ مصرف، می‌توان انتظار بهره‌وری بیشتری از آب داشت.

## ۲. خاک

خاک یکی از منابع ارزشمند حیات بشری است که «برای تشکیل یک سانتی‌متر آن در روی زمین، بیش از هزار سال زمان نیاز است». از این رو، باید از آن به درستی بهره‌برداری کرد؛ زیرا با بهره‌برداری نادرست از آن، فرسایش خاک پیش می‌آید که پی‌آمدهای فراوانی دارد. از جمله، فرسایش خاک می‌تواند زمین‌های کشاورزی را به بیابان تبدیل کند، راه‌های بیابانی را مسدود سازد، محصولات غذایی را کاهش دهد، هوای شهرها و روستاها را با گرد و غبار آلوده کند، سیل راه بیاندازد، سدها، دریاچه‌ها و منابع آب را از خاک انباشته کند و خرج فراوانی بر دوش ملت و دولت بگذارد. متأسفانه

۱. همان، ص ۵۳.

۲. ماهنامه جهاد (توسعه روستایی و ترویج کشاورزی)، ش ۲۶۴، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶.



هر ساله به دلیل فرسایش‌های آبی و بادی خاک و دخالت‌های بی‌رویه انسان، چرای بی‌رویه دام، بهره‌برداری بیش از حد از خاک، شخم زدن نامناسب و آبیاری زمین با آب‌های شور و کندن بوته‌ها و درختچه‌ها برای سوخت، میلیون‌ها تن خاک از بین می‌رود و بر مناطق بیابانی کشور افزوده می‌شود.

اهمیت این مسئله را زمانی بهتر درک می‌کنیم که بدانیم بیش از نیمی از کشور را مناطق کوهستانی و بیابان‌های خشک فرا گرفته است و هر ساله با افزایش جمعیت، نیاز به مواد غذایی بیشتر می‌شود.<sup>۱</sup> پس بهتر است به فرموده رسول گرامی اسلام ﷺ، حرمت خاک و زمین را حفظ و از آن بهتر استفاده کنیم: «حرمت زمین را نگه دارید؛ زیرا زمین به منزله مادر شماست».<sup>۲</sup>

### ۳. جنگل و مرتع

جنگل و مرتع، از باارزش‌ترین منابع ملی کشور به شمار می‌آید که نقش مهمی در زندگی و اقتصاد افراد جامعه ایفا می‌کند. جنگل‌ها با تعدیل هوا، فراهم آوردن فرآورده‌های صنعتی، ساختمانی و پزشکی مورد نیاز و از همه مهم‌تر، حفظ خاک و پیش‌گیری از سیلاب و پی‌آمدهای ناشی از آن، شرایط مساعدی برای زندگی انسان فراهم می‌آورند. اگر در منطقه وسیعی، درختان جنگلی قطع شود، تعرق گیاهان کاهش می‌یابد که به کاهش بارندگی و خشک شدن خاک و گسترش مناطق بیابانی می‌انجامد. کارشناسان می‌گویند: «اگر جنگلی یک دلار چوب بدهد، می‌تواند بیش از ۱۱۰ دلار آب بدهد. همین‌طور بر این باورند با از بین رفتن هر ۲۶۰ هکتار جنگل، ۷۵۰ نوع درخت، ۵۰۰ نوع گل، ۱۲۵ نوع پستاندار، ۴۰۰ نوع پرنده، ۱۰۰ نوع پروانه و تعداد بی‌شماری حشره از بین می‌رود».<sup>۳</sup>

پس جنگل از باارزش‌ترین منابع طبیعی است که با هیچ بهایی نمی‌توان آن را قیمت‌گذاری کرد. البته در کشور ما متأسفانه روند تخریب جنگل با شدت ادامه دارد، به گونه‌ای که سالانه درصد بالایی از جنگل‌های کشور نابود می‌شود. گستره تخریب جنگل

۱. ر.ک: فرسایش خاک، سعید قیاسوند، نشر سیمین، تهران ۱۳۹۷.

۲. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه، ص ۳۸۰.

۳. مجموعه مقالات دومین کنگره و سخنرانی‌های بهره‌وری ملی ایران، ص ۳۱۸.



به حدی است در طول چهل سال اخیر، سی درصد جنگل‌های کشور کم شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، سالانه میلیون‌ها متر مکعب از ذخیره چوب و منابع ملی کشور که به راحتی قابل تجدید نیست، برداشت می‌شود. به این مسئله، آتش‌سوزی‌های مکرر را نیز باید اضافه کرد که موجب تخریب سریع‌تر آن شده است. «در گذشته‌ای نه چندان دور، حدود یازده تا هجده درصد خاک کشور را جنگل پوشانده بود که این رقم در حال حاضر به هفت درصد کاهش یافته است».<sup>۲</sup> در سال‌های اخیر، این امر از راه ایجاد سیلاب خسارت‌های فراوانی به کشور وارد کرده است.

درباره مراتع هم باید گفت با تمام اهمیتی که مراتع در جلوگیری از جریان سیلاب‌ها و همین‌طور تولید علوفه و در نتیجه تولید گوشت قرمز، محصولات متفرقه دارویی، صنعتی و خوراکی دارد، سرعت تخریب آن‌ها از جنگل‌ها هم سریع‌تر است. شگفت آن‌که این روند تخریب در کشوری روی می‌دهد که باورهای دینی مردم، درخت و درخت‌کاری را مقدس شمرده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

حتی اگر رستاخیز به پاشود و نهالی در دست یکی از شما باشد، اگر می‌تواند آن را بکارد، باید بکارد.<sup>۳</sup>

هر که درختی بنشانند، خدا به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود، پاداش برای وی ثبت می‌کند.<sup>۴</sup>

هر که درختی بکارد، هر بار انسان یا یکی از مخلوقات خدا از آن بخورد، برای وی صدقه‌ای ثبت می‌شود.<sup>۵</sup>

## راه حل:

۱. خروج دام از جنگل: رفت و آمد بی‌رویه دام در جنگل باعث فشردگی و خرابی

۱. ر.ک: اهمیت جنگل‌ها و مراتع، سمیه ابراهیمی، نشر نگارش نوین، تهران ۱۳۹۶.

۲. همان.

۳. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه، ص ۲۶۷.

۴. همان، ص ۷۰۷.

۵. همان، ص ۵۷۱.



خاک می‌شود و آب باران به جای این‌که در خاک فرورود در سطح زمین جریان پیدا می‌کند. همچنین دانه‌هایی که بر روی زمین ریخته می‌شود نمی‌توانند رشد کنند. پوشش گیاهی را از عرصه جنگل حذف می‌کند و خاک جنگل، عریان و بدون محافظ می‌ماند. دام‌ها با جویدن پوست و ساقه‌های درخت، آن‌ها را زخمی می‌کند و زمینه‌ی نفوذ انواع آفت و بیماری‌های گیاهی را به وجود می‌آورد.

اگر بتوان برای دامداران، علوفه لازم را تأمین کرد و از طرف دیگر، دامداران را به اهمیت جنگل آگاه نمود، چون آنان اعتقاد ندارند که دام، جنگل را تخریب می‌کند. راه حل آن است که اولاً: پروانه چرای دامداران را جدی گرفت. بعد جریمه‌ها را سنگین‌تر کرد. سوم این‌که مردم را به کمک طلبید یعنی مردم در تشکل‌ها و انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی و تعاونی‌ها متشکل شود و دولت از آن‌ها حمایت نماید. باد و توفان شدید، گرمای شدید، خشک‌سالی‌ها، باران‌های بسیار تند، سیلاب‌ها، عوامل طبیعی تخریب جنگل هستند.

چرای دام، حریق، قطع بی‌رویه درختان و قاچاق چوب، از عوامل انسانی، تخریب جنگل می‌باشد.

چرای دام را از طریق جرایم و مجوز و پروانه، حریق را از راه آموزش به مردم و دامداران و چوپانان و قاچاق را از طریق وضع قوانین سخت‌گیرانه برای مقابله با ثروتمندان و طمع‌کاران از یک طرف و ایجاد اشتغال برای فقیران محلی می‌توان در نظر داشت. اکنون در دنیا راه‌کاری موسوم به PES (پی. ای. اس) برای مدیریت منابع طبیعی مطرح است به طوری که هر فرد باید هزینه‌ای برای بهره‌گیری از منابع طبیعی (حتی به شکل تفریحی) بپردازد. در کشور نپال برای گذر از رودخانه از هر نفر چهار دلار عوارض می‌گیرند.

۲. صرفه‌جویی در کاغذ: دولت، در سیستم اداری خود، هر روزه میلیون‌ها تن کاغذ را هدر می‌دهد و ضررهای جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد می‌کند. یعنی یکی از جیب‌های سوراخ دولت که به هدر رفت سرمایه‌های بزرگ ملی منجر می‌شود، از راه مصرف کاغذ فراوان است. یک محاسبه‌ی سرانگشتی به ما نشان می‌دهد که هر کاغذ A۴ حدوداً ۵ گرم است و یک بسته کاغذ A۴ وزنی معادل ۲/۵ کیلوگرم دارد. یک تن



کاغذ ۴۰۰ بسته A۴ می‌شود که اگر ما در هر هفته در سال فقط ۴ بسته کاغذ A۴ در سازمان خودمان مصرف کنیم در یک سال ۱۵ درخت را قطع کرده‌ایم؛ یعنی برای تولید یک تن کاغذ ۱۵ درخت تنومند و کهن باید قطع شود. نیاز کاغذ در کشور ما سالانه حدود ۳۷۰ هزار تُن است که تنها هزار تُن آن در داخل تولید می‌شود و ۲۷۰ هزار تُن آن از راه واردات است.<sup>۱</sup>

---

۱. ر.ک: صرفه‌جویی در مصرف چوب و کاغذ، محمدرضا هراتی، شرکت انتشارات فنی ایران، تهران ۱۳۹۰.



## ضعف در توزیع و خدمات

استفاده از یک سیستم کارآمد در توزیع و انتقال مواد و امکانات، کالاها و خدمات می‌تواند گامی در راه تحقق عدالت اجتماعی و پیش‌گیری از اتلاف وقت افراد و به کارگیری آن در جهت سازندگی باشد. با این حال، در حال حاضر در بخش توزیع و انتقال کشور، شیوه‌هایی حاکم است که کمتر در جهت بهره‌وری جامعه و افراد آن قرار دارد. به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

### الف) عرضه نامناسب و فله‌ای مواد غذایی

کشورهای پیشرفته، امروزه با برخورداری از امکانات و تولید انبوه کالاها، در فکر پیش‌گیری و به کم‌ترین حد رسانه ضایعات به هنگام عرضه هستند. آن‌ها برای تحقق این امر، به شیوه‌های نوین بسته‌بندی روی آورده‌اند و کالا و مواد غذایی تولید شده را به اندازه نیاز هر فرد یا تعداد افراد یک خانواده در بسته‌بندی‌های کوچک، متوسط و بزرگ یا به صورت عددی و دانه‌ای به مصرف‌کنندگان عرضه می‌دارند. در کشور ما، فرهنگ بسته‌بندی مناسب برای عرضه کالا به ویژه برای مواد غذایی کمتر دیده می‌شود و بیشتر به صورت فله‌ای، جعبه‌ای و کیسه‌ای است. نتیجه این نوع عرضه، افزایش میزان ضایعات مواد غذایی خواهد بود. البته عرضه نامناسب مواد غذایی، نه تنها در بخش مصارف داخلی، که در بخش صادرات کشور نیز قابل ملاحظه است؛ به گونه‌ای که کشورهای خریدار محصولات غذایی ایران مانند پسته و زعفران، با بسته‌بندی مناسب، آن را با قیمت بالاتر و حتی چندین برابر قیمت محصولات ایران به بازارهای جهانی روانه می‌کنند.

### ب) عرضه نامناسب آب بهداشتی

آب، هدیه مبارک الهی است که طراوت و تازگی طبیعت را به ارمغان می‌آورد. درباره

اهمیت آن همین بس که قرآن کریم آن را مایه حیات می‌داند: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم). (انبیاء: ۳۰).

با توجه به نقش حیاتی آب و اهمیت آن در توسعه و هزینه‌هایی که برای کشف، جمع‌آوری، تصفیه، انتقال و مراقبت از آن انجام می‌شود، متأسفانه شیوه عرضه آن، به ویژه در نقاط شهری با اسراف و اتلاف همراه است. این در حالی است که امروزه کشورهای پیشرفته و پر آب جهان، به دلیل اهمیت آب سالم و کمبود آن، از شیوه‌های جدیدی بهره می‌گیرند که از آن جمله، عرضه آب در بطری‌های یک لیتری و جدا کردن آب شرب از آب‌های مصرفی است. کشورهای پیشرفته، انواع گوناگونی از سامانه‌های توزیع آب را برای شرب، شست‌وشو، آبیاری فضای سبز یا کارهای ساختمانی در شهرها عرضه می‌کنند. در مقابل، در ایران که با محدودیت آب روبه‌رو هستیم، فقط از یک سامانه عرضه آب، آن هم به صورت لوله‌کشی به منازل شهری و روستایی بهره گرفته می‌شود. در نتیجه، ۸۵ درصد این کالای گران‌بها در سرویس و فضای سبز منازل مصرف یا از طریق شست‌وشو به فاضلاب تبدیل می‌شود.

جای بسی تأسف است که این‌گونه عرضه آب در کشوری صورت می‌گیرد که رهبر فقید آن به استفاده صحیح از آب پای‌بند بود. در این جاقط به ذکر یک خاطره از آن بزرگوار بسنده می‌کنم. آقای سید رحیم میریان نقل می‌کند:

روزی در حال آب دادن به باغچه بودم که امام فرمود: «این آب خوردن نباشد.» گفتم: «نه آقا جان، این آبی است که از چاه می‌آید.» گفتند: «آب چاهی نباشد که مردم از آن استفاده می‌کنند.» گفتم: «خیر، آب چاهی است و مخصوص همین جاست و برای درختان همین جا کنده‌اند.» روز دیگر آمد و فرمود: «حاجی خیلی از این آب استفاده می‌کنی.» من تعجب کردم که می‌گوید از آبی که کسی از آن مصرف نمی‌کند، زیاد استفاده نکنید.<sup>۱</sup>

### ج) شیوه نامناسب عرضه خدمات

مشکلات نظام توزیع در کشور، تنها به عرضه نامناسب کالا محدود نیست، بلکه

۱. غلام‌علی رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۱۰۵.





مشمول عرضه خدمات نیز می‌شود و بخشی از آن به ناکارایی ساختار اداری بازمی‌گردد. هر سال فرصت‌های فراوانی از اوقات مفید و سازنده مردم در مراجعه به اداره‌ها به هدر می‌رود. در سال‌های اخیر، تلاش شده با بهره‌گیری از پست، از حجم رفت و آمدهای اداری کاسته شود، ولی خدمت‌رسانی به دلیل گستردگی پست‌های سازمانی اداره‌ها، کمبود نیروهای فنی و تخصصی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری، هنوز به سطح بالای کارایی و اثربخشی نرسیده است.

مشکل دیگر در این حیطة، به تمرکز مراکز خدماتی در مراکز استان‌های کشور مربوط است. در این زمینه هم تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است تا بسیاری از اختیارات به مسئولان محلی و منطقه‌ای سپرده شود، ولی هنوز افرادی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، برای دریافت خدمات بهینه، از جمله خدمات بهداشتی، درمانی و فرهنگی مجبور می‌شوند مسافت‌های طولانی را با هزینه‌های گزاف بپیمایند و به مراکز استان و شهرهای بزرگ بروند.

در کنار این مسائل، باید به تجمع افراد تحصیل‌کرده و متخصص مانند: پزشک، مهندس، معلم و پرستار در مراکز استان‌ها، به ویژه پایتخت اشاره کرد. باعث تأسف این‌که گاه این افراد به دلایل متفاوتی، به حرفه‌ای غیر از تخصص خود اشتغال دارند. جاذبه‌هایی هم که برای عزیمت این افراد به مناطق محروم ایجاد شده، چندان رغبتی در آن‌ها به وجود نیاروده است. این در حالی است که همواره مسئولان مناطق محروم و دورافتاده از کمبود نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده در مناطق خود گلایه‌مند هستند و برای برطرف ساختن نیاز خود، مجبورند از نیروهای بومی بهره‌بگیرند. اینان نیز به دلیل نداشتن تخصص در آن امور، سطح بهره‌وری را در حوزه خدمت خود کاهش می‌دهند.

## د) عرضه نامناسب سوخت

عرضه ارزان و نامناسب سوخت، یکی دیگر از مشکلات سامانه توزیع در کشور است. در این میان، مشکل بنزین و گازوئیل شدید است، به گونه‌ای که جهت عرضه ارزان سوخت در کشور، هر ساله چند میلیون لیتر سوخت از کشور قاچاق شده و برای نمونه در کشوری مانند افغانستان به قیمت بالاتر فروخته می‌شود».

ارزانی سوخت در کشور، همچنین سبب استفاده بیش از حد خودروها در امور شهری و آمد و شدهای آن شده است، چنان‌که مردم برای انجام دادن کوچک‌ترین کارشان مانند خرید نان و میوه، ترجیح می‌دهند از خودرو شخصی استفاده کنند. این مسئله نه تنها موجب مصرف بیش از حد بنزین، که موجب آلودگی محیط زیست نیز می‌شود. از جمله نمودهای دیگر عرضه نامناسب سوخت در کشور، هدر دادن سالانه میلیون‌ها لیتر بنزین و گازوئیل بر اثر بی‌مبالاتی و بی‌تعهدی برخی کارکنان و مسئولان پمپ بنزین‌هاست. که در نتیجه، تبخیر یا آتش‌سوزی را در پیش دارد. جالب این‌که تمام این حوادث، در کشوری رخ می‌دهد که تصمیم دارد جهت بهره‌وری و توسعه گام بردارد و سالانه میلیون‌ها دلار یارانه برای سوخت می‌پردازد. در کشورهای اروپایی که منابع انرژی و سوخت محدودی دارند، بخش سوخت، از بخش‌های درآمدزا شمرده می‌شود. چون مالیات قابل توجهی می‌گیرند. همچنین ژاپن و اتحادیه اروپا نیز از این بابت به ترتیب دو و سه برابر کل درآمد اوپک از صادرات نفت درآمد داشته‌اند. در مقابل، در ایران، روزانه چند میلیون لیتر بنزین فقط در راه‌بندان‌ها مصرف می‌شود.

### ه) شیوه نامناسب حمل و نقل

از مشکلات دیگر بخش توزیع، حمل و انتقال کالاهای تولیدشده و مواد اولیه از مراکز تولید به بازارهای مصرف است که گاه به دلیل محدودیت امکانات، کیفیت حمل و انتقال نیز پایین است. به ویژه این مسئله در انتقال آب، انرژی، مواد اولیه و میوه، نمود بیشتری دارد؛ فی‌المثل در بخش کشاورزی آب در نهرهای خاکی هدررفت زیادی دارد. در آب شرب هم به دلیل فرسودگی لوله‌ها و تأسیسات آب، هدررفت زیاد است.



## بی‌نظمی

بی‌نظمی، روزنه و آفت دیگری است که سرمایه‌های فراوانی را به نابودی می‌کشاند و اجازه نمی‌دهد کارها به موفقیت برسند. کسانی که در خانواده، رشته تحصیلی و کسب و کار خود، نظم و انضباط ندارند به موفقیت نمی‌رسند و استعدادها و سرمایه‌های زیادی را هدر می‌دهند.

آسیب‌های بی‌نظمی، فراوان است، بعضی از آن‌ها را یادآوری می‌کنم:

۱. بی‌نظمی، باعث می‌شود کاری را با وقت و سرمایه بیشتر انجام دهیم؛ یعنی کاری را که افراد منظم در یک روز و با کیفیت، انجام می‌دهند، یک فرد بی‌نظم همان کار را در چند روز و با کیفیت پایین‌تر، تمام کند.

۲. بی‌نظمی، اعتماد به نفس را از انسان می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد تا مراحل دیگر کار و زندگی را با موفقیت و مطمئن انجام دهیم.

۳. لذت بردن از کار، اصل مهمی است که به پیشرفت کمک می‌کند، بی‌نظمی باعث می‌شود که انسان، طعم این لذت را نچشد.

۴. بی‌نظمی، موجب سستی در اراده هم می‌شود و قدرت و انرژی ادامه کار را از انسان می‌گیرد.

۵. عجله و هیجان‌زدگی، خوب نیست، بی‌نظمی این عجله و شتاب و هیجان بیهوده را در کار وارد می‌کند.

۶. در اثر بی‌نظمی، کم‌کم در روحیه انسان، صفاتی مثل پرخاشگری، دروغ‌گویی، زودرنجی و بی‌ارادگی به وجود می‌آید.

آثار ناگوار بی‌نظمی، بیشتر از این‌هاست. هر کس می‌تواند با تأمل در این آثار زیان‌بار، به اهمیت نظم پی ببرد و در مسیر موفقیت بیفتد. مطالعه‌ی سرگذشت دانشمندان، کارآفرینان، تولیدکنندگان، ورزشکاران و دیگر افراد موفق به ما نشان می‌دهد که نظم و انضباط تا چه حد در زندگی و موفقیت آنان، نقش داشته است. در سرگذشت زندگی بعضی از افراد موفق آمده است که آن‌ها به قدری، منظم بوده‌اند که مردم، ساعت‌های

خود را با رفتارهای آنان، تنظیم کرده‌اند؛ مثلاً هرگاه از منزل خارج یا وارد می‌شدند، همه متوجه می‌شدند که اکنون دقیقاً ساعت چند است.

زمان ورود و خروجشان به منزل، غذا خوردن، استراحت و بقیه کارها به قدری منظم است که مثل یک ساعت، دقیق کار می‌کند.

نظم، نشان شادی و امید در وجود یک فرد است و باعث می‌شود فشار روانی و سردرگمی از او به دور باشد؛ به همین سبب، کارها و رفتارهایش اثربخش‌تر و کارآمدتر باشد و افکار گوناگونش از یک طبقه‌بندی خاص برخوردار گردد و پله‌های رشد و پیشرفت را به راحتی طی کند و شادمانی او بیشتر شود. اساساً هر انسانی که به کارها و رفتارهای یک فرد منظم نگاه می‌کند، شادمان می‌شود و برعکس، یک فرد نامنظم، روحیه ما را افسرده می‌سازد.

در مدیریت خانواده و به صورت کلان‌تر، مدیریت یک کشور توسط دولت، نظم، نقش کلیدی دارد. اگر دولت در سیاست‌گذاری‌ها منظم نباشد و در دخل و خرج و بودجه‌بندی، نظم را رعایت نکند، به هیچ وجه، موفق نخواهد بود. نظم قابل تحسینی که دولت‌های موفق و پیشرفته غیرمسلمان دارند، حاکی از آن است که آنان دستورهای دینی و عقلی و قرآنی را بهتر رعایت کرده‌اند. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در یکی از رهنمودهای خود در واپسین روزهای عمرش می‌فرماید:

«نکند غیرمسلمانان در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند».<sup>۱</sup>

اکنون شاهدیم که این پیش‌بینی مسلمانان، محقق شده و غیرمسلمانان در عمل به قرآن، از ما جلو زده‌اند؛ نمونه‌اش همین نظم و انضباطی است که آنان در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دارند.

برای نمونه، آنان در بودجه‌ریزی، بدون این‌که تحت تأثیر افراد خاص قرار بگیرند و بدون هیچ‌گونه مصلحت‌سنجی، اولویت‌های کشورهای کشور را در نظر می‌گیرند و سهم تولید و تجارت، بهداشت و امنیت، خدمات و کارمندان و مستمیری بگیران و همه‌ی جنبه‌های دیگر را با واقعیت‌های خود تطبیق می‌دهند و فقط نظم و انضباط

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ».



بودجه‌ای را در نظر می‌گیرند. همین نظم، آنان را از ابعاد دیگر هم منظم می‌کند و جهت‌گیری‌های‌شان را هدف‌دار می‌نماید.

## نظم چیست؟

نظم چیست؟ به معنای ترتیب، آراستگی و با برنامه بودن است. اگر کسی در امور خویش استوار نباشد، گفته می‌شود: آموزش نظام ندارد. مجموعه عالم، یک نظام بزرگ تشکیلاتی است که تحت حاکمیت خداوند قرار دارد و کم‌ترین، از هم‌ریختگی و نابسامانی در آن وجود ندارد. اگر میزان و قانون از عالم بزرگ برچیده شود راه فنا و نابودی پیش می‌گیرد و اگر زندگی شما هم فاقد نظم و میزان باشد رو به فنا خواهید رفت. وفاداری و عمل به قانون و به دیگر عبارات نظم‌مداری، راه دوری از تنش و برخوردهای بشری است.

## عوامل مؤثر در نظم

چه عواملی رفتارهای فردی، شغلی و اجتماعی ما را به نظم در می‌آورد؟ به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱. هدف:

میان نظم و هدف ارتباط مستقیم برقرار است و بدون آن نظم حاصل نمی‌شود، هدف، اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده رفتار، گفتار، شخصیت انسان است. از این‌رو کارهای بزرگ از هدف‌های بلند به جای می‌ماند.

افراد و صاحبان کسب و کارها و مدیرانی که بدون چشم‌انداز مشخصی روزگار می‌گذرانند و بدون در نظر گرفتن آرمانی نیازها را پاسخ می‌گویند و امکانات را به کار می‌گیرند، علاوه بر صرف هزینه‌های فراوان موفقیتی را تجربه نمی‌کنند.

### ۲. برنامه‌ریزی:

برنامه‌ریزی شناسایی مسیر حرکت و تهیه نقشه آن است و از شمار مؤلفه‌های نظم می‌باشد. با برنامه‌ریزی می‌توان گام‌های بلند، استوار در مسیر برداشت، زمان رسیدن

به هدف را کوتاه نمود و ضریب امنیت آن را بالا برد و از سستی، لغزش، دوباره‌کاری، بی‌نظمی و غم و اندوه دوری جست.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس از برنامه‌ریزی دست کشید، دچار گرفتاری می‌شود».

هر فعالیت برنامه‌دار بشری از کوچک‌ترین امور فردی تا کلان‌ترین امور اجتماعی و کسب و کار نیازمند شروطی است:

الف- عملیاتی نمودن کارها و تقسیم آن میان وظیفه‌های گوناگون

ب- ایجاد سازگاری و سازماندهی بخش‌های تقسیم‌شده به گونه‌ای که امکان انجام صحیح کار را فراهم آورد.

ج- ژرف‌بینی و دوراندیشی

ه- توکل

۳. رهبری و مدیریت:

هیچ جامعه و سازمانی و کسب و کاری بدون نظام مدیریتی نمی‌تواند به کمال خویش دست یابد. مدیر جامعه و یا هر مؤسسه کوچک و بزرگی عامل مهم نظم و پایداری آن می‌باشد. تأثیر مدیر و رهبر بر جامعه آن‌سان است که می‌توان تغییر رفتار مردم و زمانه را برآیند مدیریت حاکم دانست.

مدیر شایسته نیازمند ویژگی‌هایی است که از این میان می‌توان به: بصیرت، بینش سیاسی، وفق و مدارا، شرح صدر، حسن خلق، قاطعیت، انتقادپذیری، تغافل، امید و استقامت اشاره کرد.

### فایده‌های نظم:

رعایت نظم آثار و فواید بسیار زیادی دارد که می‌توان به چند مورد آن‌ها اشاره کرد:

الف- سرعت و اتقان:

با رعایت نظم آشفته‌گی و درهم‌ریختگی برچیده می‌شود و در نتیجه سرعت و اتقان کار بالا می‌رود. وقتی کارها منظم نباشد، انسان دچار پراکندگی، عدم تمرکز و دوباره‌کاری می‌شود، همین‌ها جلوی سرعت کار و اتقان و محکمی آن را می‌گیرد. بنابراین یکی از



فایده‌های نظم این است که با دادن تمرکز و ثانی، سرعت را به ارمغان می‌آورد.

### ب- آرامش:

نظم بسترهای فشارروحي را از بين می‌برد و زمینه آرامش فکر و روان را فراهم می‌آورد. آدم‌های بی‌نظم، آرامش روانی ندارند و معمولاً در حالت پریشانی و سردرگمی به سر می‌برند از کار خود، لذت نمی‌برند و اضطراب دارند. در مقابل، آدم‌های منظم، در زندگی آرامش دارند، چون ابتدا و انتهای کار، اهداف و امکانات را به خوبی می‌شناسند و ترس و اضطراب و واهمه‌ای ندارند.

### ج- بالا رفتن روحیه و افزایش کیفیت:

نظم زمینه‌ساز تقویت روحیه و در نتیجه افزایش بهره‌وری می‌شود. از آن جا که نظم، دل‌پذیر و مورد تأیید فطرت آدمی است، روحیه را بالا می‌برد و موجب افزایش کیفیت در همه عرصه‌های خصوصی و اجتماعی می‌شود. انسان‌های منظم، کارها را کیفی‌تر و دقیق‌تر انجام می‌دهند. در سازمان‌ها، مدیرانی که به کیفیت کار می‌اندیشند نظم را سرلوحه خود قرار می‌دهند، به ورود و خروج کارمندان، نظافت، نحوه چینش کالاها، مبیل و صندلی و میز کار اهمیت می‌دهند.



## بی‌مبالاتی در مصرف

مصرف بی‌رویه، همان اسراف است؛ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مصرف بی‌رویه شامل هر مصرفی است که بیش از حد کفایت باشد».<sup>۱</sup>

مصرف درست و به اندازه، پشتوانه بزرگی برای اقتصاد هر کشور و ملتی است. این مهم می‌تواند از کوچک‌ترین هسته جامعه؛ یعنی خانواده آغاز شود و به کل جامعه تعمیم یابد. متأسفانه در کشور ما با وجود تأکید تعالیم دینی بر مصرف بهینه و مزایای اقتصادی و معنوی آن، در عمل، هم در خانواده و هم در اجتماع، کمتر شاهد نمونه‌های عملی آن هستیم. در این جا به بعضی از موارد مصرف‌های بی‌رویه اشاره می‌کنیم:

### ۱. خرید فله‌ای و انبوه مواد غذایی

برخی از مردم، عادت کرده‌اند که نیازمندی‌های خود، به ویژه نیازهای خوراکی را به صورت فله‌ای و انبوه بدون بسته‌بندی تهیه کنند. شاید این مسئله از عرضه مواد به شکل فله‌ای سرچشمه بگیرد. حتی بعضی‌ها خریدهای فله‌ای و انبوه را برای تفاخر و دست‌ودل‌باز نشان دادن خود انجام می‌دهند و خریدهای به اندازه و کم را به خسیس بودن تعبیر می‌کنند.

خریدهای انبوه و فله‌ای، می‌تواند دست‌کم به سه شکل برای خانواده مشکل‌ساز باشد: نخست آنکه موجب راکد ماندن سرمایه خانواده می‌شود. دوم اینکه به مرور زمان، بسیاری از مواد خوراکی، کیفیت اولیه خود را از دست می‌دهند و چه بسا فاسد شوند که پس از مصرف، موجب بیماری می‌شوند و آن‌ها را باید دور ریخت. سوم آنکه فضای خانه را می‌گیرند و افراد به فضاهایی همچون زیرزمین و انباری نیاز پیدا می‌کنند.

### ۲. اسراف در پذیرایی‌ها و پخت و پز

نوع دیگر مصرف نامناسب در جامعه، اسراف در پذیرایی‌ها و پخت و پز در

۱. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۴، ص ۲۳۱.





مهمی‌مانی‌هاست. در برخی از این مجالس، با غذاها و میوه‌های متنوع و گران‌قیمت در تالارها و رستوران‌ها از میهمانان پذیرایی می‌کنند، در حالی که با هزینه کمتر می‌توان این کار را در خانه انجام داد. همچنین زمانی که بعضی از هم‌وطنان در خانه از میهمانان پذیرایی می‌کنند، عادت دارند برای نشان دادن دست و دل‌بازی خود، بیش از اندازه و چند نوع غذا بپزند که به اندازه چند وعده غذایی می‌شود. البته بسیاری از این غذاها که با هزینه فراوان تهیه شده است، پس از رفتن میهمانان، بدون اینکه حتی دستی به آن‌ها خورده شده باشد، روانه زباله‌دانی می‌شوند. اسلام قرآن مجید در این باره می‌فرماید: **وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ** و بخورید و بیاشامید، و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد. (اعراف: ۳۱).

از دیگر جلوه‌های اسراف در مواد غذایی، پرهیز از غذاهای مانده است. برخی افراد از غذاهای تهیه‌شده تنها یک بار استفاده می‌کنند و اضافه آن را دور می‌ریزند. همچنین اگر همراه خانواده برای صرف غذا به رستوران می‌روند، غذاهای اضافی را بدون استفاده رها می‌کنند. متأسفانه هنوز این فرهنگ در کشور ما فراگیر نشده است که در این گونه موارد، از مهماندار بخواهند ظرفی مناسب بیاورد تا باقی مانده غذا را به خانه ببرند و در فرصت مناسب از آن استفاده کنند. این در حالی است که در اسلام، حتی دور ریختن آب زیاد آمده از مصرف یا هسته میوه، اسراف شمرده شده است، چنان‌که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«ملموس‌ترین مصداق مصرف بی‌رویه این است که انسان از آب زیاد آمده از نوشیدن، استفاده بهینه نکند... و هسته میوه‌ها را دور افکند».<sup>۱</sup>

همین‌طور آورده‌اند: «روزی امام رضا (علیه السلام) دید یکی از غلامانش، میوه‌هایی را چید برخی از آن‌ها را خورد و کمی را دور انداخت. آن حضرت فرمود: سبحان الله، اگر شما مستغنی شده‌اید، دیگران مستغنی نیستند. آن را به کسی که محتاج باشد، بخورانید».<sup>۲</sup>

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۹۶.

۲. محمدباقر مجلسی، حلیة المتقین، ص ۹۵.

بنابراین، بهتر است خانواده‌های محترم به جای مصرف بی‌رویه، اعتدال را پیشه سازند و هزینه‌های اضافی را کریمانه صرف اداره نیازمندان کنند.

### ۳. استفاده نادرست از پوشاک

استفاده نادرست از پوشاک، از دیگر مشکلات بخش مصرف است. بعضی از لباس خود بهینه استفاده نمی‌کنند. لباس میهمانی، خانه و کار برای آن‌ها فرقی ندارد. حتی هنگام خواب حاضر نیستند لباس گران‌قیمت خود را عوض کنند. به یقین، وقتی با لباس با کیفیتی چند مدتی بخورند، بخوابند و کار و نظافت کنند، جلوه ظاهری خود را از دست می‌دهد و غیرقابل مصرف می‌شود. برای مثال، جوانی که با لباس فاخر خود ماشین بشوید یا موتور تعمیر کند، لباس به محض تماس با روغن یا آب کثیف، لکه‌دار می‌شود و کیفیت خود را از دست می‌دهد. اگر با آن ورزش هم بکند، ممکن است در برخورد به زمین پاره شود و کارایی خود را از دست بدهد. همین‌گونه است وضعیت خانم خانه‌داری که بخواهد با لباس ارزشمند خود به کار پاکیزگی و آشپزی و دیگر کارهای روزانه خانه پردازد این‌گونه رفتارها مصداق اسراف است. در هر صورت، بنا به فرموده امام صادق (علیه السلام): «ملموس‌ترین مصداق مصرف بی‌رویه این است که... لباس پذیرایی را همه جا بپوشد».<sup>۱</sup>

جالب اینکه خود امام صادق (علیه السلام) در استفاده از پوشاک دقت داشت، داود رقی می‌گوید: در یکی از سفرها با امام صادق (علیه السلام) به محل «ینبع» در نزدیکی مدینه رسیدیم. چون حضرت از خانه خارج شد، کفش قرمز رنگی را به پای ایشان دیدم. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این چه کفشی است که به پا کرده‌اید؟ فرمود: «این کفش را برای این سفر برگزیده‌ام؛ زیرا در برابر گِل و باران بیشتر دوام دارد».<sup>۲</sup>

مسئله دیگر در مورد لباس، این است که برخی افراد به پیروی از مُد، از لباس تنها در مدت زمان کوتاهی استفاده می‌کنند و ممکن است در یک مجلس جشن، پی‌درپی لباس عوض کنند. بسیاری کسانانی که با تغییر مدل، جنس و رنگ لباس‌ها در کوتاه‌مدت، از

۱. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۹۶.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۲.



پوشیدن لباس‌های پیشین احساس شرم می‌کنند. این مسئله به ویژه درباره خانم‌ها بیشتر صدق می‌کند؛ به گونه‌ای که در برخی مجالس، خانم‌ها چمدانی از لباس با خود حمل می‌کنند تا در هر ساعت لباس خاصی بپوشند و به آن مباحثات کنند؛ در حالی که مباحثات به لباس در اسلام به شدت نهی شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هر کس جامه‌ای بپوشد که بدان مباحثات کند و مردم بدو بنگرند، خدا به او نگاه نکند تا آن لباس را بکند.<sup>۱</sup>

این‌گونه استفاده از پوشاک، مشکلات اقتصادی برای خانواده‌ها به بار می‌آورد، موجب گسترش مصرف‌گرایی در جامعه می‌شود و بر فقر و مشکلات اقتصادی جامعه می‌افزاید، چنان‌که امام علی (علیه السلام)، مصرف بی‌رویه را از عوامل فقر می‌داند: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْاِسْرَافُ؛ یکی از عوامل فقر، مصرف بی‌رویه است».<sup>۲</sup>

بنابراین، بهتر است در استفاده از پوشاک، میانه‌روی کنیم که از نشانه‌های پرهیزکاری شمرده شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«پرهیزکاران، در دنیا دارای فضیلت برترند؛ سخنانشان راست، پوشش آنان در حد میانه و راه رفتنشان با فروتنی است».<sup>۳</sup>

#### ۴. مدگرایی

مدگرایی در آرایش لوازم خانه، یکی دیگر از جلوه‌های سوء مصرف در جامعه است. برخی از مردم که به پیروی از مُد علاقه‌مندند، تمامی لوازم خانه را از اجناسی انتخاب می‌کنند که به اصطلاح مد روز باشد. متأسفانه این خرج‌های کمرشکن، تنها به قشر خاصی مربوط نمی‌شود، بلکه در بین همه اقشار جامعه، کم و بیش وجود دارد. حتی گاه دیده می‌شود که افراد مستضعف، تحت تأثیر دیگران، برای عقب‌نماندن از قافله مُد، به طور قسطی لوازم می‌خرند که هزینه فراوانی دارد و مشکلات مالی فراوانی برای آنان پیش می‌آورد.

به هر حال، زیاده‌روی در اسلام، نکوهیده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «...»

۱. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۵۶۷.

۲. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.



مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أَسْرَفَ؛ هر کس نابه‌جا مال و امکانات را هزینه کند، اسراف کرده است.<sup>۱</sup>

این سرمایه‌ها، زمان‌ها و افکار، می‌تواند به جای هدر رفتن، در راه‌های مناسب‌تر و اهداف معقول‌تر به کار گرفته شود و روزی که از نعمت‌ها پرسیده می‌شود، موجب رستگار گردد: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ پس در همان روز که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهد شد. (تکواثر: ۸)

### ۵. مصرف بی‌رویه کالاهای بیگانه

مصرف کالاهای بیگانه و ترجیح آن بر فرآورده‌های داخلی، از دیگر مشکلات بخش مصرف به شمار می‌آید و همانند یک بیماری، فراگیر شده است. بسیاری از مردم برای خرید کالاهای بیگانه، حتی کالاهای بُنجل و به درد نخور آن‌ها، با یکدیگر رقابت می‌کنند. جالب این‌که، این خریدها، از کوچک‌ترین وسایل زینتی و آرایشی گرفته، تا بزرگ‌ترین لوازم صنعتی را در بر می‌گیرد. بازار گرم کالاهای خارجی در داخل، موجب شده است حتی عده‌ای به کارهای غیرقانونی و قاچاق این کالاها به کشور روی آورند.

توجه به مُد، تجمل و بهترین‌های خارجی در مصرف داخلی، افزون بر اینکه دهن کجی و توهین به تولید داخلی است، موجب رکود بازار و تولید داخلی می‌شود و سود سرشاری را به جیب شرکت‌های خارجی سرازیر می‌سازد که می‌کوشند ریشه جامعه ارزشی ما را از بیخ و بن برکنند. به یقین، ادامه این روند، موجب وابستگی بیشتر کشور به فرآورده‌های بیگانه می‌شود و نتیجه‌ای جز سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانه نخواهد داشت. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«جامعه اسلامی تا زمانی که الگوی مصرف بیگانگان را تقلید نکند، در مسیر سعادت و نیک‌بختی است، ولی آن‌گاه که به شیوه بی‌دینان لباس بپوشد و خوراک خورد، به خواری می‌افتد.»<sup>۲</sup>

۱. محمد رضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۵.



## ۶. تولید نامتعارف زباله

هرچند تولید زباله از سوی انسان امری اجتناب‌ناپذیر است، اما وجود الگوی نامناسب مصرف در کشور، موجب شده است تا تولید زباله در ایران بیش از حد متعارف باشد. بر اساس آمارهای موجود «در ایران سالانه پنجاه هزار تن زباله تولید می‌شود و متأسفانه به دلیل ضعف فرهنگ بازیافت و تفکیک نشدن زباله از مبدأ، بازیافت تمام اقلام خشک پسماند، عملی نیست و از پنجاه هزار تن زباله، فقط حدود ۱۰ درصد آن بازیافت می‌شود.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از زباله‌ها به صورت نخاله ساختمانی است که بازیافت‌ناپذیرند و فضای زیادی را اشغال و چهره طبیعت را نازیبا می‌کنند.

## ۷. مصرف بی‌رویه دارو

مصرف دارو برای درمان دردها لازم است، ولی در کشور ما، همانند مصرف مواد غذایی از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند و بی‌رویه مصرف می‌شود. حتی شاید بتوان گفت خود مصرف بی‌رویه دارو، موجب ایجاد درد دیگری می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «چه بسا دارویی که دردی را به بار آورد»؛<sup>۲</sup> زیرا در برخی موارد، افراد برای تسکین دردهای خود، به طور سرخود، انواع داروها را می‌خورند.

در حال حاضر، مصرف داروهای مجاز در ایران بیش از ۱/۵ برابر استاندارد جهانی است. جالب اینکه در این برآورد، در هر نسخه پزشکی، پنج قلم دارو در نظر گرفته شده است، در حالی که بسیاری از پزشکان بیش از این مقدار دارو تجویز می‌کنند. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد که در بسیاری از مناطق کشور، بیماران ترجیح می‌دهند نزد پزشکی بروند که چندین قلم دارو تجویز می‌کند. آن‌ها حتی بر تجویز داروهای تریقی تأکید دارند و ملاک انتخاب پزشک برای آن‌ها، میزان تجویز داروست. این در حالی است که دارو، سرمایه ملی کشور است و تجویز بیش از نیاز آن، موجب می‌شود این سرمایه ملی در خانه‌ها انبار و سپس دور ریخته شود.

۱. روزنامه اطلاعات ۴ آبان ۱۴۰۰.

۲. سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه و شرح غررالحمک و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ج ۱، ص ۴۱۰.

از این‌رو، برای حفظ این سرمایه ملی بهتر است سازمان‌های مسئول، مانند سازمان‌های نظام پزشکی و وزارت بهداشت و درمان، در پیش‌گیری از تجویز داروهای غیرضروری در نسخه‌های پزشکی، اقدام اساسی انجام دهند. همچنین باید به مردم آموزش داده شود به طور کامل از داروها استفاده کنند و داروهای اضافی خود را پیش از گذشت تاریخ مصرف آن، به سازمان‌های مسئول تحویل دهند تا در نقاط محروم کشور در اختیار بیماران نیازمند قرار داده شود.

## ۸. بی‌مبالاتی در بهره‌گیری از امکانات و اموال عمومی

وسایل، اموال و امکانات فراوانی که در اختیار افراد جامعه، سازمان‌ها و اداره‌ها گذاشته می‌شود، متعلق به عموم مردم است. از این‌رو، هم کارکنان سازمان‌ها و هم افراد جامعه باید به صورت بهینه از آن‌ها بهره‌گیرند. لازم است همان دل‌سوزی را که در مورد اموال شخصی خود دارند، در باره اموال عمومی به کار گیرند، ولی متأسفانه کسانی به دلیل ناآگاهی از مسائل دینی و حقوق شهروندی، به آن توجهی ندارند. آن‌ها حتی در مورد حفظ و نگهداری اموال خصوصی دیگران اهتمام بیشتری دارند، در حالی که حفظ اموال عمومی، از اصلی‌ترین وظایف مسلمان متعهد به شمار می‌آید.

بیشترین نمود این بی‌مبالاتی‌ها، در استفاده نامطلوب از وسایل و امکانات عمومی، نظیر اتوبوس‌ها، سرویس‌های بهداشتی، امکانات مدارس، پارک‌ها و فضاهای سبز شهری دیده می‌شود. برای مثال، در داخل شهرها کمتر اتوبوس‌نویی را می‌توان یافت که صندلی آن نشکسته، یا روکشش پاره نشده، یا واژه زشتی روی آن نوشته نشده باشد. وضعیت اتوبوس‌های کهنه و فرسوده هم معلوم است. اوج این بی‌مبالاتی‌ها در پایان بازی‌های فوتبال باشگاه‌های داخل کشور، به ویژه در تهران است که طرفداران دو تیم پرطرفدار پایتخت در پایان بازی، عقده‌های خود را با شکستن سقف، شیشه‌ها و صندلی‌های اتوبوس‌های شرکت واحد خالی می‌کنند. بدین ترتیب، عمر مفید این وسایل عمومی را که با دسترنج مردم تهیه می‌شود، به شدت کاهش می‌دهند و میلیون‌ها تومان خسارت به بیت‌المال وارد می‌سازند. حال آن‌که برخی قطعات این اتوبوس‌ها با قیمت بالا از خارج وارد می‌شود.



## ۹. مدیران مُشرف

من معتقدم که مدیر باید با تمام وجودش برای صرفه‌جویی آمادگی داشته باشد؛ یعنی خودش را به صرفه‌جویی عادت داده باشد. اگر مدیر در محاسبات خود بگوید هزار تومان چیزی نیست برای مدیر شدن مناسب نیست، چون او ممکن است روزانه صد سند را امضا کند، که اگر در هر یک هزار تومان اسراف کند، می‌شود صد هزار تومان! همین بی‌مبالاتی‌های کوچک او را عادت می‌دهد که رفته‌رفته، رقم‌های بزرگ را هم نادیده بگیرد. دور شدن از صرفه‌جویی، افتادن به چاه اسراف است. من بارها در کارخانه برای تربیت بچه‌ها خم می‌شوم و تگه‌های کوچک لاستیک را از روی زمین برمی‌دارم و در لاستیک‌ها می‌اندازم تا یاد بگیرند. شاید ده برابر آن، هزینه مایع دست‌شویی است که باید دست‌هایم را بشویم، ولی این یک فرهنگ‌سازی است و کارمندان باید بدانند اگر این لاستیک‌ها دور ریخته شوند اسراف است. چقدر کار شده است تا یک لاستیک درست شده است، نفتی که از همان ابتدا مصرف شده و شما خودتان می‌دانید که برای به دست آوردن یک قطره آن، چه زحمت‌هایی کشیده می‌شود و چقدر طول می‌کشد که آسمان و زمین دست به دست هم دهند تا یک قطره نفت به وجود آید. این خیلی مهم است و نباید ساده از کنارش رد شد. این است که قرآن می‌فرماید: «خداوند، اسرافکار را دوست نمی‌دارد».<sup>۱</sup> مسئله سر هزار تومان و صد هزار تومان نیست، یک مدیر باید بداند چقدر طبیعت زحمت کشیده تا بتواند به اندکی از کلاهای مصرفی ما دست پیدا کند.

لذا یکی از راه‌های مهم موفقیت و درس‌هایی که من در صنعت آموخته‌ام و از آن خیلی بهره‌مند شده‌ام، صرفه‌جویی است. شاید در نگاه مخاطب، خنده‌دار به نظر برسد که یک صنعت‌گر بزرگ و تاجر موفق و کارآفرین، خود را درگیر مسائل جزئی کند و به صرفه‌جویی بیندیشد، اما راز موفقیت بسیاری از کارآفرینان و افراد موفق در طول تاریخ همین صرفه‌جویی بوده است.

۱. إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (سوره‌اعراف، آیه ۳۱).



## اسراف در سازمان‌ها!

من برای سنجش مدیران خود، یک معیار دارم، که در واقع از شاه‌کلیدهاست، و آن معیار این است که دقت می‌کنم آیا کارمند من، به رقم‌های کوچک مالی اهمیت می‌دهد یا نه، آیا به نگه‌داری اجناس ریز—که شاید به چشم کسی هم نیاید—حساس است یا نه؟ اگر اهمیت بدهد من او را مدیر شایسته‌ای می‌دانم وگرنه روی او حساب نمی‌کنم. مثلاً اگر یک مدیر گفت: به حساب آوردن این حبه قند چیزی نیست، به نظر من، مدیر خوبی نیست، چون مدیری که می‌گوید هزار تومان چیزی نیست به مرور میلیون‌ها و میلیاردها را هم به حساب نمی‌آورد.





## بی‌توجهی به منابع انسانی

یکی از آفت‌ها و روزنه‌های سرمایه‌سوز در مدیریت‌های دولتی و خصوصی بی‌توجهی به منابع انسانی است. منابع انسانی مجموعه‌ای از توان‌های انسانی است که در قسمت‌های مختلف، فعالیت می‌کنند. در این جا مایلیم بعضی از روزنه‌هایی را که در منابع نیروی انسانی به وجود آمده توضیح دهیم:

### ۱. پایین بودن کارایی کارکنان اداره‌ها

کارکنان اداره‌ها، نیروهای شاغل و فعال جامعه هستند که در تولید خدمت و بهره‌وری جامعه نقش حساس و محوری دارند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کارها به وسیله کارمندان، راست و درست می‌شود.»<sup>۱</sup> البته با تمام فعالیت و پشتکاری که این افراد در صحنه اجتماع دارند، هنوز کارایی‌شان در حد مطلوب نیست. «میزان بهره‌وری در کشورهای پیشرفته، هفت ساعت کار مفید در روز است، در حالی که شاغلان ایران حداکثر یک ساعت و نیم کار مفید در روز انجام می‌دهند.»<sup>۲</sup>

«کارایی برخی افراد در محل کار، کمتر از ۲۰ درصد است و اکثر سازمان‌ها، نیروی مازاد بر نیاز دارند.»<sup>۳</sup>

این در حالی است که پیشرفت و توسعه هر کشور، در درجه اول به توان و پشتکار مردم، به ویژه نیروی فعال و از جمله کارکنان متکی است. تمام پیشرفت‌هایی نیز که نصیب کشورهای توسعه‌یافته شده، در پرتو کار و فعالیت فراوان آنان به دست آمده است. کارایی ضعیف کارمندان در کشور به دلیل کم‌کاری آنان نیست، بلکه دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. بخش عظیمی از آن، به دلیل فراوانی تعطیلات رسمی کشور و بخش دیگر به جهت ناتوانی آنان به علت نداشتن آموزش و تخصص لازم است که

۱. آمدی، غرالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲. جام جم، ش ۱۳۸۵، ۱۴۰۰/۱۲/۱۶، ص ۵.

۳. سازمان بهره‌وری ملی ایران، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دومین کنگره ملی بهره‌وری ایران، ج ۱، ص ۳۲۵.

بی‌شک، ناتوانی در هر فعالیتی، آفت آن کار است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آفت کارها، ناتوانی کارمندان است».<sup>۱</sup>

به این موارد، ضعف مدیریت، تقسیم نامناسب کار و نظارت ناکافی را باید افزود. در اداره‌ها بارها به کارمندانی بر می‌خوریم که به سبب فراوانی کار، به اصطلاح فرصت سرخاراندن ندارند، ولی پشت میز دیگری، کارمندی را می‌بینیم که بی‌کار نشسته است یا نوع کارش چنین اقتضا می‌کند.

## ۲. بی‌توجهی به سالمندان و بازنشستگان

سالمندی، موهبتی الهی است و اتاق انتظار مرگ نیست؛ بلکه عمر دیگری است در زمانی دیگر. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «به راستی که عمر (مفید) تو همان زمانی است که در آن هستی».<sup>۲</sup>

ایشان، آدمی را از ضایع کردن عمر باز می‌دارد: «از ضایع شدن عمرها در آنچه برای شما باقی نماند، بپرهیزید؛ که عمر رفته باز نمی‌گردد».<sup>۳</sup>

امروزه در جهان تلاش می‌شود از وقت، تجربه و نیروی سالمندان در بهره‌وری جامعه بیشتر بهره گرفته شود. برای مثال، در کلیساهای استرالیا، محل ویژه‌ای برای کمک به افراد نیازمند در نظر گرفته شده است که گردانندگان آن را سالمندان تشکیل می‌دهند.<sup>۴</sup> در برخی کشورها برای بهره‌گیری از وقت و نیروی سالمندان، در بیشتر شوراهای محلی، دفتر ویژه سالمندان در نظر گرفته شده است. سالمندانی که مایلند در زمینه‌های گوناگون داوطلبانه خدمت کنند، به این مراکز می‌روند. برخی از این خدمات داوطلبانه عبارت است از تدریس خصوصی در خانه‌ها، هم‌صحبتی با افراد خانواده‌ها، نگه‌داری از خانه و گیاهان افرادی که به مسافرت می‌روند، کمک به امور خانه، خانه‌داری و ده‌ها نمونه دیگر.<sup>۵</sup>

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح غرالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۹.

۳. همان.

۴. گروه بانوان نیکوکار، مجموعه مقالات سالمندی، گروه بانوان نیکوکار، ص ۶۸ و ۶۹.

۵. همان.



در کشور ما برخی سالمندان به کار و فعالیت‌هایی مانند کشاورزی مشغولند، ولی از توان و تجربه گران‌بهای بسیاری دیگر از بازنشستگان، با وجود آن‌که هنوز توانایی فعالیت در امور مختلف را دارند، بهره‌گرفته نمی‌شود. آنان بیشتر اوقات خود را در بوستان به گپ زدن با دوستان و هم‌سالان می‌گذرانند و هیچ نقشی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا نمی‌کنند؛ در حالی که در اسلام، نقش سالمند در اجتماع، نقش پیامبری است؛ چنان‌که می‌فرماید: «هر پیری در میان طایفه‌اش همچون پیامبری است در میان قومش»<sup>۱</sup>.

سالمندی، دوره‌ای سرشار از پختگی، تجربه و کمال است و به یقین، بهره‌گیری از تجربه سالمندان، راه‌گشای جامعه انسانی خواهد بود. ارزشمندی تجربه و اندیشه سالمند به گونه‌ای است که امیر سخن، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اندیشه سالمند در نظر من از تلاش جوان خوش‌آیندتر است»<sup>۲</sup>.

بنابراین، بهتر است با حرمت‌گذاری به شخصیت سالمندان، بستر مشارکت هر چه بیشتر آنان در جامعه فراهم آید تا هم جامعه از تجربه‌های ارزشمند آنان بهره‌مند شود و هم خود دچار مشکلات روحی - روانی نشوند.

همیشه حاکمان و مسئولان خردمند، رأی پیران عاقل و سنجیده را ارج می‌نهادند و در کارها از رأی و مشورت آنان، بهره‌مند می‌شدند. به داستان زیر توجه کنید:



🌸 جوانی جوای نام در دربار خسرو انوشیروان خدمت می‌کرد. این جوان از این‌که پادشاه به رأی «بزرگمهر» که وزیری پیر و سال‌خوره بود، اهمیت می‌داد، حسادت می‌ورزید. حسادت جوان به گوش شاه رسید، شاه برای این‌که جوان را آگاه کند، او و بزرگمهر را پیش خود فراخواند و گفت: شنیده‌ام امروز یک کشتی به بندرگاه ما وارد شده است از هر یک از شما می‌خواهم به طور جداگانه در این باره تحقیق کرده و نتیجه بررسی خود را به ما گزارش کنید.

هر دو، دنبال انجام مأموریت رفتند. جوان به سرعت و چالاکانه، راهی بندرگاه شد

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۷.

۲. ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۴۳، حکمت ۸۶.



و دیری نگذشت که شتابان و نفس زنان به دربار آمد و به انوشیروان گفت: کشتی مورد نظر، فوق العاده بزرگ بوده و از هندوستان آمده است. شاه پرسید: محموله کشتی چیست؟ جوان که فکر این سؤال را نکرده بود، پاسخ داد: برمی‌گردم و تحقیق می‌کنم. جوان رفت و برای بار دوم برگشت و گفت: محموله اش از انواع ادویه است. شاه پرسید: چه ادویه‌ای و از هر کدام چقدر؟ جوان ناچار برای سومین بار با شتاب، راه بندرگاه را در پیش گرفت.

در این هنگام که جوان، خسته و بی‌رمق بازمی‌گشت، بزرگمهر، همزمان به دربار رسید و این‌گونه از کشتی گزارش داد: این کشتی با این نام و در این تاریخ و از فلان بندر از هندوستان به ایران آمده و فهرست محموله آن از این قرار است (فهرست دقیق ادویه‌جات را گفت) قرار است این کشتی تا دو هفته دیگر در بندرگاه بماند و سپس با بارگیری چند قلم از فرآورده‌های صادراتی ایران به سوی هندوستان بازگردد.

در این هنگام، پادشاه رو به جوان کرد و گفت: ارزش پیران عاقل و باتجربه این است.



حافظ هم سروده است:

جوانا سر متاب از پندِ پیران      که رأی پیر، از بخت جوان به<sup>۱</sup>

### ۳. بانوان

بانوان، نیمی از جمعیت فعال هر کشور را تشکیل می‌دهند و از این جهت می‌توانند نقش مهمی در بهره‌وری جامعه ایفا کنند. بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ، نخستین وظیفه آنان در جامعه اسلامی، کار در خانه و مدیریت صحیح آن است: «[ای زنان]، هر یک از شما با کار کردن در خانه خویش، اگر خدا بخواهد، ثواب مجاهدان خواهد یافت».<sup>۲</sup>

۱. دیوان حافظ، غزل ۴۱۹.

۲. نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۳۵۷.



به گواه تاریخ، بانوان ایران اسلامی همیشه در کنار مدیریت خانه و وظیفه خطیر مادری، در صحنه‌های اجتماع، به ویژه در روستاها، مناطق عشایری و شهرها، یار و مددکار همسران خود بوده‌اند. یک تحقیقات می‌گوید: «اگر می‌خواستند برای انجام دادن کارهایی که فقط زنان در خانه انجام می‌دهند، کارگر استخدام کنند، هزینه آن چهار برابر هزینه یک خانواده می‌شد».<sup>۱</sup>

با تمام نقشی که زنان در اجتماع دارند، هنوز بسیاری از آن‌ها از وقت خود به درستی، استفاده نمی‌کنند. آنان می‌توانند با کارهای مناسب مانند مطالعه، تلاوت قرآن، فعالیت‌های هنری و دستی و قصه‌گویی برای فرزندان سرگرم شوند.

#### ۴. کودکان و نوجوانان

بهره‌وری در خانواده را نباید به فعالیت پدران و مادران محدود کرد. همه‌ی افراد خانواده، به ویژه فرزندان، باید از موضوع بهره‌وری آگاهی یابند تا از امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار دارند، مانند: دفتر، مداد، خودکار، پوشاک و امکانات خانه، مدرسه و جامعه به درستی بهره‌گیرند. همچنین اوقات فراغت خود را به ویژه در تابستان‌ها به بطالت نگذرانند و با اخلاق و روحیه خوب، محیط زندگی شادابی برای دوستان، معلمان و افراد خانواده فراهم آورند.

ما و مسئولان، در بخش آموزش بهره‌وری به کودکان و نوجوانان جامعه ضعیف عمل کرده‌ایم. آنان آموزش‌های لازم را در راه بهره‌ور ساختن خود، خانواده و جامعه‌شناسان ندیده‌اند. بهتر است بدانیم هر ساله به دلیل توجیه نبودن فرزندان و خانواده‌ها در باره بهره‌وری و مردودی برخی دانش‌آموزان، خسارت بسیار سنگینی به خانواده‌ها و بیت‌المال وارد می‌شود. بی‌شک، با توجیه این مهم، از وارد آمدن این گونه خسارت‌ها می‌توان پیش‌گیری کرد و منابع مالی را برای افزایش برنامه‌های آموزش و پرورش در مدرسه‌ها به کار گرفت.

#### ۵. جوانان و افراد تحصیل‌کرده

یکی دیگر از آفت‌ها و روزنه‌های سرمایه‌سوز در بخش نیروی انسانی، بی‌کاری

۱. مرکز ترجمه متون مدیریت، مجموعه مقالات بهره‌وری، ص ۱۷.



روزافزون جوانان تحصیل کرده جامعه است. سالانه هزاران جوان مشتاق به تحصیل، به امید زندگی بهتر وارد دانشگاه‌های سراسر کشور می‌شوند. آن‌ها با صرف هزینه‌های کلان مادی و معنوی، پس از چند سال فارغ‌التحصیل می‌شوند، ولی متأسفانه حدود نیمی از این تحصیل‌کردگان به دلیل جذب بیش از اندازه دانشگاه‌ها، نمی‌توانند جذب بازار کار شوند و از نتیجه سال‌ها زحمت و تلاش خود بهره‌گیرند. به ویژه در مناطق محروم، به دلیل کمبود امکانات در محل خدمت، ممکن است پس از چندی از تحصیلات خود صرف‌نظر کنند و در کارهای غیر تخصصی مشغول شوند یا به شغل‌های کاذب درآمدزا بپردازند. این جوانان که سال‌ها دسترنج خانواده‌ها و همین‌طور اوقات ارزشمند جوانی خود را صرف تحصیل کرده‌اند، گاه نقش کاخ رؤیایی را که در ذهن خود از دانشگاه و تحصیل ساخته بودند، یک‌باره بر آب می‌بینند. به همین دلیل، دچار انواع مشکلات روحی-روانی می‌شوند و این سرآغاز مشکلات خود، خانواده و جامعه‌شناسان است. با برنامه‌ریزی بهتر، می‌توان از استعداد و توانایی این نیروها در راه تولید و سازندگی جامعه بهره‌گرفت.

## ۶. ضعف‌کردانی

امروزه ثابت شده که کمیت و کیفیت مورد انتظار، در بهره‌وری فعالیت‌ها تابع سرعت و درستی انجام کارهاست. هرچه فعالیت‌ها با سرعت و درستی مطلوب‌تری انجام گیرد، بازده مطلوب‌تری به همراه خواهد داشت. البته این سرعت و درستی، تابع دانش و سطح مهارت‌هاست. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هرگاه خواستید به دانش، سودمند آراسته گردید، بدان عمل کنید...»<sup>۱</sup>.

با وجود پیشرفت‌های کشور و کوتاه شدن دست کارشناسان بیگانه از اداره امور، هنوز بسیاری از امور کشور را افراد نامتخصص اداره می‌کنند. بسیاری از افراد نیز خود را در اموری که هیچ سررشته‌ای از آن ندارند، متخصص می‌دانند و در آن اظهارنظر می‌کنند یا می‌کوشند آن را انجام دهند. همین مسئله موجب کاهش بهره‌وری در امور شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ص ۲۰۹.



«هر که ندانسته، کاری را انجام دهد، خراب کردنش از درست کردنش بیشتر است.»<sup>۱</sup> امام علی (علیه السلام) هم فرموده است:  
«کسی که از روی نادانی کار کند، همچون کسی است که به بی‌راهه می‌رود و هر چه در رفتن بیشتر تلاش کند، از هدف دورتر می‌شود».<sup>۲</sup>

## ۷. کیفیت اشتغال

از روزه‌های دیگر در بخش نیروی انسانی، کیفیت اشتغال است؛ یعنی بیشتر جمعیت، مصرف‌کننده صرف هستند و در تولید نقشی ندارند. آمار جمعیت جوان کشور، مطلوب و قابل توجه است، از این جمعیت جوان، تعداد اندکی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نقش دارند و بقیه به دلیل اشتغال به تحصیل، مصرف‌کننده هستند. حال اگر بی‌کاران، سالمندان و از کارافتادگان را نیز به حساب آوریم، خواهیم دید فقط تعداد کمی از جمعیت در بهره‌وری جامعه فعال هستند.

بر اساس یک آمار «از جمعیت هشتاد و پنج میلیون نفری ایران، حدود بیست و پنج میلیون نفر نیروی کار فعال وجود دارد».<sup>۳</sup> برخی از این فعالان شغل کاذب دارند و برخی هم مانند کارگران، کشاورزان و معلمان به اقتضای شغل، در فصل‌هایی از سال فعال نیستند و بهره‌وری لازم را ندارند. این مسئله، شکل دیگری از پایین بودن بهره‌وری را در جامعه به نمایش می‌گذارد. به یقین، این‌گونه کیفیت اشتغال برای کشور مطلوب نیست.

## ۸. آفت تعطیلات

یکی دیگر از روزه‌های سرمایه‌سوز در بخش منابع نیروی انسانی، فراوانی تعطیلات رسمی و غیررسمی در مقایسه با دیگر کشورهاست. یک خانواده چهار نفری در ایران فقط یک ماه کار مفید انجام می‌دهند؛ یعنی با احتساب تعطیلی پنج‌شنبه و جمعه و تعطیلات رسمی سالانه و مرخصی یک ماهه استحقاقی از نظر روز کاری (و نه ساعت مفید) در

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۵.

۲. رسولی محلاتی، همان.

۳. سایت مرکز آمار ایران.



مقابل هر ۴ روز کاری، ۳ روز استراحت وجود دارد. فرهنگ پل زدن بین تعطیلات برای تفریح و سفر را هم باید به این مشکل اضافه کرد. این مسئله در کاهش بهره‌وری جامعه بسیار مؤثر است و با بحث‌ها و انتقادهای فراوانی در جامعه روبه‌روست.

اگرچه وجود تعطیلات فراوان در کشور ما جنبه ملی، مذهبی و رسمی دارد، ولی این موضوع نباید موجب کم‌توجهی به فرهنگ کار و کوشش و کاهش بهره‌وری در جامعه شود. از این رو، بهتر است با بهره‌گیری از نظر کارشناسان و استادان فن، در پی راه‌کارهای عملی برای کاهش تعطیلات باشیم تا جامعه با استفاده از برکات آن، به بهره‌وری برسد.

## ۹. فقر فرهنگ مطالعه

توسعه و بهره‌وری هر جامعه، به عوامل متعددی بستگی دارد. در این میان، مطالعه کتاب مفید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کتاب که جایگاه ویژه‌ای در توسعه دارد و تبیین‌کننده توسعه در جامعه است، می‌تواند در موفقیت معنوی نیروی انسانی هم بسیار مؤثر و مفید شمرده شود. حضرت علی (علیه السلام)، آن را بهترین تسلی دهنده معنوی می‌داند: «کسی که خود را با کتاب آرامش می‌دهد، هیچ امر خرسند و راحتی را از دست نداده است (نیازی به تسلی دادن چیز دیگری ندارد)». <sup>۱</sup> نیز از ایشان است که: «الْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ؛ کتاب‌ها، باغ‌ها و بوستان‌های دانشمندان هستند». <sup>۲</sup>

با تمام اهمیتی که فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در رشد معنوی افراد جامعه دارد، متأسفانه عطش و انگیزه «دانستن» و «مطالعه» در جامعه ما بسیار کم است. بررسی‌های مرکز آمار ایران و شورای عالی انقلاب فرهنگی در طرح آمارگیری از فرهنگ رفتاری خانوار نشان می‌دهد ایرانی‌ها حدود ۱۵ دقیقه در روز کتاب غیردرسی می‌خوانند. داده‌های آماری، آمارهای دردآور متفاوتی از کتاب‌خانه، کتاب و کتاب‌خوانان ارائه می‌دهد که بیانگر زمان بسیار کوتاه مطالعه برای هر نفر ایرانی، نبود یک جلد کتاب برای هر نفر، نبود حتی یک کتاب‌خانه در برخی شهرها، نبود کارشناس در بسیاری از کتاب‌خانه‌های دانشگاهی و مدارس، نبود کتاب‌خانه و نارسایی در بسیاری از مدارس

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. همان، ص ۲۶۴.





کشور، کمبود فضای مطالعه و مانند آن است. تعداد کتاب‌خانه‌های عمومی به ازای هر صد هزار نفر در ایران،  $\frac{1}{8}$  درصد یعنی  $\frac{1}{55}$  میانگین این رقم در کشورهای توسعه‌یافته است. تعداد کتاب‌های موجود در کتاب‌خانه‌های عمومی ایران نیز  $\frac{1}{7}$  درصد؛ یعنی  $\frac{1}{58}$  میانگین این رقم در کشورهای توسعه‌یافته بوده است.<sup>۱</sup>

این ارقام بیانگر کمبود کتاب‌خانه‌های عمومی در مقایسه با جمعیت کشور است. مسئولان فرهنگی باید در این زمینه به وظایف خود در مورد رفع این کاستی‌ها عمل کنند و از سوی دیگر، با ایجاد انگیزه مطالعه، روحیه تفکر و تعقل و دانستن را در جامعه گسترش دهند. در غیر این صورت، اگر آمار کتاب‌خانه‌ها به استانداردهای جهانی هم برسد، ولی افراد کتاب‌خوان نداشته باشیم، در کسب موفقیت‌های معنوی موفق نشده‌ایم.

با عمومی کردن فرهنگ مطالعه کتاب در برنامه‌ریزی آموزشی مدارس، توجه دادن اولیا و خانواده‌ها به اهمیت مطالعه و ترویج آن بین فرزندان، گسترش برنامه نقد کتاب در رسانه‌ها و مطبوعات و همین‌طور معرفی کتاب‌های ارزشمند و ایجاد تنوع در موضوع‌های نشر می‌توان به این هدف مهم دست یافت.

## ۱۰. ضعف در تکریم ارباب رجوع

عامل دیگری که به منابع انسانی مربوط می‌شود «تکریم ارباب رجوع» است. یعنی خدمت به مردم. اداره‌های ما گاهی به صورت موقت و مقطعی، شعار «تکریم ارباب رجوع» می‌دهند، ولی در عمل، خیلی کارآیی ندارد. یکی از علت‌های ضعف در تکریم ارباب رجوع این است که مسئولان و کارکنان اداره‌ها، منتظر راه‌کارهایی از مرکز هستند تا خود را با آن هماهنگ سازند؛ غافل از آن‌که چنین رویه‌ای بیشتر برای آمارگیری اداری مناسب است و در عمل، نمی‌تواند به کندی حرکت قطار سنگین اداری کشور پایان دهد. اگر کارمندان سازمان‌های اداری در امر خدمات‌رسانی توجیه شوند و با نیت خدمت به هم‌نوع کار کنند، بسیاری از گرفتاری‌های مردم به آسانی برطرف خواهد شد و اداره و محل کار به عبادت‌گاهی برای کارمند بدل می‌شود.

تکریم ارباب رجوع، راه‌هایی دارد که اگر هر کارمندی آن‌ها را به کار ببندد، مشکلات

۱. سایت کتاب‌خانه‌های ایران.



اداری ما حل می‌شود؛ به این راه‌ها می‌توان این‌گونه اشاره کرد:

برخورد نیکو با مردم، کیفیت خدمت، دوستانه انجام دادن کار، حاضر و در دسترس بودن در محل کار، ساده و تمیز و مرتب بودن و مانند آن. همچنین کارمند نباید با مردم رفتار طلبکارانه داشته باشد، بلکه باید آنان را ولی نعمت خود بیندارد و جایگاه خود را نعمتی از سوی خدا بداند که آن را برای برطرف ساختن نیازمندی‌های مردم و خدمت به آن‌ها قرار داده است.

این داستان که در منابع آمده جالب است:



❁ صفوان در محضر امام صادق (علیه السلام) نشسته بود. ناگهان مردی از اهالی مکه وارد شد و گرفتاری خود را شرح داد. امام صادق (علیه السلام) به صفوان فرمود: «فوری برو و برادر ایمانی خودت را در کارش یاری رسان». صفوان رفت و به فرمان امام عمل کرد و برگشت. امام پرسید: «چطور شد؟» صفوان گفت: «خداوند آن را اصلاح کرد.» امام فرمود: «بدان که همین کار به ظاهر کوچک که حاجتی از کسی برآوردی و وقت کمی از تو گرفت، از هفت طواف دور کعبه محبوب‌تر و برتر است.»

ایشان سپس به نقل داستانی از امام حسن (علیه السلام) پرداخت و فرمود: مردی گرفتاری داشت و از آن حضرت یاری طلبید. امام حسن (علیه السلام) کفش‌ها را پوشید و راه افتاد. در بین راه به امام حسین (علیه السلام) رسید که مشغول نماز بود. امام حسن (علیه السلام) به آن مرد فرمود: «چطور از حسین (علیه السلام) غفلت کردی و پیش او نرفتی؟» گفت: «من اول خواستم پیش او بروم، ولی چون گفتند اعتکاف کرده و معذور است، خدمتشان نرفتم.» امام حسن (علیه السلام) فرمود: «اگر توفیق برآوردن حاجت تو برایش دست داده بود، از یک ماه اعتکاف برایش بهتر بود.»<sup>۱</sup>



۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۴.



## == راه‌کارهای کلی برای حفظ سرمایه‌ها و استعدادها ==

راه‌کارهای کلی برای حفظ سرمایه را در سه عرصه‌ی خانواده، سازمان‌های خصوصی و دولت، ارائه می‌کنیم.

### اول: فرد و خانواده

خانواده، اولین و مهم‌ترین جایگاه شکل‌گیری شخصیت، فرهنگ، اندیشه و اعتقاد فرد است. خانواده، ابتدایی‌ترین آموزشگاه و نهاد اجتماعی است که انسان در آن چگونگی زیستن را در دامان پدر و مادر می‌آموزد. کودک و نوجوان در بسیاری از رفتارها و گرایش‌های خود، از قبیل گرایش به شرکت در کارهای خیر و اهمیت دادن به کار و تلاش، وظایف و تکالیف دینی و برنامه‌ریزی برای زندگی، از تجربه‌های خوشایند تربیتی در خانه و خانواده اثر می‌پذیرد. از این‌رو، بهتر است زاویه توجه بهره‌وری در ابتدا به خانواده معطوف باشد. به یقین، اگر همه‌ی افراد خانواده با مفهوم بهره‌وری و شیوه زندگی بهتر و متعالی‌تر آشنا شوند، در آن مسیر گام می‌نهند و در بهبود فعالیت‌های فردی و اجتماعی خواهند کوشید؛ زیرا هوشیار کسی است که همواره در فکر بهبود وضعیت موجود باشد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «زیرک کسی است که امروزش بهتر از دیروز اوست»<sup>۱</sup>.

در این بخش به مهم‌ترین مسائلی می‌پردازیم که می‌تواند افراد خانواده و جامعه را به بهره‌وری برساند.

### ۱. والدین و فراگیری دانش بهره‌وری

بهره‌وری، از علمی است که برای دنیا و آخرت هر فرد بسیار سودمند است؛ زیرا با فراگیری آن، امکان بهره‌برداری بهینه از امکانات، فرصت‌ها و لحظه‌های زودگذر عمر فراهم می‌شود. از این‌رو، برای بهبود بهره‌وری در خانواده، پیش از هر چیز باید والدین و دیگر بزرگسالان با اصول بهره‌وری و منابع آن آشنا شوند. سپس روش‌های مختلف

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ج ۲، ص ۳۹۳.

آموزش این امور را به دیگران بیاموزند. در این صورت، والدین می‌توانند با استفاده از داشته‌های خود، از راه رفتار، گفتار و ابزار آموزشی و تربیتی، اصول بهره‌وری اسلامی را بر اساس سفارش رسول گرامی اسلام ﷺ به فرزندان بیاموزند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ فرزندان را گرامی بدارید و به آنان آداب نیکو بیاموزید».<sup>۱</sup>

فرزندانی که این‌گونه تربیت شوند، به بهره‌وری خانواده و جامعه کمک خواهند کرد. خوش بختانه در فرهنگ غنی اسلام، دستورهای دقیقی در مورد بهره‌وری وجود دارد که توفیق عینی و عملی در گرو توجه و عمل به آن‌هاست؛ معیارهای ارزشمندی همچون: ناظر دانستن خدا بر رفتار، دقت در کارها، اتقان و محکم کاری، حسن انجام عمل، تعاون، تقسیم، اولویت‌بندی و تداوم کار، قدردانی از فرصت‌ها و نعمت‌ها و نگاه‌داری از اموال. اگر دستگاه‌های فرهنگی کشور و همین‌طور مبلغان دینی، این معیارها را به صورت صحیح و اصولی به افراد خانواده و به ویژه والدین و بزرگسالان آموزش دهند، می‌توانند هدایت اقشار جامعه را در دست گیرند. بدین ترتیب، شاهد بازدهی بالا، کارایی مطلوب، کاهش هزینه‌ها و در نهایت افزایش بهره‌وری در خانواده و جامعه خواهیم بود.

## ۲. تلاش برای ایجاد فرهنگ تولید در خانواده

در گذشته، فرهنگ تولید و بازدهی در خانواده ایرانی پررنگ بود و بخش چشم‌گیری از تولید ملی را تشکیل می‌داد. در حال حاضر هم بهتر است به گونه‌ای عمل شود تا هر خانواده ایرانی بتواند برای برطرف ساختن نیازها از تولید خود بهره‌گیرد. البته بیشتر خانواده‌های شهری به دلیل ویژگی‌های شهرنشینی و محدودیت‌هایشان نمی‌توانند همانند خانواده‌های روستایی، گوشت، لبنیات، حبوبات و غلات را تولید و بسیاری از نیازمندی‌های خود را تأمین کنند. در این میان، دولت می‌تواند با تقویت بیشتر امکانات در روستاها، خانواده‌هایی را که هیچ‌گونه فعالیت تولیدی ندارند، به تولید بیشتر تشویق کند.

افزون بر آن، در جوامع شهری هم می‌توان زمینه‌های آموزش رشته‌های خاص هنری، فنی، صنایع کوچک و مونتاژ وسایل را برای افراد خانواده، به ویژه بی‌کاران، بانوان و سالمندان فراهم آورد تا در فرصت‌های مناسب به آن بپردازند.

۱. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه، ص ۲۹.



پس اگر می‌خواهیم در جامعه به بهره‌وری برسیم، باید هر ایرانی که توانایی کار و تولید دارد، در این جهت گام بردارد و محیط خانه را با رعایت اصول و حق دیگران، به کارگاهی کوچک برای تولید بدل سازد.

### ۳. استفاده بهینه از اوقات فراغت

ارزش وقت در اسلام به اندازه‌ای است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سفارش به ابوذر (ره) می‌فرماید: «ای ابوذر، در مورد عمر خود (اوقات خود) حریص‌تر از پول و ثروت خود باش».<sup>۱</sup>

امروزه شتاب در بهره‌گیری از فرصت، بیش از گذشته اهمیت دارد؛ زیرا بهبود شرایط کار، کم شدن مدت کار، مصرف وسایل رفاهی و اختصاص یافتن روزهایی به تعطیلات، اوقات فراغت فراوانی را برای خانواده‌ها فراهم می‌آورد. به ویژه این موضوع در فصل‌هایی از سال از جمله در تابستان که با تعطیلی مراکز آموزشی همراه است، اهمیتی دوچندان می‌یابد و برنامه‌ریزی مناسب را ضروری می‌سازد که شکوفاکننده استعداد‌های انسانی با کم‌ترین هزینه باشد. متأسفانه اوقات فراغت بسیاری از خانواده‌ها به علت‌های مختلف به بی‌هودگی می‌گذرد و نمی‌توان آن را تفریح و استراحت یا تولید و خدمت نامید. با آموزش فرهنگ بهره‌وری و مدیریت زمان از طریق دستگاه‌های فرهنگی، به ویژه رسانه ملی به خانواده‌ها می‌توان آن‌ها را تشویق کرد که برای لحظات شیرین زندگی خود برنامه مناسبی بریزند.

امروز که بر عمل تو را دسترس است      غافل منشین که زندگی یک نفس است  
خود قافله عمر کشاند ما را      وین ضربه قلب تو صدای جرس است<sup>۴</sup>

### ۴. تغییر الگوی مصرف

در حال حاضر، الگوی مصرف خانواده به هیچ‌وجه با منافع ملی، امکانات داخلی تولید و درآمد و منافع بیشتر خانواده‌های ایرانی متناسب نیست. از این رو، انتخاب در الگوی مصرفی که مناسب با وضعیت کشور و تأمین‌کننده منافع خانواده باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

۱. شیخ مفید، الامالی، ص ۵۲۷.

## الف) مصرف نکردن کالاهای خارجی

اگر به فکر بهره‌وری جامعه و خانواده هستیم، ناگزیریم عادت غلط مصرف کالاهای خارجی را ترک و تولید داخلی را مصرف کنیم؛ هرچند در برخی موارد ممکن است تولید داخلی، کیفیت کالاهای خارجی را نداشته باشد.

نکته مهم این است که اصلاح انگیزه مصرف و جهت‌دهی گرایش مردم به سوی کالاهای ساخت داخل، با صدور بخش‌نامه انجام نخواهد شد. این کار با ارتقای فرهنگ مصرف و تولید و اعتقاد به این باور دینی که ترک عادت‌های غلط، فضیلت است، امکان‌پذیرتر خواهد بود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «برترین عبادت‌ها، چیره شدن بر عادات است.»<sup>۱</sup>

درواقع، مردم باید احساس کنند که ترک عادت مصرف کالاهای خارجی و گرایش به مصرف، به نفع خودشان است. همین‌طور باید فرهنگ اعتماد به کالاهای داخلی در جامعه تقویت و نهادینه شود. در این زمینه با تقویت باور عمومی به کالاهایی که آزموده شده‌اند، می‌توان الگوی مصرف داخلی را بهبود بخشید؛ به گونه‌ای که مردم، مصرف کالاهای داخلی را افتخاری بزرگ برای خود و کوشش در راه قطع وابستگی بدانند. با برجسته‌نمایی سیره علما و مشاهیر می‌توان به این هدف دست یافت. یک نمونه را نقل می‌کنیم: حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم هیچ‌گاه لباس از پارچه خارجی نمی‌پوشید. در تابستان پیراهن، شلوار و قبای ایشان همه از کرباس بود. در زمستان نیز لباسش را از پارچه ایران به نام «برک» تهیه می‌کرد. پارچه‌های لباس‌های آقازاده‌های ایشان، حاج آقا مرتضی و آقا مهدی از پارچه‌های کازرونی اصفهان بود. آیت‌الله حائری همواره می‌گفتند: ایرانی باید پارچه ایرانی بپوشد».<sup>۲</sup>

درباره گاندی، پدر استقلال هند نوشته‌اند: «در زندان و سفر، چرخ نخ‌ریسی به همراه داشت که آن را به عنوان نماد صنایع کوچک و غیر متمرکز هند معرفی می‌کرد و بر تن پیروانش [و خودش] به جای یونیفرم‌های پرزرق و برق یا مدال‌های جور واجور، لباس‌های زُمخت نخ‌ی بافت خانگی می‌پوشاند. آن لباس‌ها به همان سرعت که پیروانش

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. عمادالدین فیاضی، زندگی‌نامه و شخصیت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۱۲۷.



را مشخص می‌نمود، از لحاظ روانی نیز در به هم پیوستن‌شان مؤثر بود... وی می‌گفت برای من بسیار تأسف‌آور و دردناک است که بینم مردم با شتاب‌زدگی و دیوانه‌وار به تقلید هر چیز تازه بپردازند»<sup>۱</sup>.

جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر فقید هند نیز همین‌گونه عمل می‌کرد. «وقتی در سال ۱۹۶۱ به فرانسه مسافرت کرد، برعکس تمام سفارت‌خانه‌ها که در این‌گونه سفرهای مقامات، تمام وسواس‌شان این بود که درست مثل فرانسوی‌ها از مهمانان خود پذیرایی کنند، دستور داد از همان اول مهمانی تا آخر پذیرایی و دکور و مراسم، همه هندی باشد و به جای شراب، بادوغ و شیر از هنرمندان، وزرای فرانسوی و مهمانان دیگر پذیرایی شود. وقتی که مهمانان مشاهده کردند همه چیز هندی است و هند مثل کوه ایستاده است، در برابر آن همه عظمت، احساس حقارت کردند»<sup>۲</sup>.

با اتکا به مصرف تولید داخلی، می‌توان خانواده و جامعه را بهره‌ور ساخت و از قید وابستگی رهانید. البته بهتر است این شیوه از خانواده‌های مسئولان ارشد کشور آغاز شود.

## ب) حفاظت از وسایل زندگی

گفتاری حکیمانه در بین مردم رواج دارد که: «خرید کردن، هنر نیست، بلکه هنر در نگه‌داری است.» این سخن ارزشمند و پرمحتوا، می‌تواند در بهره‌وری اثرگذار باشد؛ زیرا در این زمان، مردم و خانواده‌ها به اندازه کوششی که برای خرید وسایل انجام می‌دهند، برای نگه‌داری آن تلاش نمی‌کنند، در حالی که در اسلام بر نگه‌داری وسایل تأکید شده است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر که چیزی نصیبش کرده‌اند، در حفظ آن بکوشد.»<sup>۳</sup> امیر مؤمنان علی علیه السلام هم می‌فرماید: «نگه داشتن آنچه در دست توست، برای تو بهتر است از درخواست چیزی که در دست دیگران است»<sup>۴</sup>.

متأسفانه این موضوع در فرهنگ مصرف‌کشور، کمتر جایگاهی دارد. با آموزش‌های رسمی و غیررسمی، از راه رسانه‌ها و مطبوعات، خانواده‌ها را با شیوه‌های اصولی حفظ و

۱. نک: علیرضا شفیعی مطهر، خودباوری فرهنگی، ص ۱۰۶.

۲. همان.

۳. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۲۰۲.

۴. سید هاشم رسولی محلاتی، شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ج ۱، ص ۲۶۸.



نگهداری وسایل و امکانات می‌توان آشنا کرد تا هم در هزینه‌های آن‌ها صرفه‌جویی شود و هم موجب بهبود بهره‌وری در جامعه گردد. برای مثال، با آموزش نگهداری وسایل شخصی مدرسه (مانند دفتر و کتاب) به دانش‌آموزان، می‌توان سالانه میلیاردها ریال صرفه‌جویی و از قطع هزاران درخت در طبیعت پیش‌گیری کرد. البته این آموزش‌ها نباید تنها به حفظ و نگهداری اموال و وسایل خانواده محدود باشد، بلکه باید به وسایل و امکانات جامعه گسترش یابد تا آن را متعلق به خود بدانند و به صورت بهینه از آن استفاده کنند.

## دوم: نهادهای اجتماعی و خصوصی

موفقیت در دست‌یابی به اهداف بهره‌وری در هر جامعه، تا حدود زیادی به همکاری سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و همکاری کارکنان آن‌ها بستگی دارد؛ زیرا بخش بزرگی از امکانات، منابع، سرمایه‌ها و نیروهای انسانی را در اختیار دارند که همین مسئله، بیانگر سهم آنان در بهره‌وری جامعه است. در این میان، نقش مدیران آگاه، شجاع و دل‌سوز در پیش‌گرفتن شیوه‌های اصولی و منطقی برای رسیدن به بهره‌وری مطلوب، نقشی اساسی است که در این مبحث به آن می‌پردازیم.

### ۱. تدبیر مناسب

چاره‌جویی مناسب برای رسیدن به بهره‌وری سازمان، از نخستین وظایف مدیران سازمان‌ها و نهادهاست؛ زیرا به فرموده امام علی (علیه السلام): «اساس اصلاح در زندگی، تدبیر است».<sup>۱</sup> در پرتو تدبیر مناسب است که از اشتباه‌ها و لغزش‌ها در امور و به باور آمدن پشیمانی پیش‌گیری می‌شود: «تدبیر و چاره‌جویی در کار پیش از انجام آن، آدمی را از لغزش در امان می‌دارد».<sup>۲</sup>

همچنین تدبیر مناسب می‌تواند سازمان را به بهره‌وری و شکوفایی برساند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «تدبیر خوب، ثروت و مال اندک را زیاد کرده، تدبیر بد، مال بسیار را نابود می‌کند».<sup>۳</sup> به یقین، برای رسیدن به تدبیری مناسب برای برنامه‌ریزی

۱. همان، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲. همان، ص ۳۵۵.

۳. همان.





در دوره‌های کوتاه، متوسط و بلندمدت، نیازمند آگاهی از وضعیت فعلی سازمان، منابع، امکانات، اولویت‌ها و قابلیت‌های نیروی انسانی، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

## ۲. آموزش دانش کاری

در بهره‌وری، لازم است آموزش هدف‌مند، به‌هنگام، متناسب با نیازهای شغلی و تخصصی فراگیران باشد تا بتواند از حجم مشکلات سازمان بکاهد و آن را به بهره‌وری مطلوب برساند. به عبارتی، آموزش باید سودمند باشد؛ زیرا آموزشی که سودمند نباشد، نه تنها در جهت بهره‌وری نخواهد بود، بلکه از بهره‌وری سازمان به جهت صرف انرژی وقت و هزینه فراوان خواهد کاست. بی‌جهت نیست که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «از خدا، دانش سودمند بخواهید و از دانشی که سود ندهد، به خدا پناه برید».<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر، به امر آموزش نیروی انسانی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی توجه ویژه‌ای شده است، ولی کافی نیست و به دقت بیشتری در اجرا نیاز دارد؛ زیرا برخی آموزش‌ها با نیازهای شغلی کارکنان هیچ ارتباطی ندارد. به همین دلیل، بازدهی و بهره‌وری کمتری داشته است و از این رو، برخی شرکت‌های خصوصی از آن گریزان بوده‌اند.

بهبتر است بدانیم که شرکت‌ها و سازمان‌های کشورهای توسعه‌یافته، همواره آموزش را به عنوان یک اصل و سرمایه‌گذاری بلندمدت پذیرفته‌اند و سالانه میلیاردها دلار صرف هزینه آموزش نیروهای خود می‌کنند.

نکته دیگر این‌که از راه آموزش می‌توان بسیاری از روش‌های کاری را در راه بهره‌وری اصلاح کرد. برای مثال، با حذف کارهای زاید و انجام کار لازم، می‌توان به طور مؤثرتر، با کوشش و زمان و هزینه کمتر به بهره‌وری بهتر رسید. در این زمینه به تلاش‌ها و تکنیک‌هایی که دکتر گیلبرت و همسر روان‌شناس او برای رسیدن به بهره‌وری انجام دادند، می‌توان اشاره کرد. «آنان با آموزش و اصلاح روش کار توانستند حرکت کارگران آجرساز را از هجده حرکت به پنج حرکت [کاهش] دهند و با این کار به جای تولید ۱۲۰ آجر در ساعت، ۳۵۰ آجر در ساعت تولید کردند. این تکنیک شامل چیدن مرتب آجرها، حذف [حرکت‌های] بی‌حاصل و موارد دیگر بود که در تولید آجرها به کار گرفته شد».<sup>۲</sup>

۱. ابوالقاسم پاینده، ترجمه و شرح نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۴۷۱.

۲. سازمان امور اداری و استخدامی، فصل‌نامه مدیریت دولتی، مرکز آموزش نیروی انسانی، ش ۱۲، ص ۶۵.

### ۳. حقوق و پاداش بر اساس عملکرد

حقوق و پاداش مناسب همواره از عوامل انگیزه‌آفرین در محیط‌های کاری بوده است. برای بهبود بهره‌وری در سازمان، بهتر است مقررات حقوق و پاداش کارکنان به گونه‌ای تدوین شود که مبنای پرداخت‌ها به جای حضور فیزیکی در محل کار، ارزش کار باشد. بنابر فرموده امام علی (علیه السلام)، نیکوکار و بدکار نباید یکسان باشند:

«هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند. پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.»<sup>۱</sup>

بهتر است بدانیم در برخی کشورهای توسعه‌یافته جهان، این‌گونه عمل می‌کنند. «ابتدا حداقلی را به عنوان حقوق تعیین می‌کنند. سپس بقیه دستمزدها را بر مبنای بهره‌وری و ارزش کار می‌پردازند.»<sup>۲</sup> همین‌طور لازم است پاداش‌ها تحت تأثیر القاب و بزرگی خدمت نباشد و ارزش کار هیچ‌کس کوچک‌شمرده نشود. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«رنج و زحمت هر یک از آنان را بشناس و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری مگذار و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا شرافت و بزرگی کسی موجب نشود کار کوچکش را بزرگ بشماری یا گم‌نامی کسی باعث شود کار بزرگ او را ناچیز بدانی.»<sup>۳</sup>

به یقین، اگر کارکنان احساس کنند حقوق آن‌ها بر اساس ارزش کار است و پاداششان تحت تأثیر القاب بزرگ نیست و در صورت فعالیت بیشتر و بهینه‌تر، می‌توانند درآمد بیشتری به دست آورند، انگیزه‌شان بیشتر می‌شود و در راه ارتقای بهره‌وری سازمان تلاش خواهند کرد. البته در اسلام، انجام کار با کیفیت به دلیل ناظر دانستن خداوند بر رفتار، همواره باید مدنظر کارکنان مسلمان باشد؛ چنان‌که امام جواد (علیه السلام) می‌فرماید: «بدان که در برابر دیده‌خدایی و مواظب باش که چگونه‌ای.»<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار بهره‌وری، ص ۱۰.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۷۸.



#### ۴. سازمان‌دهی مناسب با بهره‌گیری از عناصر کیفی

دنیای امروز، دنیای سازمان‌های بزرگ و پیچیده است. با سازمان‌دهی مناسب است که این سازمان‌های بزرگ و کارکنان آن‌ها وظایف و اختیارات خود را می‌شناسند و می‌توانند به بهره‌وری و پویایی برسند.

از سوی دیگر، امروزه ثابت شده است هر اندازه تشکیلات و ساختار سازمان کوچک‌تر باشد و به جای گروه‌های کمی انسانی، از گروه‌های کیفی بر اساس اعتقاد، علاقه‌ها و تخصص‌شان بهره‌گرفته شود، نتیجه مطلوب‌تری دربر خواهد داشت. منظور از گروه‌های کیفی انسانی، افراد کاردان، باتجربه و دارای صلاحیت‌های اخلاقی است که در به‌کارگیری آن‌ها نباید تردید کرد. امام علی (علیه السلام) در گفتاری دل‌نشین، به‌گزینش عناصر کیفی، تحت عنوان دو معیار شایستگی و درستکاری اشاره دارد و می‌فرماید:

«در استخدام کارمندان و فرمانروایان، شفاعت و وساطت کسی را مپذیر، مگر شفاعت شایستگی و امین بودن (درستکاری) آنان را».<sup>۱</sup>

بدیهی است هر اندازه سازمان‌دهی بر اساس شایستگی‌های اخلاقی و تخصصی افراد صورت گیرد، سبب افزایش کارایی و اثربخشی بیشتر در درون سازمان خواهد شد. به همین دلیل، وجود نیروهای کیفی در هر سازمان، ارزشمند است و در اسلام نیز عزیز و گرامی داشته می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ؛ همانا خداوند، انسان کاردان امین را دوست دارد».<sup>۲</sup>

این افراد در هر جا به کار گرفته شوند، موجب بهره‌وری بیشتر می‌گردند. نمونه این مهم، کار تیلور (Taylor)، مهندس آمریکایی است که در یک کارخانه ذوب فولاد کار می‌کرد. وی با استفاده از گزینش بهترین افراد، با توجه به علایق آنان در مشاغل مختلف و آموزش آنان به گونه‌ای که به صورت ویژه انجام وظیفه کنند، توانست میزان تولید فولاد را روزانه از ۱۶ تن به ۵۹ تن برساند.<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص ۲۸۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، صص ۲۳ و ۱۳۴.

۳. فصل‌نامه مدیریت دولتی، ش ۱۲، ص ۶۵.



## ۵. بهره‌گیری از مفاهیم دینی

برای افزایش بهره‌وری در یک سازمان، تنها تقویت انگیزه‌های مادی افراد کافی نیست. افزون بر آن، باید افراد سازمان از نظر روحی و معنوی تقویت شوند. در واقع، بهره‌وری بیش از هر چیز به روحیه افراد سازمان بستگی دارد. خوش‌بختانه در فرهنگ مذهبی و ملی ما، عناصر انگیزه‌ساز معنوی فراوانی دیده می‌شود؛ عناصری مانند: عبادت دانستن کار، دقت و اتقان در کار، نظم در امور، ناظر دانستن خداوند بر رفتار و پاداش اخروی کار خوب. با تشکیل جلسه‌های هفتگی و ماهانه و نیز دعوت از کارشناسان دینی، این معیارها را می‌توان به کارکنان سازمان‌ها منتقل کرد.

شرکت‌ها و سازمان‌های خارجی با تحریک احساسات ملی‌گرایانه افراد موفق می‌شوند یک کارگر آلمانی یا ژاپنی را تشویق کنند به جای کار برای حقوق، کارفرما، کارخانه یا سازمان، برای آلمان یا ژاپن بزرگ کار کند. پس ما نیز باید با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و ادبیات غنی کشور که سرشار از موضوع‌های انگیزه‌آفرین است، این باور را در کارکنان سازمان به وجود آوریم که انجام کار درست، عبادت و کوشش در راه بهره‌وری کشور، ذخیره‌ای برای آخرت است. شاید در این زمینه، تهیه منشوری اخلاقی، اثربخش باشد. برای نمونه، به منشور اخلاقی کار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در بخش پیام‌های مجری در فصل همراه با برنامه‌سازان آمده است، مراجعه کنید.

## ۶. تقویت روحیه کار گروهی

اسلام همواره کار گروهی را تشویق می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. (مانده: ۲)

بدون فرهنگ تعاون و کار گروهی و یگانگی اجتماعی در سازمان، از بهره‌وری خبری نخواهد بود. به عکس، پاداش به کار مشترک و هم‌یاری و کوشش جمعی، کارایی را افزایش می‌دهد. تعاون در برخی کشورهای صنعتی مانند ژاپن، رمز پیروزی‌های اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است. آنان برای رسیدن به حداکثر



بهره‌وری، ژاپن را چون خانواده بزرگی ترسیم کرده‌اند تا همه مردم برای ژاپن بزرگ تلاش کنند.

این حس زیبا در هر سازمان وقتی ایجاد خواهد شد که افراد از فرآیند کار خود در سازمان آگاه باشند؛ زیرا هرچه افراد به نتیجه کار خود و مجموعه کار و حرکت جمعی آگاه‌تر باشند، به طور طبیعی در قبال وظایف و فعالیت‌های خود احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد. برعکس، هرچه آگاهی از امور، محدود باشد، به راحتی این توهم ایجاد خواهد شد که فرد در سازمان کاره‌ای نیست. از این رو، به اهداف سازمان بی‌اعتنا خواهد بود.

بر این اساس، بهتر است با شرکت دادن افراد در تصمیم‌گیری‌ها، برقراری روابط صمیمانه و دوستانه، توجه به شخصیت آنان و برپایی گردش‌های گروهی، زمینه‌های تقویت کار گروهی در سازمان‌های کشوری فراهم شود. به یقین، این احساس و ادراک مشترک هم در فرآیند و بازده کار و هم بر شخصیت افراد اثر مثبتی بر جا خواهد گذاشت.

## ۷. استفاده بهینه از نعمت‌ها و امکانات

در آموزه‌های آسمانی اسلام، بر استفاده به جا و شایسته از نعمت‌ها و امکانات تأکید شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«از نعمت‌هایی که در اختیار دارید، خوب استفاده کنید، پیش از آن‌که شما را ترک گویند».<sup>۱</sup> هم‌چنین می‌فرماید: «هر نعمتی را که خداوند به تو عنایت فرموده است، به اصلاح و شایستگی در آور و هیچ یک از نعمت‌های خداوند را تباه مکن».<sup>۲</sup>

از این رو، بر مدیران متعهد سازمان‌هاست که با درپیش گرفتن شیوه‌های علمی و منطقی در تعمیر و نگهداری وسایل و امکانات، به حداکثر رساندن ظرفیت‌ها، حفاظت از انرژی و مواد، میدان دادن به عناصر نوآور و پرهیز از حیف و میل منابع و ذخایر طبیعی؛ یعنی جنگل، مرتع، آب، خاک و انرژی بکوشند. در این حیطة، دادن پاداش‌های بهره‌وری بسیار کارساز خواهد بود؛ چنان‌که «کشور هند برای قدردانی از کارکرد مطلوب

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۷۷.

۲. سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ج ۲، ص ۴۸۲.

بخش‌های مختلف صنعت، پاداش‌های بهره‌وری در نظر گرفته است. معیار اعطای جایزه، بهره‌وری از ظرفیت یا ارزش افزوده، حفاظت از انرژی، بهره‌برداری از مواد، نگهداری از کارخانه و تجهیزات و بهره‌برداری از نیروی انسانی بوده است»<sup>۱</sup>.

## ۸. بررسی و نظارت

بررسی و نظارت، اصل مهمی در فرهنگ بهره‌وری است که در تولید کالاها یا تولید خدمات کارکنان یا در هر امر دیگری که نیاز به نظارت دارد، باید اعمال شود. امام علی ۷ درباره نظارت بر امور کارکنان می‌فرماید:

«رفتار کارمندان را بررسی کن. مراقبانی راست‌گو و وفاییده بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تواز کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. سخت مراقب همکاران نزدیکت باش»<sup>۲</sup>.

ایشان بررسی و نظارت در امور کارکنان را موجب خدمت‌رسانی بهتر آنان و در نتیجه، بهره‌ور شدن بیشتر ایشان می‌داند. تجربه هم‌نشان می‌دهد که بیشتر تخلف‌ها و اشتباه‌ها در حوزه‌هایی پیش می‌آید که بازرسی ضعیفی صورت می‌گیرد. این واقعیت، تأکیدی است بر این نکته که برای بهره‌وری بیشتر، باید نظام نظارتی در هر سازمانی بازبینی و تقویت شود. بهتر است بدانیم در حال حاضر، ده‌ها سازمان کنترل‌کننده کیفیت تولید کالاها و خدمات در جهان وجود دارد که اهمیت این موضوع را می‌رساند.

نظارت، شیوه‌های گوناگونی دارد و همواره به صورت نظارت مخفی نیست، بلکه می‌تواند شامل نظارت آشکار، از جمله فرستادن بازرسان، کنترل و بازرسی اسناد و دفاتر یا نظارت همگانی باشد که در اسلام، به امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود. بر اساس این اصل، همگان می‌توانند در صورت داشتن صلاحیت، بر عملکرد دیگران نظارت کنند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«به معروف امر و از منکر نهی کن. به کار خیر عمل کن و مردم را از کار بد بازدار»<sup>۳</sup>...

۱. غلامرضا خاکی، مدیریت بهره‌وری، ص ۳۹۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۹.

۳. سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ج ۱، ص ۱۰۰.



آدم بدکار را به وسیله کار نیک خود اصلاح کن و با سخن زیبایت، دیگران را به کار خیر رهنمون باش).<sup>۱</sup>

نظارت همگانی، می‌تواند جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در بهره‌وری هر سازمانی داشته باشد. از این‌رو، بر مدیران محترم سازمان‌هاست که با بسترسازی مناسب، زمینه همکاری عمومی را فراهم آورند.

## ۹. بهره‌گیری از فن‌آوری مناسب

امروزه فن‌آوری از اصلی‌ترین شاخص‌های رشد کشورها شمرده می‌شود که می‌تواند در تمام ابعاد بهره‌وری نقش مهمی ایفا کند. البته در بهره‌گیری از فن‌آوری باید دقت کرد که با فرهنگ اسلامی جامعه هماهنگ باشد. از این‌رو، باید کوشید بدون وابستگی به بیگانگان، با اتکا به خداوند، با برطرف ساختن کمبودها و مقدمه‌چینی لازم، از جمله راه‌اندازی مؤسسه‌های پژوهشی، میدان‌دهی به نیروهای خوش‌فکر، نوآور، متعهد و متخصص، بستر فن‌آوری مناسب را در کشور فراهم آورد. در این مورد، می‌توان از یافته‌ها و روش‌های دیگران هم استفاده کرد؛ چنان‌که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «دانشمندترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید».<sup>۲</sup>

هرچند استفاده از یافته‌های دیگران کاری در خور تحسین است، ولی باید دانست که همه یافته‌ها و شیوه‌های عملکردی آنان را به طور کامل نمی‌توان در بهره‌گیری از فن‌آوری به کار بست؛ زیرا بسیاری از روش‌های آنان، با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ما ناهم‌گون است. از این‌رو، تنها باید به یافته‌های مفید، هماهنگ و هم‌گون با فرهنگ و ارزش‌های کشور بسنده کرد.

## سوم: دولت

دولت که سیاست‌گذار و اداره‌کننده سازمان‌ها، شرکت‌ها، وزارت‌خانه‌ها، مؤسسه‌ها و جامعه است، در توسعه و بهبود بهره‌وری، نقشی بی‌بدیل دارد. در

۱. همان، ص ۹۹.

۲. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۲۶۰.

واقع، انتظار بهره‌وری از جامعه و در سطح کلان، بدون در نظر گرفتن نقش دولت، انتظاری بیهوده است. با اذعان به این مهم، در این مبحث به مهم‌ترین وظایف دولت در مورد بهره‌وری می‌پردازیم.

### ۱. تهیه طرح جامع

نخستین و مهم‌ترین وظیفه دولت در راه رشد و بهبود بهره‌وری جامعه، پرهیز از سیاست‌های گذرا و اهتمام بر تدوین طرحی جامع بر اساس منابع موجود در کشور است. در تهیه این طرح باید به همه ابعاد فرهنگی، معنوی و اقتصادی توجه کرد. در این صورت، بهترین و هماهنگ‌ترین نتیجه برای کشور به دست می‌آید. بر این اساس، هر موضوعی که با طرح جامع دولت هماهنگ باشد، حمایت می‌شود و موضوع‌های دیگری که از اهداف و سیاست‌های اصولی خارج است، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این طرح می‌تواند بین سیاست و فعالیت اجرایی در بخش‌های مختلف، از جمله بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هماهنگی به وجود آورد. بنابراین، همه بخش‌ها مکمل یکدیگر خواهند بود، از سیاست‌های سلیقه‌ای پیش‌گیری به عمل می‌آید و در نهایت به بهبود بهره‌وری می‌انجامد.

### ۲. پرداختن به اصول و سپردن کار به افراد با کفایت

از وظایف دولت برای بهبود بهره‌وری در جامعه، اولویت‌بندی امور بر اساس اهمیت و سپردن آن به دست افراد با کفایت و کاردان است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انحطاط دولت‌ها از چهار چیز فهمیده می‌شود: رها کردن اصول، چنگ زدن به فروغ، روی کار آمدن انسان‌های فرومایه و کنار گذاشتن افراد بافضیلت».<sup>۱</sup> پرداختن دولت به کارهای کم‌اهمیت، رها کردن کارهای اساسی و نیز روی کار آوردن افراد بی‌لیاقت و ناآگاه، وقت، انرژی، سرمایه، امکانات و نیروها را به هدر می‌دهد و در راه رشد و بهره‌وری جامعه نخواهد بود. این کار مانع پیشرفت جامعه می‌شود و انتظار مردم را هم برآورده نمی‌سازد.

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ج ۶، ص ۴۵۰.





پس اگر کارها به ترتیب اهمیت، اولویت بندی شود و ابتدا به کارهای با اهمیت و اصولی به دست افراد متعهد، متخصص و با لیاقت پردازیم، می‌توان از دولت انتظار بهره‌وری داشت. از این‌رو، بهتر است اداره امور به افراد با کفایت سپرده شود؛ چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که کاردانی اش نیکو باشد، سزاوار حکومت و ولایت است.»<sup>۱</sup> همچنین در ادامه، باید اولویت‌های کاری را به او گوشزد کرد تا به انجام آن ترغیب شود.

### ۳. توجه به منابع انسانی

افزایش بهره‌وری در تمامی عرصه‌های زندگی، از جمله خانه و خانواده، مراکز تولیدی، سازمان‌ها، واحدهای خدماتی و بخش‌های مختلف اجتماع، امری ضروری است و مطلوب‌ترین راهبرد توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. البته شاه بیت غزل شیوای پیشرفت و بالندگی جامعه، نیروی انسانی آن است. نیروی انسانی تربیت شده، متعهد، آموزش دیده، ماهر، کارآمد و دارای انگیزه مثبت و سازنده، می‌تواند با ترکیب مطلوب منابع مادی و استفاده بهینه از آن‌ها معجزه بیافریند. گاه منابع مادی به دلیل نبود تربیت و آموزش صحیح، بی‌دانشی، نداشتن تخصص و نبودن انگیزه برای تلاش و فعالیت به هدر می‌رود.

در تمام جهان، نیروی انسانی واجد شرایط و باصلاحیت، بزرگ‌ترین سرمایه هر کشور به شمار می‌آید. این هنر دولت و مسئولان کشور است که بتوانند با حاکم ساختن فرهنگ بهره‌وری در جامعه، زمینه بهره‌وری را در همه ابعاد فراهم آورند. در این زمینه، تجربه کشورهای توسعه یافته و با بهره‌وری بالا مانند ژاپن و سوئیس که زمین، انرژی و منابع معدنی مناسبی ندارند، بسیار جالب است. آنان در یافته‌اند که مهم‌ترین منبع رشد، تعلیم و تربیت صحیح، نگرش مثبت به کار و ایجاد بالندگی در نیروی انسانی است. از این‌رو، بیشترین هزینه را در بخش منابع انسانی انجام می‌دهند.<sup>۲</sup> بی‌جهت نیست که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «جز انسان، هیچ چیز بهتر از هزار نفر مثل خود نیست».<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. غلامرضا خاکی، مدیریت بهره‌وری، ص ۱۴۷.

۳. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۶۶.

بنابراین، برای بهره‌وری بهینه در جامعه، دولت باید به نیروی انسانی و عوامل مؤثر و انگیزه‌ساز در بهره‌وری نیروی انسانی توجه کند؛ عواملی مانند: تجربه، کاردانی، تحصیلات، آموزش‌های کاربردی، محتوای کار، خشنودی شغلی و... که موجب بهبود بهره‌وری می‌شود. در این زمینه، تشویق مدیران و کارکنان لایق و فعال و ارزیابی دقیق و واقعی از فعالیت آنان بسیار اهمیت دارد.

#### ۴. فراهم ساختن رشد کیفی جمعیت

از دیگر وظایف دولت برای ارتقای بهره‌وری در کشور، اهتمام به رشد کیفی جمعیت است؛ زیرا دولت افزون بر اینکه در راه تأمین نیازهای اولیه زندگی مردم مانند خوراک و امنیت می‌کوشد، باید بیش از آن، برای افزایش آگاهی، آسایش و رفاه مردم تلاش کند.<sup>۱</sup> حضرت علی (علیه السلام) به مردم می‌فرماید:

«ای مردم،... شما را بر من حقی واجب شده است؛ اینکه از خیرخواهی برای شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میانتان عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید».<sup>۲</sup>

فراگیری راه و رسم زندگی صحیح، همان رشد کیفی و بهره‌گیری مطلوب از زندگی است که دولت مردان باید برای مردم فراهم کنند. حال که دولت رشد کمی جمعیت را کنترل کرده است، بهتر است در ادامه سیاست‌های اصولی خود، هزینه‌های صرفه‌جویی شده در این زمینه را به رشد و ارتقای کیفی جمعیت اختصاص دهد.

#### ۵. توسعه امکانات زیربنایی

وجود تأسیسات زیربنایی، همچون فرودگاه، پالایشگاه، بندر، راه‌آهن، بزرگراه، سد، ذوب آهن، پتروشیمی و سیلو، همواره از نشانه‌های توسعه و پیشرفت کشورها به شمار می‌آید و می‌تواند در بهره‌ور ساختن امکانات جامعه نقش مهمی ایفا کند. بدین ترتیب، اگر جامعه‌ای تأسیسات زیربنایی نداشته باشد، در کسب بهره‌وری کمتر موفق خواهد

۱. مرتضی هاشم‌پور، اقتصاد و فرهنگ ایرانی-اسلامی، ص ۱۲۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۸۸.



بود. خوش بختانه با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و کوتاه شدن دست کارشناسان بیگانه، کارشناسان مؤمن و متعهد، با تلاش کم‌نظیری، جنبش نوینی در این زمینه آغاز کردند و موفق شدند در فرصت اندکی، تأسیسات زیربنایی فراوانی را راه‌اندازی کنند. از آن جمله می‌توان به احداث ده‌ها سد بزرگ و کوچک، ساخت انواع سیلو، توسعه فرودگاه‌ها، راه‌اندازی شبکه گاز شهری و روستایی و کارخانه‌های پتروشیمی اشاره کرد. حتی در برخی از این موارد، مانند سدسازی، اعتبار جهانی یافته و توانسته‌ایم به بازارهای بین‌المللی راه یابیم.

با این حال، در برخی بخش‌ها چندان موفقیتی نداشته‌ایم که از آن جمله می‌توان به توسعه راه‌های عمومی و راه‌آهن اشاره کرد. همین امر موجب شده است هر ساله آمار حوادث و تصادف جاده‌ای در کشور افزایش یابد و خسارت‌های مالی، جانی و روانی فراوانی به بار آورد. این نارسایی از سوی دیگر، سبب می‌شود بسیاری از فرآورده‌های کشاورزی به دلیل دسترسی نداشتن به راه مناسب، در مزرعه‌ها و باغ‌ها از بین برود و از فرآیند بهره‌وری در جامعه کاسته شود.

بنابراین، در توسعه امکانات زیربنایی، باید به بخش راه توجه بیشتری شود؛ زیرا راه، شاه‌رگ حیاتی کشور است و توسعه امکانات زیربنایی با کم‌توجهی به این بخش سازگار نیست. نکته دیگر این‌که در توسعه این بخش می‌توان از بخش خصوصی و سپرده‌های مردم نیز کمک گرفت.

## ۶. سازمان‌دهی تشکیلات

در حال حاضر، تشکیلات فعلی حکومت، کمتر به سوی بهبود بهره‌وری در جامعه حرکت می‌کند. بسیاری از سازمان‌ها و دستگاه‌ها برای شرایط خاصی به وجود آمده‌اند که در حال حاضر اضافی به نظر می‌رسند یا به صورت موازی عمل می‌کنند و در نتیجه، به اندازه کافی ارزش‌آفرین نیستند. در سال‌های اخیر اقداماتی برای حذف یا ادغام برخی از آن‌ها صورت گرفته است. برای مثال، ادغام وزارت جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی، سازمان میراث فرهنگی با سازمان ایران‌گردی و جهان‌گردی، کمیته‌های انقلاب با ژاندارمری و شهربانی و تشکیل نیروی انتظامی از این موارد به شمار می‌آید. البته این

مقدار کافی نیست و به تحولات بیشتری نیاز است. حتی بسیاری از صاحب‌نظران، تحول در ساختار اداری کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و معتقدند «کهنگی، [پاسخگو نبودن در برابر] نیازهای موجود، ظهور سیستم‌های جدید و پیشرفته، مهم‌ترین دلایل این تحول هستند... از دیدگاه بهره‌وری، هر ارگان و ستادی برای زنده ماندن نیاز به تحول دارد، ولی این تحول لزوماً به معنای به هم ریختن کل سیستم نیست، بلکه می‌تواند به معنای آموزش مداوم و آشنایی با تکنولوژی برتر و اهمیت دادن به نیازهای اساسی مردم باشد».<sup>۱</sup>

بی‌شک، اگر این تغییر و تحول‌ها، با پژوهش و مطالعه کارشناسانه انجام گیرد، می‌تواند نتایج مطلوب‌تری به دست آورد و بهره‌وری را در سازمان‌ها و نهادهای دولتی ارتقا بخشد.

## ۷. گزینش مدیران کارآمد و مدبّر

کلید موفقیت در بهره‌وری جامعه، در دستان مدیران کارآمد و مدبّر است و هر گونه اهمال و سستی در این کار، آثار منفی فراوانی خواهد داشت؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرموده است: «من بر امت خود از فقر نمی‌ترسم، ولی از سوءمدیریت هراسانم».<sup>۲</sup>

علت این است که همواره در پرتو مدیریت کارآمد و مدبّرانه، فعالیت و اهداف سازمان‌ها و جوامع و توانایی و استعداد بالقوه انسان‌ها شناخته و شکوفا می‌شود. در این صورت، از حداقل امکانات، بیشترین بهره‌برداری به دست می‌آید. در واقع، جامعه برخوردار از منابع، امکانات، فن‌آوری و نیروی انسانی فراوان، با مدیریت اصولی و منطقی به بهره‌وری می‌رسد؛ زیرا مدیریت صحیح، حلقه اتصال زنجیره منابع، امکانات، فن‌آوری و نیروی انسانی است و می‌کوشد با بهبود مستمر کارها و تلاش همه‌جانبه و آینده‌نگر، بهره‌وری را افزایش و هزینه‌ها را کاهش دهد و کیفیت‌ها را بالا ببرد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«تدبیر خوب ثروت و مال اندک را زیاد می‌کند و بارور سازد و تدبیر بد، مال بسیار

۱. حسین بهمنی، آشنایی با بهره‌وری سازمانی، ص ۷۸.

۲. ابن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۳۲.



را نابود می‌سازد»<sup>۱</sup>.

بنابراین، مدیر مسلمان باید توانایی آن را داشته باشد که نقش خود را در این فرآیند ملی با تحکیم مبانی ارزشی و در پیش گرفتن شیوه‌های مناسب ایفا کند. وظیفه دولت خدمت‌گزار است که با تشکیل بانک اطلاعات، به شناسایی، گزینش و انتصاب مدیران کارآمد و با تدبیر در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی اقدام کند تا سطح بهره‌وری در پرتو مدیریت مدیران آنان بهبود یابد. به تجربه هم ثابت شده است هر سازمان و مؤسسه‌ای که مسئولیتش از مدیران نالایق و محافظه‌کار گرفته و به مدیران کارآمد، با تدبیر و شجاع سپرده شده است، در راه بهره‌وری گام برمی‌دارد. نمونه آن، کارخانه ذوب آهن اصفهان است که: «پیش از سال ۱۳۷۵ حدود ۳۰ هزار نیرو برای تولید ۹۰۰ هزار تن در آن فعالیت داشتند، ولی بعد از آن تاریخ، وقتی مسئولیت به مدیران کارآمد سپرده شد، با ۱۰ هزار نیرو، به ۲/۴ میلیون تن تولید رسیدند»<sup>۲</sup>.

## ۸. تولید کالاهای اساسی و بادوام

رسول خدا ﷺ در گفتاری دل‌نشین می‌فرماید: «محبوب‌ترین کارها در پیش خدا، کاری است که دوام آن بیشتر باشد»<sup>۳</sup>. البته باید اذعان کرد که این گفتار ارزشمند در تولیدات کمتر رخ می‌دهد؛ زیرا امروزه تنوع و سرعت دگرگونی کالاها و محصولات تولیدی، به پیروی از نظام سرمایه‌داری که به تولید کالاهای لوکس و کم‌دوام می‌پردازد، بیشتر شده است. امروزه در بسیاری از خانه‌ها، چندین وسیله را می‌توان یافت که به علت تغییر مد یا گم شدن یک پیچ یا قطعه‌ای کوچک، کنار نهاده شده است.

به یقین، این شیوه تولید برای کشوری که بسیاری از مردم آن با مشکلاتی نظیر فقر، سوء تغذیه، بی‌کاری و گرانی روبه‌رو هستند، مناسب نیست. از این‌رو، بهتر است سیاست دولت‌ها، ابتدا تولید ضروریات و همین‌طور دوام کالاها باشد. سپس تا حد امکان از میزان تولید کالاهای غیر ضروری و کم‌دوام بکاهد و از تبلیغات تجاری که افراد را به خرید کالاهای نو و کنار نهادن کالاهای قدیمی تشویق می‌کند، جلوگیری کند.

۱. سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم (موضوعی)، ص ۳۵۵.

۲. نک: مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دومین کنگره ملی بهره‌وری ایران، ص ۶۱.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه (موضوعی)، ص ۴۸۷.

## ۹. بازنگری و تسهیل در مقررات

هدف از وضع قوانین و مقررات اداری، آسان کردن امور و پیش‌گیری از سوء استفاده‌های احتمالی، پاسخگو بودن مسئولان و کارکنان در برابر عملکردهاست. البته گاه این مقررات بدون جامع‌نگری، نیازسنجی و آگاهی از ضرورت‌ها و به‌طور کلی، بدون هماهنگی با دستگاه‌های دولتی وضع می‌شود و به جای این‌که تسهیل‌کننده باشند، مشکل‌آفرین می‌شوند. متأسفانه در حال حاضر، بسیاری از قوانین و مقررات هستند که جامع‌نگری لازم را ندارند و نیازمند بازنگری هستند.

نکته دیگر، انعطاف‌ناپذیر بودن قوانین است؛ به گونه‌ای که در شرایط و فرصت‌های مناسب، کارکنان سازمان‌ها نمی‌توانند در راستای ارتقای بهره‌وری سازمان از آن بهره‌گیرند. امروزه یکی از عوامل پیشرفت و توسعه، زدودن قوانین و مقررات اضافی و دست‌وپاگیر است.

بی‌شک، این تعداد قوانین و مقررات، چیزی جز سردرگمی و اتلاف منابع به بار نمی‌آورد. بنابراین، یکی از وظایف اساسی دولت برای بهبود بهره‌وری، بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات موجود است تا از ویژگی انعطاف‌پذیری برخوردار شوند. در این زمینه می‌توان از افراد باتجربه هر سازمان و اداره که به تجربه، با این قوانین کار کرده‌اند و به نقاط ضعف و قوت آن آگاه هستند، مدد گرفت و به اصلاح آن پرداخت.

## ۱۰. اعلام فرهنگ بهره‌وری به عنوان طرح ملی

عدالت اجتماعی، فقرزدایی، پیش‌گیری از اسراف، حاکمیت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و اقتصادی در جامعه، از راه تلاش همگان برای افزایش بهره‌وری به دست می‌آید. از این‌رو، بهتر است دولت، فرهنگ بهره‌وری را در قالب طرح ملی «جنبش بهره‌وری» در جامعه مطرح کند. تمام دستگاه‌های دولتی و غیردولتی نیز به گسترش آن در سطح سازمان‌های تحت نظارت خود ملزم شوند و به همکاری با سازمان ملی بهره‌وری پردازند که وظیفه سازمان‌دهی، آموزش و ارتقای بهره‌وری را در همه ابعاد به عهده دارد. همچنین هر ساله باید از دستگاه‌ها و سازمان‌های موفق در امر بهره‌وری قدردانی شود.

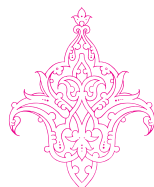


بی‌شک، در زمینه ارتقای بهره‌وری در جامعه، همکاری دستگاه‌های فرهنگی کشور، به ویژه صداوسیما، آموزش و پرورش، مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای فرهنگی اهمیت دارد. از سوی دیگر، بهبود بهره‌وری در تشکیلات دولتی، بر افراد جامعه اثر می‌گذارد و عزم ملی را برای بهره‌ور ساختن جامعه تقویت می‌کند.

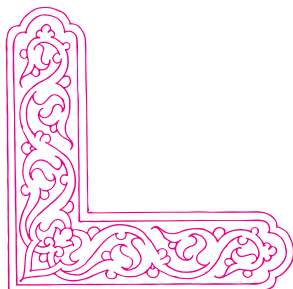




بخش سوم



# آفت های اخلاقی بهره وری







در فضای فعالیت‌های اقتصادی دولت یا بخش خصوصی و یا در محیط خانه، یکی از روزه‌ها و آفت‌های بهره‌وری هدررفت سرمایه، مربوط به اخلاق و شیوه رفتار است. نباید گفت که تولید یک علم است و مطابق همان ضوابط علمی، تولید و تجارت، رونق می‌گیرد و دیگر اخلاق، معنایی ندارد. هرگز چنین نیست، بلکه اساساً کیفیت تولید و مرغوبیت کالاها به رعایت اصول اخلاقی است. کشورهای پیشرفته صنعتی هم که مسلمان نیستند بار رعایت ضوابط اخلاقی، کالاها را کیفی تولید می‌کنند. پرهیز از دروغ و فریب‌کاری، دوری از رشوه‌خواری و کم‌فروشی؛ از جمله این ضوابط مهم است. شما کدام شرکت اقتصادی و تولیدی را می‌شناسید که بدون این ضوابط، موفق به تولید کالاها مرغوب شده باشد. به داستان زیر توجه کنید:

مدیر یکی از شرکت‌های اقتصادی، عوض شد. مدیر قبلی، علاوه بر رعایت ضوابط فنی و علمی، به مسائل اخلاقی مقید بود. شرکت، رشد خوبی کرده بود و مشتریان اعتماد کرده بودند که: راست‌گویی، صداقت، محکم‌کاری، کیفیت و وجدان کاری بر این شرکت، حاکم است.

چند سال گذشت، مدیر شرکت بازنشسته شد و فرد دیگری جای او آمد. مدیر جدید، اوضاع را با معیارهای اخلاقی، کنترل نمی‌کرد، او فقط به بالا رفتن میزان تولید فکر می‌کرد. حرص زیادی داشت که شرکتش از نظر کمیّت و فراوانی تولید در رده بالا باشد.



طولی نکشید که کیفیت کار پایین آمد و آفت‌هایی چون: رشوه، فریب‌کاری، دروغ و امثال این‌ها چون موریانه‌ای پایه‌های شرکت را خورد. مشتریان به تدریج، کم شدند و کارخانه از رونق افتاد.

هر دولتی یا هر تلاشگر اقتصادی و تولیدی و یا هر خانواده‌ای باید به ضوابط اخلاقی، پای‌بند باشد و آفت‌هایی را که ممکن است دامن‌گیرشان شود، بشناسد. در این جا این آفت‌ها را شرح می‌دهیم:

### ۱. برداشت نادرست از مفاهیم دینی

برخی گمان برده‌اند توصیه‌های معنوی به معنای دوری از دنیا و پرداختن به آخرت و یا تشویق به زندگی ساده و زاهدانه به معنای دوری از کار و تلاش، خانه‌نشینی و پرداختن به عبادت‌های خاص است.

این تلقی نادرست در ادیان دیگر، سابقه‌های دیرینه دارد و حتی به دوران مردم صدر اسلام هم رسیده بود؛ به این معنا که با ظهور اسلام و تأکید قرآن، پیامبر مکرم ۳ اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام بر دوری از دنیا، برخی از مسلمانان با قطع ارتباط خود با خانواده و اجتماع، به انجام عبادات ظاهری پرداختند و به هر گونه فعالیت اجتماعی و اقتصادی پشت کردند. پیامبر و امامان معصوم با مشاهده این برداشت یک سویه از آموزه‌های دینی، به شیوه‌های متفاوتی نادرستی این بینش را اعلام کردند. گاه با گفتار و گاهی با رفتار خود اهمیت و ارزش تلاش اقتصادی را برای تعالی فرد و جامعه گوشزد نمودند و تفسیر درست آموزه‌های دینی را بیان کردند:

«روزی رسول اکرم با اصحاب خود نشسته بود، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر آن حضرت بودند گفتند: اگر این جوان، جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌گرفت، شایسته مدح و تمجید بود. رسول اکرم افرمود: این سخن را نگویند، اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم مستغنی گردد او با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد، همچنین اگر کار می‌کند به نفع والدین ضعیف تا کودکان ناتوان خود زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد باز هم در راه خدا کوشش می‌کند،



ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود به تهیدستان مباحات نماید و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است»<sup>۱</sup>.

محمد بن منکدر، یکی از معاصران امام محمد باقر (علیه السلام) در ساعات گرم روز آن حضرت را در حال کار کردن و عرق ریختن در حوالی مدینه مشاهده کرد. از اینکه آن حضرت را در سنین بالا و در چنین حالتی دید آزرده شد و به قصد نصیحت کردن امام، خود را به آن حضرت رساند و گفت:

خداوند کار شما را به سامان کند. پیرمردی از پیرمردان قریش در این ساعت از روز و در چنین حالتی در طلب دنیا! (می‌بینم) اگر اجل شما در این حال فرارسد چه خواهید کرد؟

و امام حکیمانه پاسخ داد:

اگر مرگ من در این حال فرارسد، در حال اطاعت خدا خواهم بود که با این عمل، خود و خانواده‌ام را از توواز مردم بی‌نیاز کرده‌ام. اگر مرگ من در حال انجام نافرمانی خداوند برسد، در آن صورت ترسان و نگران خواهم بود. او بی‌آنکه پاسخی برای امام داشته باشد، گفت:

رحمت خدا بر شما باد، درست گفتید. من خواستم شما را نصیحت کنم، اما شما مرا نصیحت کردید.<sup>۲</sup>

البته کار کردن امامان معصوم (علیهم السلام) تنها برای امرار معاش و تحصیل درآمد نبوده است، بلکه اساساً از نظر آن بزرگواران، کار کردن و تحمل رنج و مشقت آن، موضوعی مطلوب و عبادتی بی‌بدیل محسوب می‌شود که بدون توجه به نتیجه اقتصادی آن، به تنهایی از جمله عبادات و وسایل تقرب به حق تعالی محسوب می‌شود. به ویژه آن‌که وقتی تلاش‌های اقتصادی از حوزه نیازهای فردی خارج شده و باعث پیشرفت جامعه اسلامی گردد. کارهای کشاورزی، مدیریت‌های اجتماعی، پزشکی، فعالیت‌های آموزشی و... نمونه‌ای از خدمات اجتماعی است که در روایات بدان‌ها توصیه شده است.

۱. فیض کاشانی، محجبه البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا مَعَ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَتَنَظَرَ إِلَى شَابٍّ ذِي جِلْدٍ وَ قُوَّةٍ

و....

۲. همان، ص ۱۹: .... فقلت: اصلحك الله شیخ من اشياخ قریش فی هذه الساعه ...



سیره امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز مملو از خدمات اقتصادی و اجتماعی به مردم است. حفر پانصد حلقه چشمه و قنات و هدیه آن به نیازمندان و آزاد شدن هزار برده بر اثر کار کردن امام علی (علیه‌السلام) از این جمله است.<sup>۱</sup>

متأسفانه برخی از افراد، مسائل دینی را طوری مطرح می‌کنند که گویی کار اقتصادی، نوعی دنیاطلبی است و نباید دنبال آن رفت.

## ۲. ندانستن احکام شرعی

یکی از روزنه‌ها و آفت‌های جدی که به فضای کار و تولید آسیب می‌رساند جهل به احکام شرعی است. فرد مسلمان نباید فقط به فنون و اصول کار و تجارت، توجه کند، بلکه باید همزمان به احکام شرعی توجه نماید تا کسب و کارش برکت کند و از درآمد حرام و شبهه‌ناک دور بماند.

آشنایی با احکام شرعی اقتصادی لازمه فعالیت اقتصادی سالم و موفق است، اصولاً اقتصاد وقتی رونق می‌گیرد که با معرفت و آگاهی همه‌جانبه باشد؛ چه بسا عدم آگاهی و آشنایی با احکام فقهی اقتصادی باعث ابتلای ناخواسته افراد به خطا و گناه شود.

در تاریخ آمده است: شخصی به محضر امیر المؤمنین امام علی (علیه‌السلام) آمد و عرض کرد: می‌خواهم به کار تجارت پردازم. حضرت (علیه‌السلام) فرمود: آیا احکام تجارت را یاد گرفته‌ای؟ آن شخص گفت: بعداً یاد می‌گیرم، حضرت فرمود:

«وَيْحَاكَ الْفَقِيهُ ثُمَّ الْمَتَجِرُ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى وَلَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ اِزْتَمَّ فِي الرِّبَا ثُمَّ اِزْتَمَّ»<sup>۲</sup>

وای بر تو، اول احکام فقهی معاملات را یاد بگیر سپس به تجارت پرداز؛ پس همانا کسی که خرید و فروش کند و از حلال و حرام سؤال نکند، در ورطه ربا افتاده است.

بنابراین اولین وظیفه هر مسلمانی که به کسب و کار و تجارت و فعالیت اقتصادی می‌پردازد، آن است که احکام شرعی اقتصادی مورد نیاز را یاد بگیرد تا معامله به صورت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَ كَدَّ يَدَهُ.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷.



صحیح انجام بگیرد و اموالی را که از این راه به دست می‌آید، حلال باشد و بتواند در آن تصرف کند، هم چنین در باتلاق ربا و دیگر محرمات الهی فرو نرود.

### ۳. رباخواری

ربا از آفت‌های خانمان سوز و عامل مهم هدررفت سرمایه و آفت تجارت و کار و تولید است. در قرآن و روایات از «ربا» با بدترین و شدیدترین تعبیرات نام برده شده است.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در حدیثی خطاب به اهل بازار می‌فرماید: ای مردم! نخست مسائل فقهی کسب و تجارت را فرا گیرید و پس از آن به داد و ستد بپردازید. سوگند به پروردگار جهان که افتادن در ورطه رباخواری از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صاف پنهان‌تر است.<sup>۱</sup> لذا اگر چه در بعضی موارد، «ربا» خفی است و به چشم نمی‌آید، اما خداوند آن را با صدایی رسا بیان فرموده است که:

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۲</sup>

پس اگر این عمل را (ربا) ترک نکردید، (معنایش) اعلان جنگ با خدا و رسول اوست.

قرآن در باره حرمت رباخواری می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»<sup>۳</sup>

کسانی که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسوس شیطان دیوانه شده باشد و این، به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است؛ در حالی که خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است.

### توضیح:

در آیه فوق شخص رباخوار، تشبیه به آدم «مصروع» و «دیوانه» شده که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و به طور صحیح گام بردارد. گویا مقصود آیه، بیان چگونگی مشی اجتماعی رباخواران در دنیاست. زیرا آن‌ها عملی همچون دیوانگان

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۳.

۲. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۳. سوره بقره، آیه ۲۷۵.



دارند که فاقد تفکر صحیح اجتماعی است و حتی منافع خود را هم در نظر نمی‌گیرند، زیرا مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی و نوع دوستی برای آن‌ها مفهومی ندارد، و پرستش ثروت چنان عقل و چشم آنان را کور کرده است که نمی‌فهمند استثمار کردن طبقات زیردست و غارت دسترنج آنان، بذر دشمنی را در دل‌های آنان به وجود می‌آورد و در این صورت او هم نخواهد توانست در چنین اجتماعی زندگی راحتی داشته باشد. پس مشی او، مانند دیوانگان است.

یا این که منظور از آیه، قیام در رستخیز و ورود در صحنه قیامت است؛ یعنی به هنگام ورود در آن جهان، به شکل دیوانگان محشور می‌شود. در روایتی در تفسیر آیه می‌خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَكِلَ الرَّبَا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ؛<sup>۱</sup>

رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود مگر این که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، دسته‌ای را دیدم که به حدی شکم آنان بزرگ بود که هرچه کوشش می‌کردند بر خیزند تا راه روند، ممکن نبود و پی در پی به زمین می‌خوردند. از جبرائیل سؤال کردم اینها چه کسانی هستند و جرمشان چیست؟ جواب داد اینها رباخواران هستند.<sup>۲</sup>

خلاصه اینکه در روایت اول، حالت جنون را در دنیا و در دومی، جنون را در آخرت بیان می‌کند.

### منطق رباخواران

همان گونه که در قرآن بیان شده، منطق رباخواران این است که: بیع مانند رباست:

«إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرَّبَا»، قرآن در جواب این‌ها می‌فرماید:

«أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرَّبَا»؛

خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است:

پیدا است که میان این دو فرق روشنی است، چرا که:

۱. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲. همان.





اولاً: در خرید و فروش معمولی، هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند؛ در حالی که در معاملات ربوی، رباخوار هیچ‌گاه ضرر نمی‌کند و تمام زیان‌های احتمالی بر دوش طرف مقابل سنگینی می‌کند و به همین دلیل است که مؤسسات ربوی وسیع‌تر و سرمایه‌دارتر می‌شوند. اما طرف مقابل آن‌ها تحلیل می‌رود. ثانیاً: در تجارت و خرید و فروش معمولی، طرفین در مسیر تولید و توزیع گام بر می‌دارند؛ در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد. ثالثاً: با شیوع رباخواری، سرمایه‌ها در مسیر ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصادی متزلزل می‌گردد؛ در حالی که تجارت صحیح، موجب گردش سالم ثروت است. رابعاً: رباخواری منشأ دشمنی و جنگ‌ها می‌شود.

### علت حرمت ربا

استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «حرمت ربا بر این است که ماهیت ربا، قرض است و قرض - از آن جهت که قرض است - نمی‌تواند سود داشته باشد؛ بلکه سرمایه است که می‌تواند در هنگام جریان داشتن، سود داشته باشد؛ حال هر نوع جریانی که باشد، بازرگانی یا غیر بازرگانی. یعنی وجود عینی سرمایه که در جریان است، می‌تواند سود داشته باشد و قاعده طبیعی همین است که وقتی وجود عینی سرمایه در جریان باشد سودآور است و ملک هر کسی باشد، سود آن متعلق به اوست. در مضاربه، سرمایه از ملک صاحب سرمایه خارج نمی‌شود و ملک اوست و در جریان است، اگر سود دارد، در سود او سهیم است و اگر هم زیان دارد، متوجه اوست و به عامل مربوط نیست. اما طبیعت قرض این است که کسی مال خود را تملیک به دیگری می‌کند و عهده او را مدیون خود قرار می‌دهد. و از همان ساعتی که تملیک کرد، وجود عینی آن مال، ملک اوست و به همین دلیل زیانی که بر این مال وارد می‌شود بر قرض گیرنده وارد است و اگر به مقرض (قرض دهنده) بگویید پولی را که به من دادی تلف شد و از بین رفت، قرض دهنده خواهد گفت به من مربوط نیست. مال از من نبوده و من از شما طلبکارم، به همین دلیل که ضمانتش بر عهده مقرض نیست، سود هم - اگر داشته باشد - از مقرض نیست. یعنی از ملک قرض دهنده خارج می‌شود و در ملک قرض گیرنده وارد می‌شود.



پس طبیعت قرض، اقتضای عقیم بودن می‌کند. و اینکه اگر انسان بخواهد قرض بدهد، باید قرض الحسنه باشد. یعنی یا باید انسان قرض ندهد و یا اگر می‌دهد قرض الحسنه باشد. اینکه من هم پولی را به حالت قرض در بیاورم و در ذمه طرف قرار بدهم و از آن پول که وجود عینش مال من نیست، سود بگیرم، اصلاً از نظر طبیعت حقوقی، کار ظالمانه‌ای است.<sup>۱</sup>

### زیان‌های ربا

۱. اگر صورت مال از بین نرود، برکاتش از بین می‌رود؛ یعنی از آن استفاده و لذت برده نمی‌شود و صاحب مال آن را با هزار حسرت می‌گذارد و می‌رود و وارث هم آن را تضییع می‌کند و بالاخره محق و ناپود می‌شود.
  ۲. نابودکننده دین است. چون مال حرام، قلب را سیاه و شیطان را بر انسان مسلط می‌کند. وقتی دل قستی شد، موعظه در او تأثیر نمی‌کند و توفیق عبادت، سلب می‌گردد.
  ۳. ایمان ضعیف می‌شود تا آن جا که ربا را حلال می‌داند و کافر می‌شود و بی‌ایمان از دنیا می‌رود و تنها وبال و عقوبتش برای او باقی می‌ماند.
  ۴. رباخواری انسان را از فیوضات و ثواب‌های اخروی محروم می‌گرداند و به عذاب و عقوبات گرفتار می‌کند.
- لکن صدقات، چه واجب یا مستحب، باعث زیادی مال و برکت و موجب قبولی اعمال و دفع بلیات و نورانیت قلب و قوه ایمان و دفع شیطان و نجات از عذاب و نیل به ثواب‌ها و ارتقای درجات و حصول ملکه سخاوت می‌شود و بالاخره انسان را به بهشت نائل می‌گرداند.

### ۴. لقمه حرام

یکی از آفت‌های خانواده و اجتماع، خوردن لقمه حرام است که دنیا و آخرت را تباه می‌سازد. امام علی (علیه السلام) به کمیل فرمودند:

يَا كُمَيْلُ إِنَّ اللِّسَانَ يَبُوحُ مِنَ الْقَلْبِ وَالْقَلْبُ يَبُوحُ بِالْغَدَاءِ فَإِنظُرْ فِيمَا تُعَدِّي قَلْبَكَ وَ

۱. استاد مطهری، ربا، بانک و بیمه، ص ۱۰۱.



جِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ؛<sup>۱</sup>

ای کمیل، زبان از قلب سرچشمه می‌گیرد و قلب نیز از غذای انسان، پس به آنچه قلب و جسم خود را به آن تغذیه می‌کنی، توجه کن که اگر حلال نباشد، خداوند متعال نه تسبیح تو را می‌پذیرد و نه شکر تو را.

باری، لقمه حرام، ریشه همه مشکلات است و همه گناهان از آن، ناشی می‌شود، حکایت زیر، به خوبی این معناراروشن می‌کند:



❁ «شریک بن عبدالله بن نخعی، از دانشمندان قرن دوم بود. مهدی عباسی، خلیفه سوم عباسی از او خواست منصب قضاوت را قبول کند. شریک بن عبدالله که می‌دانست قضاوت در دستگاه عباسی، گناه بزرگی است نپذیرفت. خلیفه گفت: پس معلّمی فرزندانم را به عهده بگیر، او نپذیرفت. سرانجام خلیفه به او گفت: پس قبول کن که امروز مهمان من باشی و با هم غذا بخوریم. شریک پذیرفت و بر سر سفره‌ای رنگین با خلیفه، هم غذا شد.

یکی از نزدیکان خلیفه، وقتی شریک بن عبدالله را بر سر سفره دید گفت: امروز، شریک هم منصب قضاوت را می‌پذیرد و هم منصب آموزگاری فرزندان خلیفه را. اتفاقاً همین طور هم شد.

آری، عاقبت لقمه حرام این است که قلب را تیره می‌کند و هیچ عبادتی قبول نمی‌شود و هیچ دعایی به استجابت نمی‌رسد:

بی روزی حلال، دعا نیست مستجاب

از لقمه حرام، شکم را نگاه دار

آه ستم رسیده، محال است رد شود

ای سنگدل، عنان ستم را نگاه دار



این خاطره را هم از پدرم مرحوم حاج محمد آقا جانی دارم که نقل می‌کنم: روزی در مشهد بودم. کسی زنگ زد که فلان مسئول می‌خواهد شما را ببیند. به

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۹۹.



منزل آمد، سبدي از توت هم آورده بود. گفت: من مسئول فلان قسمت از نهادهای کشور هستم. آلبومی از املاک و ساختمان‌های بزرگی از تهران را آورده بود، می‌خواست انتخاب کنم و هر کدام را که می‌پسندم بخرم. با پدرم، مشورت کردم، مرا از این کار منصرف کرد و گفت: خرید و فروش این ساختمان‌ها اشکال دارد، معلوم نیست چگونه تصرف کرده‌اند، دنبال این معامله‌های شبهه‌انگیز نباش. من هم به حرف پدر، عمل کردم و از خرید، منصرف شدم.

### ۵. بهره‌کشی و استثمار

آفت دیگری که سرمایه و کار و تولید را درگیر می‌کند بهره‌کشی از دیگران به نفع خود است؛ بدین معنا که افرادی، کسان دیگر را یا دولتی، دولت دیگر را با قرار داد برای یک سری کارها و خدمات به خدمت بگیرند، ولی در قبال تلاش و کار مفید آن‌ها، حقوق و مزایای در خورشان را نپردازند.

استثمار اقتصادی سبب پیدایش طاغوت اقتصادی می‌گردد.

### راه‌های استثمار و بهره‌کشی

استثمار و بهره‌کشی از دیگران که موجب رکود اقتصادی است و خود موانعی برای رشد اقتصادی هر جامعه‌ای است، راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی دارد که به برخی اشاره می‌کنیم:

#### الف: بیگاری گرفتن مردم

بیگاری گرفتن یعنی از مردم به صورت مفت یا بخور و نمیر کار کشیدن، که در اسلام به شدت از این کار نهی شده است. پیامبر اکرم! در هنگام وفات خود به امیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) وصیت کرد و فرمود:

یا علی، سُخْرَةَ عَلِيٍّ مُسْلِمٍ؛<sup>۱</sup>

ای علی! اجیر و بیگاری گرفتن از مسلمان روا نیست.

#### ب: کاستن از بهای کالا و کار مردم

یکی از روش‌های استثمار اقتصادی آن است که افراد یا دولت‌ها محصولات و

۱. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۷، ص ۱۵۴.



تولیدات و کالاهای دیگران را به قیمت واقعی نخرند و از قیمت آن بکاهند و یا به کارگر، دستمزد واقعی را نپردازند و از قیمت کار مردم بکاهند، قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»<sup>۱</sup>

از بهای کالای مردم کم نکنید و در زمین فساد نکنید.

کم کردن قیمت کالا و کار مردم، سبب نابسامانی اقتصادی و از هم گسیختگی نظام اجتماعی می‌گردد. از این رو قرآن دستور می‌دهد: در زمین فساد نکنید، جامعه را به تباهی نکشانید و به هر گونه استثمار و بهره‌کشی ظالمانه و تضییع حقوق دیگران پایان دهید تا به رشد و عدالت اقتصادی دست یابید.

امام صادق علیه السلام به اسماعیل بن عبدالله قرشی که قصد داشت شخصی را استثمار کند و در امور معاش او فریب دهد، فرمود:

«از خدا بترس، تقوا داشته باش، آن خدایی که تو را آفریده سپس می‌میراند».<sup>۲</sup>

اسماعیل بن عبدالله تصمیم داشت، ملک همسایه خود را با قیمت بسیار ارزان بخرد و همسایه‌اش نیز خریداری غیر از او نداشت، لذا او هم قیمت آن را کاهش داد و امام علیه السلام او را از این کار نهی کرد.<sup>۳</sup>

نمونه روشن این روش استثمار اقتصادی، آن چیزی است که در بسیاری از کشورهای آفریقایی و دیگر ممالک فقیر اتفاق افتاده است. استثمار گران با بستن قراردادهای ارزان درباره معادن و ذخایر زیرزمینی آنان، سرمایه این کشورها را غارت کردند و از سوی دیگر با سوءاستفاده از کارگران، قیمت دستمزد آنان را پایین آوردند، در نتیجه اقتصاد آنان رشد مستقلی ندارد.

## ۶. ویژه‌خواری (رانت خواری)

آفت و روزنه دیگر، رانت‌خواری است؛ یعنی یک یا چند نفر با سوءاستفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه و بدون این که ارزش افزوده بیشتری تولید کنند، درآمد خود را افزایش می‌دهند.

۱. سوره شعرا، آیه ۱۸۳.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۹۳: «فَاتَّقِ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكَ ثُمَّ يُمِيتُكَ».

۳. همان.

رانت‌خواری همان سود بادآورده، درآمد بدون کار و تولید و بدون فعالیت اقتصادی است. افرادی با سوءاستفاده مالی، بدون انجام کار مفید و حتی با انجام کارهای مضر به حال اقتصاد کشور به ازای پرداخت رشوه و پارتی‌بازی به امتیازهای انحصاری اقتصادی دست می‌یابند و ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای کسب می‌کنند، این‌گونه افراد را «رانت‌خوار» گویند.

### آثار منفی رانت

رانت‌خواری، آثار بسیار مخرب بر فرد و اجتماع دارد؛ غفلت‌زدگی، دل‌مردگی، تکبرورزی، فراموشی و عاقبت و آخرت، فساد اخلاقی و روحی، تباهی دین، ضعف یقین، گسترده‌گی فقر و محرومیت از جمله آثار آن است.

رانت‌خواری موجب گسترش فساد اقتصادی مانند: رشوه، تملق و چاپلوسی، زبان‌بازی، دور زدن قانون و... می‌گردد و نیز از عدالت اقتصادی جلوگیری می‌کند. گسترش رانت‌خواری موجب می‌شود تا منابع اقتصادی از فعالیت‌های تولیدی خارج شوند و به سوی فعالیت‌های غیر مولد، سوق داده شود و رانت‌خوار به افزودن طلبی و طغیان‌گری و سرکشی روی آورد.

### انواع رانت

البته باید توجه داشت رانت‌خواری منحصر در رانت اقتصادی نیست، بلکه رانت قضایی، رانت اطلاعاتی، رانت آموزشی و... وجود دارد؛ لیکن در میان انواع رانت‌ها، رانت اقتصادی بیشتر شایع و رایج است.

رانت‌خواری از هر نوعی که باشد، یکی از معضلات مهم جوامع بشری است که گریبان‌گیر همه است و در همه سطوح چه کلان و چه خرد دیده می‌شود و مبارزه با آن یک کار سخت پیچیده و دشوار است.

### ۷. دروغ

دروغ کلید هر کجی و انحراف و گناه است. باید توجه داشت که امروزه «رانت



اطلاعاتی»، بسیاری از ویژه‌خواران را صاحب ثروت فراوان کرده است. مثلاً مهندسان و مسئولانی در شهرداری‌ها یا وزارت خانه‌ها اطلاع دارند که خیابان‌ها و جاده‌های آینده کدام است و چه خانه‌ها و املاکی در مسیر قرار می‌گیرند، اما مردم عادی و صاحبان املاک، خبر ندارند، لذا این کارشناسان پیشاپیش خانه‌ها و منازل مردم را می‌خرند.

روزی یکی از مسئولان شهرداری پیش من آمد و گفت: پیشنهاد یک کار پرسودی را برای شما دارم. ما چند کارشناس و مهندس هستیم و خانه‌ها و املاکی که در طرح خیابان‌کشی‌های جدید، موقعیت مرغوب پیدا می‌کنند و صاحبانشان اطلاع ندارند، پیشاپیش می‌خریم. شما بیایید در خرید این املاک، سرمایه‌گذاری کنید و با هم سود خوبی می‌بریم. من گفتم: چون صاحبان این ساختمان‌ها و املاک، مطلع نیستند، این کار، رانت‌خواری است و من نمی‌کنم.

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: خداوند متعال برای شرّ و بدی قفل‌هایی قرار داده که کلید آن قفل‌ها شراب است. (چون عقل، مانع زشتی‌ها و فسادها است و مشروبات الکلی عقل را از کار می‌اندازد) سپس اضافه فرمودند: دروغ، از شراب بدتر است. در احادیث متعددی به ناسازگاری دروغ با ایمان اشاره شده است. از جمله در حدیث آمده است:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَيَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَيَكُونُ كَذَّابًا قَالَ لَا؛<sup>۱</sup>

از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: آیا مؤمن ممکن است ترسو باشد؟ فرمود: آری؛ سپس پرسید: ممکن است بخیل باشد؟ فرمود: آری؛ پرسید: ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: خیر.

### صورت‌های مختلف دروغ

هر دروغ‌گویی، با نوعی از دروغ‌سر و کار دارد. اختلاف دروغ‌ها در اثر اختلاف دروغ‌گوهاست که هر یک با دیگری از نظر روحیه، یا موقعیت، یا وضع اقتصادی یا جهات خانوادگی و... تفاوت دارند.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۵۹۵.

## دروغ در کار و تجارت

بعضی به انگیزه سود بیشتر، دروغ می‌گویند و با این گمان باطل، خود را آلوده به گناه کرده و مال حلال را تبدیل به حرام می‌کنند. دروغ در کسب و کار و تجارت، خود انواعی دارد:

الف - دروغ قولی: مثل اینکه به دروغ بگویند این جنس را به فلان مقدار خریده‌ام.  
ب - دروغ عملی: گاهی به صورت «غش در معامله» است؛ یعنی تقلب در جنس، به عبارت دیگر، مخلوط کردن جنس عالی با جنسی که در قیمت مساوی با آن نیست. آن‌گاه مجموع را به نام جنس عالی و به قیمت آن فروختن. مثل اینکه در شیر، آب کرده شود و به جای شیر خالص فروخته شود، یا طلا با مس مخلوط شود، و به جای طلای ناب فروخته شود و یا چای بد در چای خوب مخلوط شود و در روغن، پیه داخل شود...

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس در خرید و فروش با مسلمانی غش کند از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور خواهد شد، زیرا یهودیان متقلب‌ترین افراد با مسلمانان هستند.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) در بازار مدینه به گندم فروشی برخورد کرد و به او فرمود: غذای خوبی می‌بینم. از قیمت آن سؤال کرد. در همین حال از طرف خداوند متعال وحی آمد که ای رسول من، دست خود را در درون آن جنس کن. پس حضرتش چنین کرد و در آن گندم‌های نامرغوب پیدا شد به فروشنده آن فرمود: کار تو با مسلمانان، خیانت و غش و فریب است.<sup>۲</sup>

حتی اگر مکان یا زمان باعث تغییر در جنس شود و هویت آن بر مشتری نامعلوم گردد، نباید در آنجا معامله کرد تا مشتری دچار غش شود.

كُنْتُ أبيعُ السَّابِرِيَّ فِي الظَّلَالِ فَمَرَّبِي أَبُو الحَسَنِ مُوسَى ع فَقَالَ لِي يَا هِشَامُ إِنَّ البَيْعَ فِي الظِّلِّ غِشٌّ وَإِنَّ الغِشَّ لَا يَحِلُّ؛<sup>۳</sup>

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

۲. همان.

۳. مجلسی، کافی، ج ۵، ص ۲۶۱.





حضرت در حالی که سواره بود، دید من در سایه لباس می فروشم؛ فرمود: ای هشام معامله کردن در سایه غش است و غش هم حلال نیست.

گاهی دروغ عملی «تدلیس» است؛ یعنی جنسی که فاقد صفت ممتازی است، آن را واجد صفت وانمود کردن و خلاف واقع نشان دادن است. مثل این که خانه را سفید و رنگ کاری کنند تا مشتری از باطن آن اطلاع پیدا نکند. در سبد میوه میوه‌های درشت را روی آن قرار دادن، کیلومتر اتومبیل را تغییر دادن... و...

لذا اگر مغازه‌داری بداند با روشن کردن مهتابی‌ها باعث تغییر رنگ در اجناس می‌شود و مشتری هم به خاطر همان رنگ ظاهری، آن را می‌خرد، تدلیس و فریب است. البته در همه این موارد، اگر بر مشتری خلاف واقع معلوم شود، حق فسخ را خواهد داشت. بنابراین تدلیس، خیانت و تقلب و کلاه‌برداری است و مسلمانان بایستی از این کار زشت پرهیزند. و اصولاً بهترین وسیله برای پیشرفت کسب و کار، همان درستی و اخلاق نیک است که مشتری را جذب و موجب برکت خواهد گردید.

### زیان‌های اجتماعی دروغ

دروغ، زیان‌های اجتماعی و روانی دارد. امام علی (علیه السلام) فرمود: دروغگو بر لب پرتگاه خواری و هلاکت قرار دارد. زیرا دروغ، ایمان را از قلب دروغگو بیرون می‌آورد، و خودش به جای آن بر زبانش می‌نشیند. وقتی چنین شد، خیانت و دزدی می‌کند و حق مردم را نمی‌دهد و وجودش برای جامعه زیان‌آور می‌شود. نزد دوست و دشمن احترام ندارد، مسلمان و غیر مسلمان برای او ارزشی قائل نیست و هیچ عاقلی به او اعتماد نمی‌کند و سرانجام، نزد همه منفور و خوار می‌شود و در سراسیمگی نابودی قرار می‌گیرد. پیامبر اسلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ»؛<sup>۱</sup> از دروغ پرهیز که آدم را روسیاه می‌کند.

سعدی هم سروده است:

یکی را که عادت بود راستی  
وگر نامور شد به قولِ دروغ  
خطایی در گذارند از او  
دگر راست باور ندارند از او<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۷.

۲. گلستان سعدی، باب هشتم.

## زیان‌های اقتصادی دروغ

شخصیت و ارزش تجار در بازار، بر پایه اعتبار استوار است، نه ثروت. در بازار، اول شخص، کسی است که از لحاظ اعتبار، اول باشد؛ هر چند ثروتی نداشته باشد. اگر سرمایه‌داری در بازار اعتبار نداشته باشد، موقعیتی نخواهد داشت. باید قول تاجر، در بازار از هر سند دولتی معتبرتر و محکم‌تر باشد. حال سرمایه این اعتبار غیر از راستی و صداقت، چیز دیگری می‌تواند باشد؟ هرگز. اما دروغ‌گویی باعث می‌شود که اگر فردی، اعتبار مالی هم پیش دیگران داشته باشد، سلب شود و هر کسی به وعده با او معامله نکند و کسی هم از او قبول ضمانت ننماید. زیرا به چنین کسی اعتماد کردن، خلاف عقل است، دروغ، دروغگو را تنها قرار می‌دهد و دروغگویار و غم‌خواری ندارد. چرا که یاری و همراهی کردن از عاطفه انسان بر می‌خیزد و کسی به لحاظ عاطفی هم برای دروغگو دل نمی‌سوزاند.

## سرنوشت دروغگو



🌸 روزی حضرت عیسی علیه السلام در سفری، همراهی پیدا کرد. آن دو پس از مدتی راه رفتن گرسنه شدند. به دهکده‌ای رسیدند و حضرت به آن مرد همراه خود فرمود باید نانی تهیه کنیم. آن مرد پذیرفت که تهیه نان با او باشد. حضرت مشغول نماز بود که آن مرد سه قرص نان آورد و مقداری صبر کرد تا نماز حضرت به پایان رسد. چون مقداری طول کشید، یکی از نان‌ها را خورد. بعد حضرت پرسید قرص دیگر نان چه شد؟ او گفت: همین دو تا بود. پس از آن مقداری راه رفتند تا به چند آهو برخوردند، حضرت یکی از آن‌ها را به نزد خود فرا خواند و بعد ذبح کرد و با یکدیگر خوردند. بعد از خوردن، حضرت به آن آهو فرمود: «قم باذن الله» یعنی به اذن خدا حرکت کن. آهو حرکت کرد، آن مرد از آن جا که حضرت را نمی‌شناخت بسیار تعجب کرد و «سبحان الله» گفت. حضرت فرمود تو را قسم می‌دهم به حق آن کسی که این نشانه قدرت را برای تو آشکار نمود، بگو نان سوم چه شد؟ جواب داد دو نان بیشتر نبود. دو مرتبه به راه افتادند، نزدیک دهکده دیگری رسیدند در



آن جا سه خشت طلا افتاده بود. همراه حضرت گفت این جا ثروت و مال فراوان است. حضرت فرمود: آری. یک خشت طلا از تو، یکی از من و سومی هم مال کسی است که نان را برداشته. مرد حریص که به دروغ می‌گفت نخورده‌ام، چون دید که مسئله مال به میان آمده است، اقرار کرد. آن‌گاه حضرت هر سه را به او واگذار کرد و از او جدا شد و رفت.

آن مرد کنار خشت‌ها نشسته بود و در حال فکر کردن بود که چگونه آن‌ها را با خود ببرد، سه نفر از آن‌جا عبور نمودند و این مرد را با طلاها دیدند. این‌ها که نتوانستند از آن همه ثروت چشم‌پوشی کنند، لذا همسفر و همراه حضرت عیسی (علیه السلام) را کشته و طلاها را برداشتند. چون گرسنه شدند، قرار بر این گذاشتند که یکی از آن سه نفر نان تهیه کند تا بخورند. شخصی که برای تهیه نان رفته بود، با خود گفت من نان‌ها را مسموم می‌کنم تا آن دو پس از خوردن بمیرند و خود، همه را بردارم. آن دو نفر هم قبل از آوردن نان با خود عهد بستند که رفیق خود را پس از بازگشت بکشند تا چیزی سهم او نباشد. لذا هنگامی که نان را آورد، او را کشتند و با خیالی راحت به خوردن نان مشغول شدند. طولی نکشید که همه آن‌ها مردند. حضرت عیسی (علیه السلام) پس از مراجعت، چهار کشته را به خاطر دروغ‌گویی و برای رسیدن به مال دنیا مشاهده کرد و فرمود: «هكذا تفعل الدنيا باهلها»؛ این است رفتار دنیا نسبت به اهل آن.<sup>۱</sup>



## ثمره دروغ

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

ثَمْرَةُ الْكِذْبِ الْمِهَانَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ فِي الْآخِرَةِ؛<sup>۲</sup>

نتیجه دروغ‌گویی، چیزی جز خواری و ضعف در دنیا و عذاب در آخرت نیست.

بنابراین اگر انسان خود را امین و درستکار بداند ولی در باطن نادرست و خیانتکار باشد، از زشت‌ترین زشتیها و از پلیدترین پلیدی‌هاست.

۱. جزایری، انوار نعمانیه، ص ۳۵۳.

۲. آمدی، غررالحکم، ج ۳، ص ۳۳۳.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ؛<sup>۱</sup>

نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید؛ چرا که ممکن است عادت آن‌ها باشد، به طوری که اگر آن را ترک کنند، ناراحت شوند؛ بلکه نگاه به راست‌گویی و امانت‌داری آن‌ها کنید. این که راست‌گویی و امانت‌داری همراه هم آمده، به خاطر این است که ریشه مشترکی دارند. زیرا راست‌گویی چیزی جز امانت در سخن نیست و امانت‌داری نیز چیزی جز راستی در عمل نیست. ثمره طبیعی دروغ‌گویی این است که عذاب وجدان و بی‌اعتمادی می‌آورد، اما راست‌گویی آرامش بخش است؛ داستان زیر این مهم را کاملاً بیان می‌کند:



🌸 **پسر و دختر کوچکی، مشغول بازی بودند. پسرک چند تيله داشت و دخترک چند شیرینی. پسر به دختر گفت: من همه تيله‌هايم را به تو می‌دهم، در عوض، تو همه شیرینی‌هايت را به من بده. دخترک قبول کرد، اما پسر، بهترین و بزرگ‌ترین تيله را پنهانی، برای خود برداشت و بقیه را به دختر داد. اما دختر کوچولو در کمال صداقت تمام شیرینی‌ها را داد.** آن شب، دخترک با آرامش کامل خوابید، ولی پسر نمی‌توانست بخوابد، چون با خود فکر می‌کرد همان طور که خودش بهترین تيله‌اش را پنهان کرده، شاید دختر هم مثل او مقداری از شیرینی‌هايش را پنهان کرده است.



در مقابل دروغ‌گویی، صداقت و راستی، بسیار نتیجه‌بخش است. بهشت، نصیب کاسب‌ها و تاجر‌هایی است که منش و روش آن‌ها بر راست‌گویی است، رسول خدا ﷺ فرمود:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ؛<sup>۲</sup>

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۸.  
 ۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۲۵.



اول کسی که وارد بهشت می‌گردد، کاسب راستگو است.

## ۸. رشوه‌خواری و اختلاس

یکی از موانع مهم رشد اقتصادی و روزنه‌هلاک‌کننده، رشوه‌خواری و اختلاس است. رشوه‌خواری و اختلاس چه در مقیاس کوچک و چه در مقیاس بزرگ، آسیب فراوانی به اقتصاد جامعه وارد می‌کند و موجب سقوط و زوال جامعه می‌شود. شیوع رشوه‌خواری و اختلاس در یک کشور، علاوه بر این که امنیت اقتصادی، حقوقی و اختلاقی را از بین می‌برد، مانع بزرگی برای جهاد اقتصادی است. برای این که افراد و اشخاص به جای تلاش و کوشش، ابتکار و خلاقیت، ارائه طرح‌های مفید و سازنده در راستای تأمین معاش خود به رشوه‌خواری روی می‌آورند. رشوه‌خواری و اختلاس، انگیزه و اعتماد عمومی را از بین می‌برد و جامعه را به سوی بداخلاقی سوق می‌دهد.

رشوه‌خواری و اختلاس بلای خانمان‌سوزی است که تمام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را مختل می‌کند، ثبات اقتصادی و مالی را از بین می‌برد، در روند اصلاحات اقتصادی و مالی اختلال ایجاد می‌کند و در یک کلام، اقتصاد کشور را به شدت متزلزل می‌کند و فساد اقتصادی را گسترش می‌دهد.

## معنای رشوه و اختلاس

«رشوه» چیزی است که به کسی داده می‌شود تا کاری بر خلاف وظیفه خود انجام بدهد؛ یعنی حق کسی را ضایع کند و یا حکمی بر خلاف حق و عدالت صادر کند. «اختلاس» نیز به معنای برداشت و استفاده غیر مجاز از اموال متعلق به دولت و یا اشخاص دیگر از طریق حیله و نیرنگ. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ

النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>

۱. بقره، آیه ۸۸.

اموال خود را به باطل و ناحق در میان یکدیگر نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه و دادن قسمتی از آن به حکام دست اندازی نکنید، در حالی که می‌دانید این کار گناه است.

گاهی اختلاس و رشوه در اموال شخصی است. گاهی در اموال عمومی و دولتی، گاهی در عین مال است گاهی در منفعت. گاهی در حقوق است و گاهی در انتفاع و بهره‌وری از چیزی. هر کدام از این‌ها دارای حکم ویژه‌اند و تعدی و تجاوز به هر یک از آن‌ها مشمول نهی از اکل مال به باطل است.

### نکوهش و مذمت رشوه

از آن‌جا که «رشوه» عملی شنیع و زشت است احادیث فراوانی در نکوهش و مذمت آن وارد شده است؛ در حدیثی پیامبر اکرم فرمود:

الرَّائِسِيُّ وَالْمُرْتَشِي فِي النَّارِ؛<sup>۱</sup>

رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده هر دو در آتش جهنم هستند.

گاهی بعضی افراد با نیرنگ و خدعه، به اسم هدیه رشوه می‌گیرند و آن را حلال می‌شمارند پیامبر اکرم فرمودند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُسْتَحَلُّ فِيهِ الرَّبَا بِالْبَيْعِ وَالْخَمْرُ بِالْبَيْزِ وَالسُّحْتُ بِالْهَدِيَّةِ؛<sup>۲</sup>

برای مردم، روزگاری می‌آید که مال حرام و رشوه را به عنوان هدیه حلال خواهند شمرد. متأسفانه یکی از عوامل فساد اداری، همین رشوه‌خواری است. بعضی مدیران و کارکنان، به سبب پست و منصبی که دارند با بهانه‌های مختلف به این کار دست می‌زنند.



🌀 مواد اولیه به یکی از گمرک‌ها آورده بودیم، کارشناسان گفته بودند صاحب کالا را معرفی کنید. من به آن‌جا رفتم، مسئول گمرک، خیلی تحویل گرفت و مرا به ناهار دعوت کرد. او در این ملاقات، پیشنهاد داد که نام کالا را عوض کنیم

۱. ابوالقاسم پاینده، ترجمه نهج الفصاحه، ص ۳۲۰.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲۲.



تا تعرفه گمرکی آن کمتر شود. در این کار، آن زمان، پانصد میلیون، سهم بنده می‌شد، رئیس گمرک هم همین مبلغ، نصیبش می‌شد. من نپذیرفتم، خیلی حرف زد و سود کار را از جنبه‌های مختلف گفت، ولی با قاطعیت رد کردم. پیشنهاد او از صداقت به دور بود و نوعی رشوه هم محسوب می‌شد.



## ۹. گناه

یکی دیگر از موانع رشد اقتصادی و روزنه خطرناک هدررفت سرمایه، گناه و دوری از یاد خداست. گناه آثار فراوانی در زندگی انسان می‌گذارد از بین رفتن نعمت‌هایی است که خداوند به ایشان عطا فرموده است. گناه، مانع رشد انسان در تمام جنبه‌ها به خصوص مانع رشد اقتصادی است.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«به خدا قسم هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشده، مگر به واسطه گناهایی که مرتکب شدند؛ زیرا خداوند هرگز به بندگان ستم روا نمی‌دارد».<sup>۱</sup>  
خداوند متعال در قرآن یک نمونه عینی ذکر می‌کند که گناه، مانع رشد اقتصادی است و می‌فرماید:

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعِمِ اللَّهُ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛<sup>۲</sup>

خداوند برای شما مثلی زده است به یک شهری که در نهایت امن و امان بوده و ساکنانش با اطمینان در آن زندگی می‌کردند و هرگز مجبور به مهاجرت و کوچ کردن نبودند؛ علاوه بر نعمت امنیت انواع روزی‌های مورد نیازشان به طور وافر و از هر مکانی به سوی آن می‌آمد؛ اما سرانجام ساکنان این آبادی، کفران نعمت‌های خدا کردند، خدا هم لباس گرسنگی و ترس را به خاطر اعمالشان بر اندام آن‌ها پوشانید.

در این آیه شریفه نکات فراوان وجود دارد، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

«این شهر، مربوط به گروهی از بنی اسرائیل بوده که زندگی مرفهی داشتند؛ لیکن بر اثر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲. نحل، آیه ۱۱۲.

گناه و کفران نعمت دچار رکود اقتصادی شدند تا جایی که مجبور شدند غذاهای آلوده را بخورند. خداوند این قریه را مثال زد تا درس عبرتی برای همگان باشد.<sup>۱</sup>

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که ساکنان این شهر هم از امنیت پایدار بهره‌مند بودند و هم از رشد و وفور اقتصادی؛ اما وقتی گناه کردند و کفران نعمت نمودند، هم ناامنی به سراغشان آمد و هم دچار ترس شدند و هم به فقر و رکود اقتصادی مبتلا گشتند. روایات فراوانی داریم که دلالت می‌کند که گناه و دوری از یاد خدا موجب زوال نعمت می‌شود. برای نمونه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُذْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ؛<sup>۲</sup>

همانا انسان گناهی را مرتکب می‌شود با آن گناه رزق و روزی او دفع می‌شود (و دچار رکود اقتصادی می‌گردد).

در دعای کمیل می‌خوانیم: «اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ» یکی از سنت‌های الهی آن است که رشد اقتصادی، مشروط به دوری از گناه و رعایت ایمان و تقواست؛ خدای متعالی می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛<sup>۳</sup>

اگر مردم شهرها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشاییم؛ اما آن‌ها تکذیب کردند، پس ما نیز به خاطر آنچه آن‌ها کردند، نعمت‌های خودمان را از آنان گرفتیم.

قرآن، ایمان و تقوا را عامل رشد اقتصادی می‌داند و در مقابل، کفران نعمت و اعراض از خدا، طغیان، ظلم و ستم، خوردن مال دیگران، اسراف، کم‌کاری، بد اخلاقی و... را مانع رشد اقتصادی می‌داند.

بر اساس این آیات، یک رابطه عمیقی بین گناه و کفران نعمت با رکود اقتصادی و بین ایمان و تقوا و یاد خدا با رشد اقتصادی وجود دارد. اگر در جامعه‌ای گناه صورت گیرد، برکت از اقتصاد و زندگی آن جامعه برداشته می‌شود.

۱. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۹۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. اعراف، آیه ۹۶.





فقر اقتصادی و ناامنی اجتماعی، از نشانه‌های بی‌اعتنایی جامعه به ارزش‌های دینی است.

این آیه شریفه، درس عبرت و هشدار است برای همه افراد و ملت‌هایی که غرق در نعمت‌های الهی هستند، لیکن با کفران نعمت و دوری از یاد خدا و با اسراف و تبذیر گرفتار فقر و فلاکت می‌شوند. برای آن‌هایی که همیشه نیمی از غذای اضافی خود را به زباله‌دان‌ها می‌ریزند. برای آن‌ها که برای سفره‌ای که سه یا چهار نفر میهمان بر سر آن دعوت شده است، معادل غذای بیست نفر از غذاهای رنگین تهیه می‌بینند و حتی باقی‌مانده آن را به مصرف انسان‌های گرسنه نمی‌رسانند. هشدار است برای کسانی که اسراف می‌کنند و ریخت و پاش می‌نمایند و این عمل را برای خود فخری می‌دانند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«گاه پدرم امام باقر (علیه السلام) غذای کمی که از سفره بیرون می‌افتاد به جست‌وجوی آن می‌پرداخت، به حدی که خادم منزل می‌خندید که چرا به دنبال یک ذره غذا می‌گردد. آن‌گاه فرمود: پدرم این حدیث را فرمود: بدانید جمعیتی پیش از شما زندگی می‌کردند که خداوند به آن‌ها نعمت فراوان داد؛ اما آن‌ها کفران نعمت کردند و مواد غذایی را بی‌جهت از میان بردند و خداوند هم برکات خود را از آن‌ها گرفت و به قحطی گرفتارشان ساخت.

## ۱۰. آزمندی و حرص

حرص یک حالت درونی است که انسان را به جمع مال و ثروت وامی‌دارد، به طوری که امور مالی همچون قطبی می‌شود و تمام افکار و تلاش‌ها و کوشش‌ها بر محور آن دور می‌زند و پیوسته رویای سعادت خیالی، حواسش را به خود معطوف می‌دارد و به قدری پای‌بند عشق به مال می‌شود که همه چیز را فراموش کرده و حتی حاضر است فضایل اخلاقی و اصول انسانیت را در آستان آن قربانی کند و هرچه بیشتر دامنه فعالیت و سرعت حرکت خود می‌افزاید، احساس احتیاج در او عمیق‌تر می‌شود.<sup>۱</sup> حرص برای انبات بی‌جای ثروت و دارایی، اثر آب شور را دارد. هرچه انسان زیاده‌تر از آن بیاشامد بیشتر در خویشتن احساس تشنگی می‌کند.

۱. راغب در مفردات حرص را به معنای شدت تمایل به چیزی می‌داند.



حریص را نکند نعمت دو عالم سیر همیشه آتش سوزنده اشتها دارد البته باید به این نکته توجه داشت که پیشرفت اقتصادی و تلاش برای تولید مثبت، خودبه‌خود، سرمایه‌ای را برای انسان فراهم می‌آورد، این فعالیت‌های مثبت، به معنای حرص نیست و با پول‌پرستی تفاوت کلی دارد، لذا باید حساب هر یک از دیگری جدا ساخت.

### آثار حرص

**الف.** اگر حرص بر روح ملتی حاکم شود، صحنه حیات اجتماعی آن‌ها به یک میدان نبرد و تنازع تبدیل می‌شود، زیرا بسیار می‌شود که منافع افراد در تضاد با منافع دیگران قرار می‌گیرد و چنین افرادی منافع خود را به بهای هلاکت افراد دیگر تأمین می‌کنند و از این‌رو به رباخواری، گران‌فروشی، غش در معامله، کم‌فروشی، احتکار و امثال آن روی می‌آورند.

**ب.** حریص به حقیقت، اسیر و بنده مال بوده، زنجیر نامرئی را به گردن نهاده است. او تسلیم افکار ناپخته خویش است و تصور می‌کند این ثروت هنگفت یک ذخیره احتیاطی است که برای روز مبادا تهیه دیده اما هنگامی به اشتباه خود پی می‌برد که ساعت عمر، زنگ خطر را می‌نوازد و پایان دقایق زندگی دردناک را اعلام می‌کند. در آن لحظات حساس با یأس و ناامیدی به اندوخته‌هایی که محصول یک عمر رنج و مشقت است نگر بسته و سرانجام با یک دنیا حسرت و ندامت آرزوها و رویاهای طلایی را با خود به گور می‌برد، امام باقر علیه السلام حقیقت زندگی حریص را چنین تشبیه می‌کند:

مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةٍ الْقَرِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفَأَ كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ عَمًّا؛<sup>۱</sup>

آزمند نسبت به دنیا همچون کرم ابریشم است، هرچه بیشتر پیرامون خود می‌تند، راه نجات خویش را دشوارتر می‌سازد تا آن‌گاه که از فرط اندوه در آن جان سپارد.

**ج.** حرص به جمع‌آوری مال و ثروت، انسان را از معنویات و ارزش‌ها دور می‌سازد. بسیار هستند کسانی که برای پول ارزش‌ها را زیر پا گذاشته و تعهدی در معامله ندارند. اگر به نفعشان نباشد معامله قطعی را به هم می‌زنند.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۴.



د. حرص سرچشمه بخل می‌شود، زیرا حریص می‌خواهد همه چیز را برای خود حفظ کند و نیز حرص است که گاه سبب جنح و بی‌تابی می‌شود، زیرا حریص هرگاه بعضی امکانات را از دست داد، پریشان و بی‌تاب می‌شود.

هـ. حرص مایه رنج و زحمت ابدی است. هرگاه در احوال حریصان دقیق می‌شویم و زندگی پر درد و رنج و مشقت آن‌ها را بررسی می‌کنیم می‌بینیم شب و روز می‌دوند و اموالی را گردآوری می‌کنند بدون آن‌که آن را در راه فعالیت مثبت اقتصادی به جریان بیندازند و جامعه را از آن، بهره‌مند کنند.

سعدی شیرین سخن، زیبا سروده است که:

گفت چشم تنگ دنیا دوست را      یا قناعت پر کند یا خاک گور  
و. انسان حریص هرگز سیر نمی‌شود، به همین دلیل دائماً برای جمع‌آوری و اندوختن ثروت تلاش می‌کند و یک گام مثبت برای جامعه بر نمی‌دارد و در هیچ امر خیری شرکت نمی‌کند؛ حتی خودش از آن بهره نمی‌گیرد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

الحریصُ فقیر و لو ملک الدنيا بخذا فیرها<sup>۱</sup>

آدم حریص فقیر است هر چند تمام دنیا را مالک شود.

ز. حرص از اموری است که سرچشمه بسیاری از گناهان می‌شود. از جمله دروغ، عدم مراعات حلال و حرام، ترک احترام به حقوق مردم و آلوده شدن به انواع ظلم و ستم‌ها.

بدین ترتیب حرص پیامدهای بسیار خطرناک و زیانباری دارد، انسان را از خدا دور می‌کند، شخصیت انسان را در هم می‌شکند، آرامش را از او می‌گیرد، به گناهان بزرگی آلوده می‌سازد و در یک جمله، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۱۱. بداخلاقی

بداخلاقی، ضعف بزرگی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی است. در زمینه اقتصاد هم روزنه خانمان‌سوزی است. هیچ فعال اقتصادی دوست ندارد

۱. آمدی، غرالحکم، ص ۲۹۵.

۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۹۵.



با آدم‌های بداخلاق کار کند. اگر بهترین کار و کیفی‌ترین محصول با بداخلاق و ترش‌رویی به مشتری ارائه شود، هیچ لذتی از آن نخواهد برد. اساساً بداخلاق در درازمدت به روند تجارت و تولید، آسیب جدی وارد می‌کند، از همین رو است که باید از آن بر حذر بود.

امام علی علیه السلام فرمود:

سُوءُ الْخُلُقِ نَكْدُ الْعَيْشِ وَ عَذَابُ النَّفْسِ؛<sup>۱</sup>

بداخلاق زندگی را تیره می‌کند و مایه عذاب نفس است.

## ۱۲. مال‌پرستی

آفت دیگر تولید و تجارت و سرمایه، مال‌پرستی است. احساس وابستگی به مال و ثروت می‌تواند در افراد کوتاه‌نظر و ضعیف‌النفس اثر نامطلوب بگذارد.

قرآن کریم در مذمت وابستگی به مال می‌فرماید:

«وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا»<sup>۲</sup>

مال را دوست می‌دارید دوست‌داشتنی بسیار.

مال و ثروت و سرمایه، نعمت بزرگ الهی است، اما به شرطی که در مسیر صحیح به جریان بیفتند. جمع کردن مال و محروم کردن دیگران از آن، در واقع همان مال‌پرستی است. من چند نفر از سرمایه‌داران قم را می‌شناسم که فقط به فکر انباشت سرمایه هستند و پول را در جهت تولید مثبت به جریان نمی‌اندازند. کار آن‌ها خریدن املاک و زمین‌های مختلف و یا اشیاء قیمتی به منظور گران شدن آن‌هاست. به تجربه دیده‌ایم که چنین اموالی، بی‌برکت است. برکت در این است که پول و سرمایه داشته باشی و آن را در مسیر تولید و تجارت به گردش درآوری. مطالعه و بررسی زندگی افرادی که از سرمایه خود، برکت دیده‌اند نشان می‌دهد که خیر واقعی کجاست؟ لذت زندگی به این است که با به جریان انداختن پول و امکانات، مردم اشتغال مفید داشته باشند و بتوانند خانواده خود را اداره کنند. سود و سرمایه‌ای که از این راه می‌رسد، پراز خیر و برکت است. داشتن چنین

۱. آمدی، غرالحکم، ج ۷، ص ۹۶.

۲. سوره فجر، آیه ۲۰.



سرمایه‌ای، نه تنها قابل مذمت نیست، بلکه عین «خیر» است. سرمایه و امکانات داشتن، وقتی نامبارک است که انسان از خدا غافل شود و در سود خود، غرق گردد.

چيست دنیا از خدا غافل بدن  
نی قماش و نقره و فرزند و زن  
مال را چون بهر دین گشتی حمول  
نعم مال صالح گفت آن رسول  
آب در کشتی هلاک کشتی است  
لیک در بیرون کشتی، پستی است ۵

بنابراین تلاش اقتصادی و فعالیت‌های مثبت تولیدی و تجاری، به معنای مال‌پرستی نیست، بلکه مال‌پرستی به این معناست که ثروت و مال، انسان را از یاد خدا و رسیدگی به مردم، غافل کند.

کسانی که سرمایه‌ای جمع کرده‌اند و آن را در راه صحیح و برای رونق اقتصادی به کار می‌گیرند، مال‌پرست نیستند، ثروت‌اندوزانِ غافل از مردم و خدا، مال‌پرست هستند. به داستان زیر توجه کنید:

ثعلبه یکی از اصحاب پیامبر ﷺ بود که همواره در نماز جماعت حضور می‌یافت. روزی به رسول خدا فرمود: یا رسول الله از خدا تقاضا کن تا به من ثروتی فراوان دهد. پیامبر فرمود: مال اندکی که بتوانی شکرگزاری آن را به جا آوری بهتر است از ثروت فراوانی که نتوانی شکر آن را ادا نمایی. او چندین بار دیگر تقاضای خود را تکرار کرد و پاسخ پیامبر همان بود. او گفت اگر ثروت فراوانی در اختیارم قرار گیرد حق آن را ادا می‌کنم. پیامبر برای او دعا فرمود. ثعلبه گوسفندی خرید و این گوسفند به قدری زاد و ولد نمود که او را به سرعت به یکی از دامداران بزرگ تبدیل نمود. به طوری که اطراف مدینه ثعلبه را کفاف نداد و به بیابان‌های دوردست کوچ کرد و فقط آخر هفته در نماز جمعه شرکت می‌نمود. تا اینکه کثرت دام حتی وی را از شرکت در نماز جمعه هم باز داشت. سپس ماهی یک بار و کم‌کم سالی یک بار سری به مدینه می‌زد. هنگامی که آیه زکات نازل شد، پیامبر هیئتی را برای جمع‌آوری زکات نزد ثعلبه فرستاد. آنان نامه پیامبر را برای او قرائت کردند. او گفت: از دیگران جمع‌آوری کنید و در پایان سری به من بزنید، بار دوم که به سراغ وی آمدند از دادن زکات خودداری نمود. پیامبر در مورد او فرمود: وای بر ثعلبه، وای بر ثعلبه.<sup>۱</sup>

۱. حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۴۶.

### ۱۳. غش در معامله

آفت و روزنه دیگر بر پیکره اقتصاد و تولید، غش در معامله است. غش یعنی مخفی کردن عیب کالا یا قالب کردن جنس بدل یا دست دوم به جای جنس اصلی یا جنس معیوب را با جنس خوب مخلوط کردن مانند مخلوط کردن شیر با آب، گندم بد و خوب، روغن حیوانی با روغن نباتی، چای مرغوب با نامرغوب، برنج ایرانی و خارجی، استفاده از برجسب‌های تقلبی و....

رسول خدا ﷺ از کنار مغازه خرمافروشی می‌گذشت، نگاهش به ظرف خرمایی افتاد، وقتی دقت کرد، دید خرمافروش جنس مرغوبش را در معرض دید مشتری قرار داده و خرماهای نامرغوب را با آن مخلوط نموده و از آن به مشتری می‌دهد. پیامبر خطاب به فروشنده فرمود:

«فلانی می‌دانی کسی که در کسب و کارش به مسلمین خیانت کند از مسلمانان نیست؟»<sup>۱</sup>

اگر گندم نما و جو فروشی شراب از ساقی کوثر ننوشی بی‌تردید غش از دیدگاه قرآن و آموزه‌های اسلامی کاری حرام و غیر مشروع است. پیامبر فرمود:

و من غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ؛<sup>۲</sup>

هر کس با برادر مسلمانش غش و خیانت کند خداوند برکت را از روزی او بر می‌دارد و زندگی او را تباه می‌سازد و او را به خودش واگذار می‌کند.

### ۱۴. تدلیس و فریب کاری

تدلیس یعنی این که فروشنده، کالا را به صورتی بیاراید که خریدار را گول بزند و او را به خرید تشویق کند. و یا پول جنس مرغوب را بگیرد و به جای آن جنس نامرغوب

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۶۰: «يَا فُلَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ».

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۳.



تحويل دهد و یا جنس خوب و بد را به شکلی در هم آمیزد که مشتری گمان کند خوب است و متوجه آمیختگی آن با بد نشود.

چنین کاری، علاوه بر این که از نظر اخلاقی، پسندیده نیست، خیر و برکت را هم از کاسبی و زندگی می‌برد. هیچ آدم فریب کاری، پیروز نبوده است.



❁ **بنایی، خانه می‌ساخت و به مردم می‌فروخت. اما در ساخت و سازها دقت نمی‌کرد و مصالح نامرغوب، استفاده می‌کرد، اما به مشتری می‌گفت: آهن و مصالح مناسب و مرغوب به کار برده‌ام، آهن هم که پیدا نبود. پول مصالح مرغوب هم با مشتری حساب می‌کرد.**

روزی یکی از مشتریان، خانه‌ای را که خریده بود، با ضرر زیاد، پس داد. بنّا خوش حال بود که خانه را از او ارزان خریده است. چندی گذشت و مشتری دیگری برای خانه پیدا شد، دیر وقت بود که رفت تا خانه را به او نشان دهد. فاصله این خانه تا منزل خودش زیاد بود، گفت: امشب راهمین جا می‌خوابم و فردا صبح به منزل می‌روم. نیمه‌های شب بود که زلزله بسیار مختصری آمد و گوشه‌ای از سقف اتاقی که در آن خوابیده بود فرو ریخت و بنّا درجا مُرد. در آن منطقه، هیچ کس، آسیب ندیده بود.



## ۱۵. کم‌فروشی

یکی از آفت‌های کار و تولید، کم‌فروشی است که به تناسب موقعیت‌های شغلی مصادیقی مختلفی همچون از کار کم گذاشتن، به اندازه پول جنس تحويل ندادن و... وجود دارد. قرآن در آیات متعدد مسلمان را از بلای مصیبت‌بار کم‌فروشی بر حذر داشته و سوره‌ای را به همین موضوع اختصاص داده و می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ

يُخْسِرُونَ»<sup>۱</sup>

۱. مطففین، آیات ۱ - ۳.



وای بر حال کم‌فروشان که به هنگام تحویل گرفتن جنس، کامل تحویل می‌گیرند ولی به هنگام تحویل دادن، ناقص تحویل می‌دهند.

پی‌آمدهای این انحراف به حدی است که هیچ تعبیری به جز ویل و فریاد توان بیان آن را ندارد. آیاتی در قرآن از زبان حضرت شعیب علیه السلام حکایت از این دارند که یکی از مفسد شایع در میان قوم شعیب علیه السلام کم‌فروشی بوده است. حضرت شعیب تأکید بسیاری بر دقت در مبادلات از جهت وزن می‌کرد. قرآن نیز بر ترک این گناه تأکید فراوان دارد. از این رو در آیات متعدد از زبان حضرت شعیب علیه السلام این مسئله را با تعبیرهای مختلف بازگو می‌کند.

### نمونه‌های کم‌فروشی

اجناسی که به صورت بسته‌بندی عرضه می‌شوند، بدون در نظر گرفتن وزن آن؛ حبوبات، لبنیات (شیر، ماست، خامه و...) ترشیجات و... که به صورت عددی فروخته می‌شوند در حالی که وزن آن‌ها دائماً سیر نزولی دارد.

در آب گذاشتن مرغ یا سبزیجات برای اینکه وزن آن‌ها بیشتر شود. بیشتر گذاشتن چربی و استخوان همراه گوشت. سبک کشیدن کالاها. کم گذاشتن از کیفیت کالا همچون: رنگ، بو، شیرینی، دوخت و... دست‌کاری کردن ترازو یا تنظیم نبودن ترازو.

### آثار کم‌فروشی

کم‌فروشی، آثار ناگواری دارد، که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **بی‌اعتمادی:** باید بدانیم که اساس زندگی اجتماعی بر مبادله و داد و ستد است بدین جهت افراد جامعه در شئون اقتصادی زندگی به ناچار باید دارای تعاون و روحیه همکاری باشند. حال اگر در معامله‌ای از راه کم‌فروشی و ندادن حق مردم به کسی خیانت شود، اعتماد عمومی از میان می‌رود و جامعه از نظر اخلاقی و اجتماعی دچار تزلزل می‌گردد.
۲. **خشک‌سالی و قحطی:** کم‌فروشی، برکت را از جامعه می‌برد و درهای زمین و آسمان، بسته می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ إِذَا طُفَّتِ الْمِيزَانُ وَالْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ؛<sup>۱</sup>

۱. محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاه، ج ۳، ص ۵۲۸ و آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۲۴.





هر زمان که مردم کم‌فروشی کنند، خداوند آنان را به خشک‌سالی و قحطی و کم شدن محصول گرفتار می‌سازد.

۳. **ضرر دیدن خود:** یکی دیگر از آثار کم‌فروشی بازگشتِ ضرر و زیان آن، به خودِ انسان است. عملِ آدمِ کم‌فروش به خودش برمی‌گردد. به داستان زیر توجه کنید



🌸 زن و شوهری بودند که تمام ثروت آن‌ها یک بُز بود، که با شیر آن ماست و کره درست می‌کردند و به بازار می‌فروختند و چیزهایی را که لازم داشتند می‌خریدند. روزی، مقداری کره به بازار بردند و به مرد بقالی فروختند و به جایش یک کیلو قند خریدند. مرد بقال از آن‌ها خواست تا همیشه کره‌های خود را به او بفروشند و سفارش کرد که کره‌ها را به شکل گلوله‌های یک کیلویی درست کنند و برایش بیاورند. آن زن و مرد، همین کار را کردند و برای آن که مطمئن باشند که وزن هر کدام از گلوله‌ها یک کیلوست، آن‌ها را در ترازویی می‌گذاشتند و چون سنگ یک کیلویی نداشتند از همان کله قند یک کیلویی که مرد بقال به آن‌ها فروخته بود، به جای سنگ ترازو استفاده می‌کردند.

چند هفته گذشت. روزی مرد بقال با خودش گفت: نکند کره‌ها از یک کیلو کمتر باشد، بهتر است آن‌ها را وزن کنم. وقتی گلوله‌های کره‌ای را کشید دید دقیقاً هر کدام نهصد گرم است. عصبانی شد و خطاب به زن و شوهر گفت: خجالت نمی‌کشید کم‌فروشی می‌کنید؟! زن و شوهر با تعجب به هم نگاه کردند و به مرد بقال گفتند: ما سنگ یک کیلویی نداریم، لذا از همان کله قندی که به ما دادی به جای سنگ یک کیلویی استفاده می‌کنیم، پس تو خودت به ما کم فروختی که اکنون نتیجه آن به خودت برگشته است، ما عرضی نداشتیم.

باری، نتیجه کم‌فروشی در همین دنیا به خودِ انسان برمی‌گردد؛ علاوه بر آن که در آخرت نیز متوجه رفتار خود می‌شود:

تو کم دهی و بیش ستانی به کیل و وزن

روزی بود که از کم و بیشت خبر دهند



## ۱۶. احتکار

احتکار، بلای جان مردم و آفت بزرگ جریان سالم اقتصادی است. هر مقدار پولی که عادلانه و مشروع در اختیار فردی باشد، در سیستم اقتصادی صحیح، و دور از سودجویی و استثمار، به معنای آن است که به نسبت آن وجه، حق استفاده از کالاهای جامعه را در رابطه با نیاز خود دارد. ولی احتکار این حق را از او سلب می‌نماید. در واقع احتکار نه تنها پایمال‌کننده حقی از حقوق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم، با نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، موجب تورم می‌شود که از مفاسد بسیار خطرناک اجتماع است و در صورت ادامه آن، آثار ناهنجار معنوی نیز به دنبال خواهد داشت و در نهایت در زنجیره نظام جامعه اختلال ایجاد خواهد کرد و نتیجتاً جامعه‌ای فاسد خواهد ساخت.

### عاقبت احتکار

امام باقر (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل فرموده‌اند:

هر شخصی، خوراکی بخرد و آن را تا چهل روز حبس نموده و به مسلمانان به قیمت گران عرضه کند، بداند که پس از فروش اگر قیمت آن را صدقه دهد، کفاره آن چه انجام داده، نخواهد شد.<sup>۱</sup>

همچنین رسول خدا فرمود:

جبرئیل به من خبر داد که به دوزخ نظری کردم و دیدم دره‌ای در آن میان می‌جوشد. پرسیدم: ای مالک دوزخ، این دره جایگاه چه کسانی است؟ گفت از آن سه گروه است: محترکین، دائم‌الخمر و آنانکه واسطه برای زن و مرد اجنبی جهت کار نامشروع هستند.<sup>۲</sup>

عاقبت فرد محترک در همین دنیا نیز بسیار وخیم است و سرمایه او بی برکت می‌شود و چیزی برایش باقی نمی‌ماند.



🌸 در کربلا، عطار مشهوری زندگی می‌کرد. روزگاری مریض شد و بیماری‌اش

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۴.

۲. همان.



طولانی گردید. یکی از دوستان به عیادتش رفت، دید که از وسایل زندگی چیزی برایش باقی نمانده است. در همین حال، پسر تاجر وارد شد و گفت: پدر، برای نسخهٔ امروز، پول نداریم تا دارو بخریم.

پدر، اشاره‌ای به یکی از ظروف مسی کرد و گفت: امروز هم این را بفروش! دوست تاجر از او پرسید: جریان چیست؟

تاجر گفت: من در کربلا نمایندگی فروش آبلیموی شیراز را داشتم. آبلیمو وارد می‌کردم و می‌فروختم. ناگهان در شهر، بیماری حصبه شایع شد و پزشکان اعلام کردند که آبلیمو برای درمان این بیماری سودمند است. روز اول، کاری نکردم، ولی روز بعد به خودم گفتم: چرا آبلیموها را راحت در دسترس مردم می‌گذارم، خوب است که چند روزی در انبار نگه دارم تا گران‌تر شود. این کار را کردم و آبلیمو گران شد، مردم هم از روی ناچاری می‌خریدند، بعد هم که دیدم استقبال زیاد شده، آبلیموی تقلبی درست کردم.

خلاصه، احتکار و تقلب، کار من شده بود. اما ناگهان بیمار شدم، این بیماری مرا از پا انداخت و برای مداوای خود، هرچه داشتم هزینه کردم، تا این که امروز هم دیدی که ظروف را فروختم.

این یک داستان، داستان دیگر این که: حسابدار یک شرکت تعریف می‌کرد: مسئولان شرکت متوجه شدند محصولات کارخانه، در بازار بسیار کم و در حال گران شدن است، لذا تمام محصولات باقی مانده را از بازار جمع کردند و انبار نمودند تا گران‌تر شود. اتفاقاً آن انبار آتش گرفت و همهٔ محصولات سوخت.



نقل است که روزی رسول خدا ﷺ بر مردی در بازار می‌گذشت که غذایی ارزان‌تر از قیمت بازار به فروش می‌رساند. فرمود: آیا آن را به ارزان‌تر از قیمت معمول بازار می‌فروشی؟ گفت: آری پیامبر اکرم ﷺ فرمود: برای چه این کار را می‌کنی؟ آیا برای رضای خداست؟ گفت: آری. فرمود: بشارت می‌دهم تو را، زیرا کسی که بازار مسلمین را رونق دهد، مانند مجاهد در راه خداست و



محتکر در بازار مسلمین، مانند کافر و ملحد به کتاب خداست.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

الْحُكْرَةُ فِي الْخِصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَفِي الشَّدَّةِ وَالْبَلَاءِ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَى  
أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْخِصْبِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ وَمَا زَادَ فِي الْعُسْرَةِ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ  
فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ؛<sup>۲</sup>

احتکار در موقع فراوانی اجناس چهل روز، و در سختی و کمبود سه روز است. در ایام فراوانی هرچه از چهل روز بگذرد محتکر ملعون است و در ایام سختی هرچه از سه روز بگذرد محتکر مورد لعن پروردگار است.

### حکومت اسلامی و احتکار

احتکار از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین مربوط است و جلوگیری از آن از وظایف حکومت اسلامی است و کسی که در این منصب قرار گرفته، موظف است از احتکار جلوگیری کند و افراد محتکر را تحت تعقیب قانونی قرار دهد و به مجازات رساند. چنانکه در نامه حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر آمده است:

«بازرگانان در عین آنکه نقش اساسی در تأمین ارزاق و نیازمندیهای جامعه دارند و باید احترام آنان محفوظ باشد، ولی نباید غافل بود که گاهی حرص و آز، آنان را به احتکار و ایجاد بازار سیاه وادار می‌کند، لذا همواره آنان را از احتکار منع کن و اگر پس از ممنوع کردن اقدام به احتکار نمودند، آن‌ها را مجازات نما».

بنابراین از آنجا که جلوگیری از احتکار و وظیفه دولت است، تعیین اجناسی که شامل احتکار می‌شود، یعنی کالاهایی که مورد نیاز جامعه است و بازار سیاه آن موجب آشفستگی زندگی مردم می‌گردد، منوط به تشخیص حکومت است.

### ۱۷. انحصار ثروت

ثروت هر جامعه باید همچون خونی سالم در رگ‌های اجتماع جریان یابد و همه

۱. ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱؛ ۵۹۶.

۲. شیخ طوسی، استبصار، ج ۳، ص ۱۱۴.



اقتشار و اندام اجتماع را از حیات اقتصادی برخوردار کند. موضوع انحصار ثروت را در دو بخش می‌توان مطرح کرد:

### الف. انحصار شخصی

منظور از انحصار شخصی ثروت این نیست که افرادی از راه صحیح، ثروتمند نشوند، بلکه به این معناست که مال اندوختنی سرمایه خود را در یک جا راکد نگه دارند و نگذارند دیگران از آن بهره‌مند شوند. همچنان که نرسیدن خون به تمام اعضای بدن بر اثر انباشت آن در بعضی از بافت‌ها، موجب مرگ بافت بدون خون و فساد بافت پر خون می‌شود؛ متورم شدن ثروت در بخشی از اجتماع و به کار نینداختن آن در مسیر تولید و رونق کار و کسب مردم، موجب مرگ اقتصادی اقتشار فقیر و فساد ثروتمندان اسرافگر می‌گردد. قرآن کریم بالحنی شدید ثروت اندوختنی را که فقط به منافع مادی خود فکر می‌کنند و از گردش و چرخش آن در اجتماع جلوگیری می‌کنند، به شدت سرزنش کرده و به آنان وعده عذابی دردناک می‌دهد:

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ  
يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ»؛

و کسانی را که زر و سیم می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذابی دردناک نویدشان ده. روزی که آن (زر و سیم) را در آتش دوزخ سرخ کنند و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ نهند (و گویند) این است آنچه برای خود می‌اندوختید، پس بچشید آنچه را که می‌اندوختید.<sup>۱</sup>

پیام مهم این آیه شریفه به جریان افتادن ثروت در اجتماع و پرهیز از انباشت آن در دست عده‌ای از افراد جامعه است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است:

«مقصود ما این است که نباید پول را در گنجینه حبس کرد و از جریانش در مجرای معاملات و اصلاح گوشه‌ای از شئون زندگی و رفع نیازهای ضروری جامعه از قبیل سیر کردن گرسنگان، سیراب ساختن تشنگان، پوشاندن برهنگان، سود بردن کاسبان و کارکردن و زیاد شدن خود سرمایه، مصالح مریضان، آزاد ساختن اسیران، نجات دادن

۱. توبه، آیات ۳۴ - ۳۵.



بده‌کاران، رفع پریشانی از بیچارگان و دفاع از حریم کشور و اصلاح مفاسد اجتماعی و... دریغ ورزید.

اگر به خوبی این مطلب را بررسی کنید و به زندگی روزمره خود نگاهی بیندازید، خواهید دید ترک انفاق‌های مستحب در شئون مختلف زندگی از قبیل زناشویی، خوراک و پوشاک و اکتفا کردن به قدر واجب شرعی و عقلی آن، چه اختلالی در نظام زندگی ایجاد می‌کند؛ اختلالی که به هیچ قیمتی نمی‌توان آن را جبران نمود.<sup>۱</sup>

نتیجه طبیعی انباشت ثروت در دست‌انسان‌های کم‌ظرفیت و به جریان نینداختن آن برای رونق کار و کسب، سرکشی و از حد به در شدن آن‌هاست. انسان تهی از عقلانیت و عدالت، وقتی دستانی پر از پول و مکت مییابد و مانعی بر سر راه خود نمی‌بیند از حد خود بیرون می‌رود و به حدود دیگران تجاوز میکند و سرانجام به ظلم و طغیان‌گری می‌پردازد:

### ب. انحصار دولتی

مهم‌ترین کانون قدرت و ثروت در هر جامعه، دولت و حکومت است. دولت‌ها به دلیل حاکمیت خود بر منابع، اطلاعات و در اختیار داشتن گلوگاه‌های اقتصادی، اهرم‌های قانونی و... می‌توانند بیشترین انحصار اقتصادی را ایجاد کنند. حاکمان و زمامداران خودسر، به ثروت‌های عمومی به چشم ملک طلق خود می‌نگرند و تا حد امکان اطرافیان خود را از خوان گسترده ثروت عمومی بهره‌مند می‌کنند، نبض بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را در دست‌ان خود دارند، صادرات و واردات و فعالیت‌های کلان اقتصادی را خود عهده دارند و...

در چنین جامعه‌ای بیشتر ثروت ملی، به جیب اقلیت جامعه فرو می‌رود و اکثریت جامعه ریزه‌خوار بخش اندکی از ثروت عمومی‌اند. امام علی علیه السلام در منشور حکومتی همیشه جاوید خود به مالک اشتر، توصیه می‌نماید که از ویژه‌سازی و انحصار ثروت جلوگیری کند:

«در چیزهایی که مردم در (نیاز به) آن‌ها برابرنند، از ویژه‌سازی و انحصار طلبی پرهیزکن».<sup>۲</sup>

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، ج ۹، ص ۳۵۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳: إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ.



آن حضرت در مورد سوءاستفاده اطرافیان فرصت طلب نیز توصیه می‌فرماید: «بدان برای زمامدار، خاصان و صاحبان اسراری است که انحصار طلب و دست‌درازند، در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند، ستم آنان را با قطع وسایل آن، از ریشه برکن. به هیچ یک از اطرافیان و بستگان خود زمینی از اراضی مسلمانان واگذار مکن. آنان نباید طمع کنند که تو قراردادی به سود آنان منعقد سازی که مایه ضرر سایر مردم باشد، خواه در آب‌رسانی یا هر عمل مشترک دیگر، به طوری که هزینه‌های آن را بر دوش دیگران تحمیل کنند».<sup>۱</sup>

## ۱۸. بازار سیاه

بازار سیاه و ایجاد گرانی کاذب، آفت دیگر اقتصاد و تولید و تجارت است. کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند به اقتصاد و مملکت خیانت می‌کنند، پیامبر افرمود:

الناجش خائن؛<sup>۲</sup>

کسی که قیمت را افزایش می‌دهد خائن است.

منظور از بازار سیاه، تبانی بر گران‌فروشی است؛ به این معنا که فروشندگان کالایی با هم متحد شوند و قیمت کالا را به اتفاق بالا ببرند و چون مشتری هر جا رجوع کند قیمت را یکسان می‌بیند ناگزیر در برابر گرانی، تسلیم شده و آن را می‌خرد. متأسفانه این پدیده ناهنجار در میان تجار و کسبه زمان ما نیز کم و بیش مشاهده می‌شود.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از خدمت‌گزارانش به نام مصادف هزار دینار پرداخت و به او فرمود: آماده سفر تجاری به مصر شو، مصادف با پول امام کالایی تهیه و همراه گروهی از تجار رهسپار مصر شد. این گروه وقتی به نزدیکی مصر رسیدند با کاروانی برخورد کردند که به تازگی از مصر خارج شده بود. از آنان درباره وضعیت بازار مصر و موقعیت کالای خود در آن پرسیدند و معلوم شد کالای تجاری ایشان که از نیازهای عمومی مردم بود، در بازار مصر نایاب است و مشتری فراوان دارد. مصادف و همراهانش با درک موقعیت

۱. همان: ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي حَاصَّةً وَبَطَانَةً فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ وَ قِلَّةٌ اِنْصَافٍ فِي مَعَامَلِهِ، فَاحْصِمِ مَادَّةَ اَوْلَيْكَ بِقَطْعِ اَسْتَبَابِ تِلْكَ الْاَحْوَالِ وَ لَا تُتَمَعَّنْ لِاَحَدٍ مِنْ حَاصَّتِكَ وَ حَامَّتِكَ قَطِيعَةً وَ لَا تَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اِعْتِقَادِ عَقْدَةٍ تَضُرُّ بَمَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ فِي شُرُوبٍ اَوْ عَمَلٍ مُشْتَرَكٍ يَحْمِلُونَ مَثْوَتَهُ عَلَيَّ غَيْرِهِمْ.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۸۱.



خاص که در آن قرار گرفته بودند، هم سوگند شدند که هیچ کس کالایش را کمتر از دو برابر قیمت خرید نفروشد، آن‌ها پس از فروش کالای تجاری و جمع‌آوری سود و سرمایه به مدینه بازگشتند. مصادف خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و دو کیسه پولی را که همراه داشت خدمت حضرت نهاد و عرض کرد، فدایت شوم یکی اصل سرمایه و دیگری سود آن است. حضرت فرمود: این سود بسیار است، چگونه آن را به دست آوردی؟ مصادف تمام ماجرا را برای حضرت شرح داد که چگونه با یکدیگر، هم سوگند شدند و به آسانی سود سرشاری به دست آوردند. حضرت با ناراحتی فرمود: سبحان الله به زیان مردمی مسلمان با هم، هم سوگند می‌شوید که متاع خویش را جز به دو برابر خرید نفروشید؟ آن‌گاه یکی از دو کیسه را برداشت و فرمود: این سرمایه من و ما را به چنین سودی نیاز نیست.<sup>۱</sup>

### ۱۹. سخت‌گیری در معامله

در قیامت، حساب برخی سخت، دقیق و بدون کمترین گذشت است<sup>۲</sup> و برخی آسان<sup>۳</sup> و دلیل آن روشن است، زیرا برخی از مردم در زندگی دنیا فوق‌العاده سخت‌گیری میکردند و به اصطلاح، مورا از ماست می‌کشیدند. آدم‌های سخت‌گیر، سعی دارند حق خود را تا آخرین حد ممکن بستانند. این‌ها کسانی هستند که در زندگی کمترین گذشت را به دیگران ندارند و از آن‌جا که زندگی جهان آخرت، بازتاب و انعکاس زندگی این جهان است خداوند نیز در حساب آن‌ها سخت‌گیری می‌کند و کسانی که آسان‌گیر و پرگذشت و بزرگوارند و خطاهای دیگران را نادیده می‌گیرند، خداوند در مورد این‌گونه اشخاص آسان می‌گیرد و آن‌ها را مشمول عفو و رحمت خود قرار می‌دهد.<sup>۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) به یکی از شیعیانش فرمود: چرا برادرت از تو شکایت دارد؟ عرض کرد: چون تمام حقم را از او مطالبه کرده‌ام، حضرت با خشم نشست و فرمود: مثل اینکه اگر تمام حقت را از او بستانی بد نکرده‌ای. بگو بدانم خدا

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۹.

۲. سوره رعد، آیه ۱۸ و طلاق، آیه ۸.

۳. سوره انشقاق، آیه ۸.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۷۹.





که درباره جمععی که می‌فرماید: از بدی حساب بیمناک‌اند»، اینها می‌ترسند خدا بر آن‌هاستم کند؟ یا می‌ترسند همه حقش را مطالعه کند و خدا نام این را بدی حساب نهاده، پس هر که تمام حقش را مطالبه کند و هیچ گذشت در موارد لازم نداشته باشد بد کرده است.<sup>۱</sup>

## ۲۰. مصرف‌گرایی (اسراف)

یکی از آسیب‌های جدی بر پیکره نظام اقتصادی هر ملت، مصرف‌گرایی بیش از حد یا اسراف است. اسراف موجب هدر رفتن منابع ملی و کند شدن چرخ پیشرفت اقتصادی کشور می‌شود.

«اسراف» به معنای تجاوز از اندازه و حد اعتدال؛ و در نقطه مقابل آن «اقتصاد» به معنای اعتدال و میانه‌روی است. «مصرف» در اعمال و رفتار خود تندروری می‌کند و مقتصد، میانه‌رو و معتدل است.

اسراف معنای عامی است که شامل هر رفتار بیش از حد معقول می‌شود، خواه در اموال مالی باشد یا غیر مالی؛ خواه در کمیت باشد یا در کیفیت. به تعبیر دیگر هر رفتار بیش از حد معقول، تندروری و رفتاری مسرفانه است؛ رفتار «بیش از اندازه لازم» از نوع اسراف در کمیت است و رفتار «بی‌جا» از نوع اسراف در کیفیت.

افراط و تفریط نه تنها در امور مباح، غیر عاقلانه و غیر شرعی است، بلکه حتی در امور نیک و پسندیده نیز امری مذموم محسوب می‌شود. اسراف و تندروری، جامه زشتی است که قامت هر عمل پسندیده‌ای را ناپسند جلوه می‌دهد. اسراف در انفاق یکی از همین امور است، قرآن می‌فرماید:

«از مال خود در راه خدا انفاق کنید، لکن نه به حد اسراف و خود را به مهلکه و خطر نیفکنید».<sup>۲</sup>

به تعبیر امام سجاد (علیه السلام):

«چه بسا کسی در راه حق مال خود را انفاق کند حال آن‌که اسراف کار شمرده می‌شود».<sup>۳</sup>

۱. وَ قَالَ لِبَعْضِ شِيعَتِهِ مَا بَأْسُ أَخِيكَ يَشْكُوكَ فَقَالَ تَشْكُونِي... .

۲. بقره، آیه ۱۹۵: «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ».

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۵: ان الرجل لينفق ماله في حق و انه لمسرف.

چنانچه فردی بر اثر انفاق نابه‌جا، دچار فقر و نداری شود و دعا کند که خدایا به من روزی برسان، به فرموده پیامبر مکرم اسلام ادعای او مستجاب نخواهد شد: «... گروه‌هایی از امت من دعایشان متسجاب نمی‌شود... و مردی که خدا مال فراوانی روزی او سازد، و او آن مال را خرج (ولخرجی) کند، سپس روبه دعا آورد و بگوید: پرودگارا به من روزی بده! خداوند بزرگ به چنین کسی می‌گوید: مگر به توروزی گسترده ندادم، چرا - چنان‌که به تو امر کرده بودم - میانه‌روی نکردی و به اسراف پرداختی، در صورتی که من تو را از اسراف نهی کرده بودم؟»<sup>۱</sup>

### انواع اسراف

مصرف بیش از حد و مصرف بی‌جا هر دو اسراف است. امام صادق (علیه السلام) در جمله‌ای کوتاه، مصداق‌هایی از هر دو نوع اسراف را بیان کرده‌اند:

«کمترین اسراف، دور ریختن زیادی آب ظرف، لباس نو و آبرومندانه را به جای لباس کار پوشیدن و به دور انداختن هسته خرما (در جایی که می‌توان آن را کاشت) است».<sup>۲</sup>

از نظر پیامبر مکرم اسلام کسی که بر اساس هوا و هوس خود، هرچه بخواهد بخورد و بپوشد و سوار شود، از رحمت خاص خداوند به دور است:

«هر کس هر گونه خوارکی که دلش می‌خواهد بخورد و هر گونه جامه‌ای که دلش می‌خواهد بپوشد، و هر گونه مرکبی که دلش می‌خواهد سوار شود (و برده امیال خودش باشد) خداوند به او نگاه (رحمت) نمی‌کند مگر آنگاه که روش خود را تغییر دهد و از آن دست بردارد».<sup>۳</sup>

معیار اسراف، برخورداری مالی یا ثروتمندی نیست، بلکه ملاک آن، مصرف بیش از حد یا نابه‌جاست. فردی که در عین برخورداری و تمکن فراوان، از اموال خود استفاده بهینه کند و آن‌ها را در جای خود به مقدار مورد نیاز مصرف نماید، اسراف‌کار شمرده نمی‌شود، اما برعکس فردی که در عین دارایی اندک، از اموال خود استفاده نابه‌جا کند، اسراف‌کار است.

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۶۷: إِنَّ أَصْنَافًا مِّنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ... .  
 ۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۷: أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِتَاءِ وَ اِئْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَ اِلْقَاءُ النَّوَى.  
 ۳. حرانی، تحف العقول، ص ۳۳: مَنْ أَكَلَ مَا يَشْتَهِي وَ لَبَسَ مَا يَشْتَهِي وَ رَكَبَ مَا يَشْتَهِي لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَشْرِكَ.



اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام گفتم: مردی ده پیراهن دارد، آیا این اسراف است؟ فرمود: «نه، چون باعث دوام بیشتر جامه‌های او می‌شود؛ اسراف آن است که لباس پاکیزه‌ات را در جای کثیف بپوشی».<sup>۱</sup>

از نظر امام علی علیه السلام اسراف کار را با این علائم می‌توان شناخت: آنچه مال او نیست می‌خورد، آنچه مال او نیست می‌خرد، و آنچه مال او نیست می‌پوشد.<sup>۲</sup>

در مقابل اسراف؛ اعتدال یا میانه‌روی قرار دارد. قرآن کریم در دستوری کلی و اساسی، همگان را به «مشی معتدل» در زندگی (واقصد فی مشیک)<sup>۳</sup> در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... فرمان می‌دهد.

میانه‌روی در امور اقتصادی، به معنای به اندازه نیاز و به‌جا مصرف کردن است. انسان مقتصد کسی نیست که مصرف نکند یا کمتر از نیاز مصرف کند، بلکه کسی است که به اندازه و به‌جا مصرف کند.

انسانی که در خرج کردن و مصرف نمودن معتدل است، از رفاه نسبی برخوردار است و چرخ زندگی‌اش همیشه در حال گردش است. به فرموده پیامبر گرامی اسلام: کسی که در زندگی خود میانه‌روی پیشه کند، خداوند روزی او را تأمین می‌کند و کسی که تبذیر (ریخت و پاش) کند، خود را از نعمت‌ها محروم نماید.<sup>۴</sup>

بی‌تردید، اسراف باعث فقر و بیچارگی می‌شود. مطالعه در زندگی افرادی که دچار فقر شده‌اند نشان می‌دهد که علاوه بر تنبلی و بی‌برنامگی، اسراف عامل مهم این فقر است. یک حکایت را نقل می‌کنم:



### 🌸 مرد عاقلی بود که در زندگی‌اش نظم و برنامه داشت و از راه کار و تولید و تجارت، سرمایه قابل توجهی داشت.

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۲: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ الْكَاطِمِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَشْرَةُ أَقْمِصَةٍ أَيْكُونُ ذَلِكَ مِنَ السَّرْفِ فَقَالَ لَا وَ لَكِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِغِيَابِهِ وَ لَكِنَّ السَّرْفَ أَنْ تَلْبَسَ ثَوْبَ صَوْنِكَ فِي الْمَكَانِ الْقَدْرِ.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۱: لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ.

۳. سوره لقمان، آیه ۱۹.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۲: مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ.



وقتی آخر عمرش رسید به فرزند جوانش وصیت کرد: ای فرزندم، خداوند متعال به من توفیق داد که از راه رنج و زحمت مال و سرمایه‌ای به دست آورم، اکنون همه را به تو می‌سپارم، ولی وصیتم این است که اسراف نکنی. من ترس آن دارم که ناهلان، گرد تو جمع شوند و تو را به سمت اسراف و ریخت‌وپاش، ببرند، ولی هرچه شد خانه را نفروش.

پسر، بعد از وفات پدر، مال را خرج و اسراف کرد و دوستان ناهل، اموالش را خوردند و بعد از تمام شدن مالش، دشمن او شدند. اما خانه را نفروخته بود. روزی در خانه نشسته بود و از همه کس و همه چیز، افسرده و دل‌گیر شده بود، تصمیم گرفت خودکشی کند. طنابی به سقف آویزان بود، آن را به گردن خود انداخت، اما ناگهان بر اثر سنگینی، تیر سقف افتاد و ده هزار دینار، همراه یک نامه از آن جا فرو ریخت.

وقتی جوان چنین دید، خوش حال شد، پول‌ها و نامه‌ها را برداشت، پدرش در نامه، نوشته بود: پسرم، دوباره می‌گویم که از اسراف، دوری کن. من احتمال می‌دادم که به چنین روزی بیفتی لذا این طناب و دینارها را از قبل آماده کرده بودم. رفقای که تو را به اسراف، فرامی‌خوانند دوست تو نیستند.

از آن پس بود که جوان، بیدار شد و زندگی متعادلی را در پیش گرفت. هر کسی باید بکوشد که تا به مرحله‌ی هلاکت و طناب دار، نرسیده از غفلت به درآید و از اسراف، دوری کند.



آنچه در این قسمت، مورد گفت‌وگو قرار دادیم، مهم‌ترین آفت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری بود که فضای کار و تجارت و تولید و زندگی شخصی و برنامه‌ریزی‌های دولتی را تهدید می‌کند. هر یک از این آفت‌ها می‌تواند سیلاب‌های سنگینی را به راه اندزد و کیان خانواده و دولت و ملت را ویران سازد. باید مراقب بود و از مسیر خودسازی‌های اخلاقی، این روزنه‌ها را بست و اقتصاد و فرهنگ خانواده و اجتماع را به طرف سلامت برد.



## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابراهیمی، سمیه، اهمیت جنگل‌ها و مراتع، نشر نگارش نوین، تهران ۱۳۹۶.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، نشر کتاب خانه آیت الله مرعشی، قم ۱۴۰۷ ق.
۵. ابن اثیر، محمد بن محمد شبیبانی، جامع الاصول، دارالفکر، بیروت ۱۴۲۷ ق.
۶. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، دار صادر، بیروت ۱۴۱۰ ق.
۷. افچچی، حسین، افزایش بهره‌وری کارکنان در سازمان، نشر زرین کلک، تهران ۱۳۹۲.
۸. برایان تریسی، قورباغه‌ات را قورت بده، ترجمه فریبا سبزچمنی، نشر شادان، تهران ۱۳۸۹.
۹. \_\_\_\_\_، مدیریت زمان، ترجمه بنفشه عطرسایی، انتشارات زرین کلک، تهران ۱۳۹۲.
۱۰. بنیسی، صمد، ارتباط دانشگاه و صنعت، انتشارات دانشگاه هرمزگان، ۱۳۹۳.
۱۱. بهمنی، حسین، آشنایی با بهره‌وری سازمانی، نشر زرین کلک، تهران ۱۳۸۹.
۱۲. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم (تصنیف)، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۲.
۱۳. جمالی، اسماعیل، مدرسه‌ای برای زندگی، نشر ندای سینا، تهران ۱۳۹۹.
۱۴. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، مؤسسه آل البیت، قم ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حرانی، ابن شعبه محمد حسن بن علی، تحف العقول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۴ ق.
۱۶. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. خاکی، غلامرضا، مدیریت بهره‌وری، نشر کوهسار، تهران ۱۳۸۸.
۱۸. رسولی محلاتی، سید هاشم، ترجمه و شرح غررالحکم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۲.

۱۹. رضایی، شهلا و دیگران، جایگاه مثبت آموزش و پرورش در جامعه، نشر فرزندگان، تهران ۱۳۸۹.
۲۰. سعدی، بوستان، انتشارات چشمه، تهران ۱۳۷۵.
۲۱. \_\_\_\_\_، گلستان، نشر قطره، تهران ۱۳۸۲.
۲۲. شفیع، مسعود، ارتباط صنعت و دانشگاه، نشر دانشگاه امیر کبیر، تهران ۱۳۸۳.
۲۳. طباطبائی، علامه سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۷۴ ش.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۴۱۵ ق.
۲۵. قمی، حاج شیخ عباس، سفینه البحار، انتشارات هجرت، قم ۱۴۱۲ ق.
۲۶. قیاسوند، سعید، فرسایش خاک، نشر سمین، تهران ۱۳۹۷.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ ش.
۲۸. متقی هندی، تقی الدین، کنز العمال، مکتبه التراث الاسلامیه، بیروت ۱۳۸۹ ق.
۲۹. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ ق.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دار الحدیث، قم ۱۴۱۶ ق.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، قم ۱۳۷۳.
۳۲. مطهری، مرتضی، ربا، بانک و بیمه، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۵.
۳۳. مکارم شیرازی، آیت الله ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۳ ق.
۳۴. ملک، حسن، تاریخ آموزش و پرورش، انتشارات الهی، تهران ۱۳۸۸.
۳۵. مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی، نشر جاودان، ۱۳۶۹ ش.
۳۶. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل‌البتیت، قم ۱۴۰۷ ق.
۳۷. هاشم‌پور، مرتضی، اقتصاد و فرهنگ ایرانی - اسلامی، نشر زرین کلک، تهران ۱۳۹۱.
۳۸. هراتی، محمدرضا، صرفه‌جویی در مصرف چوب و کاغذ، انتشارات فنی ایران، تهران ۱۳۹۰.



## کتاب‌های منتشر شده در این مجموعه



### ۱- درس‌هایی از یک کارآفرین موفق

بخشی از تجربیات و خاطرات حاج حسن آقاجانی تولیدکننده و مدیر نمونه ایران  
نویسنده: سید علی ناظم‌زاده - ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار  
انتشارات ارمغان طوبی - ۱۳۹۷

### ۲- کارآفرینی برای جوانان

گفتارهای حسن آقاجانی درباره اشتغال و کارآفرینی  
نویسنده: سید علی ناظم‌زاده - ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار  
انتشارات امام عصر - ۱۳۹۸

### ۳- درس‌های کاربردی برای مدیریت منابع انسانی

درس‌های کاربردی درباره توسعه سرمایه‌های انسانی با بهره‌گیری از گفتارهای حسن آقاجانی  
نویسنده: سید علی ناظم‌زاده - ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار  
انتشارات امام عصر - ۱۴۰۰

### ۴- آفت‌های بهره‌وری در خانواده، سازمان و دولت

گفتارهای حسن آقاجانی درباره بهره‌وری و جیب‌های سوراخ خانه و سازمان و دولت  
انتشارات امام عصر - ۱۴۰۰



برای تهیه کتاب‌های فوق به مجموعه دنیای کتاب قم - مجتمع تجاری صفائیه  
یا به سایت اینترنتی [www.hasanaghajani.com](http://www.hasanaghajani.com) مراجعه نمایید.  
یا با شماره تلفن ۳۲۸۸۲۳۲۳ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.